





۵

سیاست تثبیت به نتایج مطلوبی رسید

**۱۰ نکته کلیدی
رئیس کل بانک مرکزی
در گفت‌وگو با مردم**

۷

**مداخله در امور
بانک مرکزی
هزینه کنترل تورم
را افزایش می‌دهد**

"عدنان سلیمان"، استاد دانشکده
اقتصاد دانشگاه دمشق



۱۱

**اقدامات بانک مرکزی
جهش شدید قیمت سکه را مهار کرد**

مظاهری، رئیس کل اسبق بانک مرکزی



۲۴

**۳ اقدام کلیدی
بانک مرکزی
برای مهار تورم**

برخورداری
عضو هیات علمی دانشگاه تهران



۱۶

**بانک مرکزی
عملکرد موفقیت آمیزی
در کنترل نقدینگی
به نمایش گذاشت**

امین آزاد
مدیرکل اسبق نظارت بانک مرکزی



۳۸

**دلایل کُند شدن
رشد اقتصادی در فصل تابستان**

۴۴

**بازار توافقی ارز
گامی به سوی ثبات و شفافیت**

۶۴

**استمرار فشارهای تورمی
تیغ دولبه بانکداران فیلیپینی**

۷۰

**مسیر مبارزه با تورم در اقتصاد
سنگاپور چگونه شکل گرفت؟**



**کسری بودجه عامل
تخریب سیاست‌های
کنترل تورم بانک مرکزی**

آصفری، عضو کمیسیون
شوراهای مجلس یازدهم

۲۸



**ترسیم نقشه راه
سیستم ارزی موفق
در اقتصاد ایران**

نشست اندیشکده
موسسه بازار پول و ارز

۳۲



• صاحب امتیاز:

موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• مدیرمسئول و سردبیر:

علی احمد قاسمی

• مشاور سردبیر و ناظر محتوایی:

فاطمه محمدی

• مشاور سردبیر:

سینا احدیان

• همکاران این شماره:

امیرحسین موسوی، حسین کمال زارع، حمید کمار
رضا فراهانی، جواد فراهانی، سید مهدی میرحسینی
پوریا صادقی، هانیه محمدی، هانیه اسماعیلی
نرگس کافی، حسین جعفری و فاطمه آریانفر

• مدیر اجرایی:

محمود مهدوی

• دبیر سایت:

دنیا نظرسروش

• گرافیکست و طراح جلد:

سید احسان نوری نجفی

• صفحه آرایی:

مهدی بخشی

• عکاس:

مجید سلطانی

• نشانی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)
نبش خیابان شهید رفیعی (۲۰)، ساختمان مرکز مبادله
ارز و طلای ایران - طبقه ۱۱، موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز

• کد پستی:

۱۵۱۱۹۱۸۹۲۰

• لیتوگرافی و صحافی:

نگار نقش

• چاپ و توزیع:

احمد شیرازیان



@tazehayeeghtasad

سرمقاله

۴	اجرای راهبرد جدید بانک مرکزی در بازار ارز
۵	۱۰ نکته کلیدی رئیس کل بانک مرکزی در گفت و گو با مردم
۷	مداخله در امور بانک مرکزی هزینه کنترل تورم را افزایش می دهد
۱۱	اقدامات بانک مرکزی جهش شدید قیمت سکه را مهار کرد
۱۶	بانک مرکزی عملکرد موفقیت آمیزی در کنترل نقدینگی به نمایش گذاشت
۲۴	۳ اقدام کلیدی بانک مرکزی برای مهار تورم
۲۸	کسری بودجه عامل تخریب سیاست های کنترل تورم بانک مرکزی
۳۲	ترسیم نقشه راه سیستم ارزی موفق در اقتصاد ایران
۳۶	بانکداری تخصصی کلید کارآمدی بانک ها
۳۸	دلایل گند شدن رشد اقتصادی در فصل تابستان
۴۱	منطق تغییر رویکرد طبقه بندی و ذخیره گیری ابزارهای مالی در نظام بانکی
۴۴	بازار توافقی ارز گامی به سوی ثبات و شفافیت
۴۷	کنترل ترازنامه بانک ها زمینه کاهش تورم را فراهم کرد
۵۲	ماراتن مبارزه جهانی با تورم به پیروزی رسید
۶۴	استمرار فشارهای تورمی تیغ دولبه بانکداران فیلیپینی
۷۰	مسیر مبارزه با تورم در اقتصاد سنگاپور چگونه شکل گرفت؟
۷۳	اجرای کار ویژه مدیریت تورمی در بانک مرکزی انگلیس
۷۷	عملکرد موفق بانک مرکزی کره جنوبی در مهار تورم

اجرای راهبرد جدید بانک مرکزی در بازار ارز

ارزی که در اقتصاد کشور تحت عنوان نرخ بازار آزاد شناخته می‌شود، نرخ ارز در بازار غیررسمی است که شروط کارایی بازار در آن برقرار نیست و در بسیاری از تحلیل‌ها این نرخ برجسته می‌شود. به ویژه در بازار دارایی‌ها، نظیر طلا و خودرو، نرخ بازار آزاد تأثیر بسزایی بر قیمت‌گذاری دارد و نشانه‌هایی به بازار مخابره می‌کند که گاه با وضعیت واقعی اقتصاد همخوانی ندارد. از سوی دیگر، در بخش عمده‌ای از مبادلات کالاهای وارداتی و صادراتی، سامانه نیما نقش اصلی را ایفا می‌کند و نرخ آن به عنوان مبنای قیمت‌گذاری استفاده می‌شود. اما تالار ارز توافقی این امکان را فراهم می‌کند که نرخ کشف‌شده در این تالار به عنوان نرخ رسمی و معتبر برای همه بخش‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. به این ترتیب، از یک سو به کاهش شکاف نرخ نیما و بازار آزاد کمک می‌کند و از سوی دیگر با نمایان شدن یک نرخ معتبر، شرایط لازم برای ثبات بیشتر بازار ارز و زمینه افزایش شفافیت در سایر بخش‌های نظام اقتصادی را فراهم می‌آورد.

هدف سیاست‌گذار ارزی از این ابتکار، تبدیل نرخ ارز توافقی به نرخ ارز مرجع اقتصاد ایران است، به گونه‌ای که علامت‌دهی انتظارات کارگزاران اقتصادی از طریق این نرخ انجام شود. برآیند این اقدام به دوام ثبات بازار ارز کمک کرده و به کاهش نگرانی‌ها از نوسانات ارزی منجر خواهد شد. همچنین به نظر می‌رسد تالار ارز توافقی، بیش از آنکه صرفاً یک بازار جدید باشد، ظهور راهبرد عمیق مقام پولی در بازسازی ارزی است که به تحقق رسیده است.

با توجه به چالش‌های انباشته شده بازار ارز در اقتصاد ایران، بانک مرکزی در راستای تقویت ثبات بازار ارز و بهبود شفافیت در قیمت‌گذاری، گامی مهم و تحول‌آفرین برداشته و تالار ارز توافقی راه‌اندازی کرده است. این تالار که بزودی افتتاح و بهره‌برداری خواهد شد، بالغ بر یک سال و نیم زمان صرف طراحی و اجرای زیرساخت‌های فنی آن شده است و اکنون به عنوان بستری نوین برای مبادله ارز با مکانیسم‌های نوآورانه آغاز به فعالیت خواهد کرد.

تالار ارز توافقی با تفاوت‌های اساسی نسبت به سامانه‌های ارزی پیشین، به ویژه سامانه نیما، ایجاد شده است. اگرچه سامانه نیما در بین فعالان اقتصادی به عنوان یک بازار ارز شناخته می‌شود، اما، در واقع به لحاظ فنی یک سیستم جهت انجام مبادلات ارزی است. در سامانه نیما، نرخ ارز از طریق حراج و بر اساس میزان عرضه و تقاضا کشف نمی‌شود، بلکه به عنوان یک سامانه جورسازی (Matching)، مبادلات را بدون سازوکار رقابتی لازم برای شکل‌گیری نرخ انجام می‌دهد. در مقابل، تالار ارز توافقی به گونه‌ای طراحی شده که نرخ ارز در آن به صورت روزانه و بر اساس سازوکار حراج، از طریق عرضه و تقاضای واقعی فعالان تجاری تعیین می‌شود، مکانیسمی که شفافیت و کارایی بیشتری در تعیین قیمت به همراه دارد.

هدف بانک مرکزی از طراحی بازار (Market design)، ایجاد یک بازار کارا و شفاف است که قیمت‌گذاری حقیقی ارز بر اساس عرضه و تقاضا کشف شود. در حال حاضر، نرخ



۱۰ نکته کلیدی رییس کل بانک مرکزی در گفت و گو با مردم

- به نظرمی رسد اقتصاد ایران اثرپذیری زیادی از نتیجه انتخابات آمریکا نداشته باشد
- وقتی انتخاب ترامپ اعلام شد، نوسانات محدود بود و تاب آوری را در بازارها شاهد بودیم
- توانستیم منابع بلوکه شده را آزاد کنیم و اکنون از آنها استفاده می کنیم

سیاست تثبیت همچنان در دستور کار بانک مرکزی

مادر حوزه ارز در دو سال گذشته، سیاست تثبیت را اتخاذ کردیم و در چارچوب آن به دنبال این بودیم تا نوسانات نرخ ارز در بازارهای مختلف را به حداقل برسانیم و نیازهای تجاری و غیرتجاری ارز را در یک نظام رسمی تامین کنیم. در دو سال گذشته، این برنامه پیشرفت خوبی داشته و همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.

راه اندازی بازار ارز توافقی برای حذف بازار غیررسمی

یکسال و نیم است درباره بازار ارز توافقی کار می کنیم، نیمایک سامانه است ولی ارز توافقی بازار ارز تجاری است که تلاش می کنیم به این سمت برویم تا کل ارز صادرات و واردات کالاها عرضه و تقاضا شود و در قالب حراج نرخ شکل بگیرد و این نرخ، نرخ حاکم در بازار باشد و علامت دهی کند. نرخ بازار غیررسمی تحت تاثیر مبادلات قاچاق است، ولی بازار ارز توافقی تحت تاثیر تجارت داخلی کشور خواهد بود و ما هم به عنوان عرضه کننده در این بازار به عرضه ارز می پردازیم، ما بازار ارز توافقی را راه اندازی خواهیم کرد که به جای بازار ارز غیررسمی علامت دهی خواهد کرد و نرخ را در آنجا کاهش خواهد داد.

تنوع بخشی و رشد ذخایر طلا

تنوع بخشی به سبد ذخایر ارز و طلای بانک مرکزی و رشد ذخایر طلا از دیگر محورهای سخنان فرزین بود. رئیس کل بانک مرکزی در این رابطه اعلام کرد: ما چون تحریم هستیم باید نوع ذخایرمان متفاوت باشد. به همین خاطر در دو سال گذشته

رئیس کل بانک مرکزی هفته گذشته در برنامه گفت و گوی ویژه خبری سیما حاضر شد و درباره اقدامات و برنامه های بانک مرکزی در حوزه های پولی، ارزی و بانکی توضیحاتی ارائه کرد. متن زیر، ۱۰ مورد از مهم ترین نکاتی است که محمدرضا فرزین به آنها اشاره کرد.

تهدیدها و فرصت های بازگشت ترامپ

وی در ابتدای سخنان خود، درباره انتخابات آمریکا و تاثیر اقدامات ترامپ بر اقتصاد ایران، گفت: انتخاب ترامپ در آمریکا تاثیر بزرگی روی بازارهای جهانی داشته و ما هم می توانیم آثار آن را از دو جنبه بررسی کنیم. در وهله اول باید آثار آن بر اقتصاد ایران را در نظر بگیریم. اقتصاد ایران نه تجاری با آمریکا و نه وابستگی آنچنانی به اقتصاد آن دارد و نه اینکه تعاملات مالی با آنها داریم. پس از انتخاب ترامپ برخی از رمزارزها حتی تا ۲۰ درصد هم افزایش قیمت داشت و ارزش یورو نیز کاهش نسبتا زیادی پیدا کرد، اما این در حالی بود که ارز ما کمتر از یک درصد کاهش ارزش داشت که یکی از کمترین واکنش ها را نسبت به سایر کشورهای جهان داشته ایم. حضور ترامپ و رویکرد اومی تواند باعث شود که همکاری ها در بریکس افزایش پیدا کند و کشورهای عضو سعی می کنند که از فرصت تعامل با یکدیگر برای جلوگیری از اثرات سیاست های آمریکا استفاده کنند. خود بنده برای روزهای اول در رابطه با نتیجه انتخابات آمریکانگرانی داشتم، اما وقتی انتخاب ترامپ اعلام شد، نوسانات محدود بود و تاب آوری را در بازارها شاهد بودیم. باید ایجاد هراس در بازارها را در نظر بگیریم و تحت این شرایط به نظرمی رسد اقتصاد ایران اثرپذیری زیادی از نتیجه انتخابات آمریکا نداشته باشد.

پس از انتخاب
ترامپ برخی از
رمزارها حتی
تا ۲۰ درصد هم
افزایش قیمت
داشت، اما ارز
ما کمتر از یک
درصد کاهش
ارزش داشت که
یکی از کمترین
واکنش‌ها را
شامل شد

ذخایر طلای در دسترس خود را افزایش دادیم و دارایی‌های ارزی را به طلا تبدیل کردیم. ما بیشتر به دنبال این بودیم تا منابع مطمئن ارزی را داشته باشیم و در نهایت نیز در حوزه ذخایر از اطمینان لازم برخوردار شدیم. ما در سایر کشورها منابع ارزی داریم که برخی از آنها بلوکه شده بود. خوشبختانه با تلاش‌هایی توانستیم منابع بلوکه شده را آزاد کنیم و اکنون هم از آنها استفاده می‌کنیم.

افزایش سرمایه در صندوق بین‌المللی پول و حفظ جایگاه ایران

عضو صندوق بین‌المللی پول و رئیس یک گروه ۶ نفره هستیم که مجموع سهام گروه ۲.۵ درصد و سهم ایران ۰.۷۵ درصد معادل ۵.۵ میلیارد دلار است. در سال گذشته صندوق در اجلاس خود تصویب کرد که تمامی کشورها ۵۰ درصد سرمایه خود را افزایش دهند که ۷۵ درصد آن از طریق ارز محلی و ۲۵ درصد با دیگر ارزها مانند دلار یا یورو است. انتقال منابع ارزی ایران از سایر کشورها به صندوق بین‌المللی پول منجر به این می‌شود که سرمایه ایران در این صندوق به ۷ میلیارد دلار افزایش پیدا کند و همچنان بتوانیم سرگروهی خود بران ۶ کشور را ادامه دهیم.

کاهش تورم تا پایان سال به حدود ۳۰ درصد

میزان تورم در ۵ سال اخیر افزایش پیدا کرده به طوری که حتی به کانال ۴۰ و ۵۰ درصد نیز رسیده بود، برای همین ما سیاست تثبیت را اتخاذ کردیم تا سطح تورم را پایین بیاوریم، از اردیبهشت سال گذشته تاکنون هر ماه میزان تورم در اقتصاد کشور کاهش پیدا کرده است. در مهرماه تورم نقطه به نقطه ۳۴.۵ درصد کاهش پیدا کرده و این عدد در دوره‌ای به بالای ۵۷ درصد نیز رسیده بود. تورم سالیانه هم اکنون به ۳۸ درصد رسیده است. امیدواریم تا پایان سال تورم نقطه به نقطه تا ۳۰ درصد کاهش پیدا کند. یکی از دلایل کاهش تورم تولیدکننده تثبیت نرخ ارز است، البته تثبیت به معنای میخکوب کردن نیست.

تحقق هدف گذاری رشد ۲۵ درصدی نقدینگی تا پایان سال

تا پایان سال گذشته توانستیم نرخ رشد نقدینگی را به ۲۴.۳ درصد برسانیم و امسال نیز در کانال ۲۵ درصد برنامه‌ریزی کرده‌ایم، البته نرخ رشد نقدینگی در دو ماه گذشته کمی افزایش پیدا کرده که علت آن تنگناهایی است که در نقدینگی ایجاد شده است. ما برای حل تنگناهای نقدینگی

اقداماتی انجام داده‌ایم. بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی، ترانزاکشن بانک‌ها را کنترل می‌کند فرایند اصلاح نظام بانکی آغاز شده در عین حال، برای ۸ بانک اصلاحات صورت گرفته است.

تامین مالی غیرتورمی تولید

اوراق گام یکی از ابزارهایی است که به تامین مالی تولید کمک می‌کند و امسال مشکلات این اوراق را با بورس برطرف کردیم، به طوری که می‌توانیم تا ۱۰۰ همت به بنگاه‌ها اوراق بدهیم و با برخی بنگاه‌ها مانند دارویی، پتروشیمی، خودرو... زنجیره این اوراق تکمیل شده است. افزایش LC داخلی یکی دیگر از اقداماتی است که به تامین مالی بنگاه‌ها کمک می‌کند و طبق برنامه‌ریزی قرار است بانک‌ها تا ۸۰۰ همت ظرفیت افزایش LC داشته باشند. فکتورینگ نیز یکی دیگر از ابزارهایی است که برای کمک به تامین مالی طراحی و آیین‌نامه آن نیز به بانک‌ها ابلاغ شد.

توسعه مرادوات بانکی بین‌المللی

ما در حوزه بین‌الملل برنامه‌هایی طراحی کردیم تا با کشورهایی که طرف تجاری ما هستند، به توسعه مرادوات پولی برسیم. چون در شرایط تحریم هستیم باید از یک الگو و ابزارهای ویژه استفاده کنیم. اولین موضوع این است که چون در چرخه دلار، تحریم هستیم باید دلار را حذف کنیم و معاملات خود را با ارز محلی انجام دهیم. چندین ابزار در این خصوص قابل استفاده است که اولین ابزار، پیمان پولی است. دومین ابزار ما اتصال کارت‌های بانکی مثل کارت شتاب با کارت‌های کشورهای طرف تجاری ماست و سومین ابزار مانیز حذف سوئیفت است. بیشتر بانک‌های مرکزی در کشورهای دنیا به این سمت می‌روند که با ارزهای دیجیتال خود باهم مبادله کنند.

برنامه بانک مرکزی برای توسعه صندوق‌های قرض الحسنه

سال گذشته به بحث صندوق‌های قرض الحسنه ورود کردیم و هم اکنون تقریباً تمام صندوق‌های قرض الحسنه کشور شناسایی شدند که براساس اطلاعاتی که داریم، حدود ۳۵۰۰ صندوق در کل کشور داریم. از این تعداد، حدود ۱۸۶۰ صندوق در سیستم بانکی حساب دارند. همچنین ۹۰۰ صندوق غیرفعال است و حساب ۷۵۰ صندوق دیگر نیز به اسم اعضای هیات امنا در مساجد... ثبت شده است. در خصوص اقدامات نظارتی صندوق‌ها هم به جز چند صندوق بزرگ که در شبکه بانکی هستند، مابقی برون‌سپاری خواهند شد.



"عدنان سلیمان"، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه دمشق
در گفت و گو با تازه های اقتصاد:

مداخله در امور بانک مرکزی هزینه کنترل تورم را افزایش می دهد

- ناآرامی های سیاسی، درگیری ها و جنگ ها، موضوع اصلی تفاوت در سیاست های بانک های مرکزی در استفاده از ابزارهای پولی است
- مداخلات در انجام ماموریت ها، توانایی بانک های مرکزی را برای حفظ ثبات اقتصادی و کنترل نرخ تورم تضعیف می کند
- اقدامات بانک های مرکزی در کشورهای خاورمیانه تابع ماهیت سیاسی و اقتصادی این کشورهاست
- کار بانک های مرکزی در خاورمیانه با هدف حفظ نرخ های قابل قبول تورم، جلوگیری از سقوط ارزش پول ملی و در نتیجه تأثیرگذاری بر قدرت خرید شهروندان، دشوارتر و دائماً در حال تغییر است



دولت‌های
غربی نیز
دغدغه کاهش
تورم را دارند، اما
نمی‌توانند در
سیاست‌های
بانک‌های
مرکزی در زمینه
استفاده از نرخ
بهره، تنها برای
کاهش تورم
داخلت کنند

دکتر "عدنان سلیمان"، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه دمشق در تشریح ابعاد وظایف بانک‌های مرکزی در کشورها و کارکرد آنها در کنترل نرخ تورم و افزایش نرخ تولید، تحقق رشد و توسعه اقتصادی، به پرسش‌های مطرح شده در این زمینه پاسخ گفت. وی دکترای اقتصاد توسعه‌ای از آلمان دارد و در بسیاری از مناصب دولتی از جمله مدیر کل مناطق آزاد سوریه مسئولیت داشته و معاون وزیر برنامه‌ریزی سوریه نیز بوده است. همچنین در حوزه پژوهشی، بسیاری از آثار اقتصادی وی از جمله اقتصاد بازار اجتماعی و جهانی شدن و مدیریت براساس ارزش‌ها را از زبان آلمانی ترجمه کرده و آثار پژوهشی فراوانی را در مجله‌های علمی داخلی و جهان عرب منتشر کرده است. متن زیر حاصل گفت‌وگوی تازه‌های اقتصاد با این استاد اقتصاد است:

مرجع کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی کشورها، بانک‌های مرکزی هستند. با این حال، ابزارها، شرایط و امکانات این نهادها در کشورها یکسان نیست و مثلا مدیریت و سیاست‌گذاری بانک مرکزی در اروپا با نهاد مشابه در خاورمیانه متفاوت است. با این توضیح، اما هر دو باید برای حفظ ارزش پول ملی کار کنند. از منظر جایگاه در اقتصاد کشورها، بانک‌های مرکزی دارای چه اهمیتی هستند؟

سیاست‌های پولی، سازوکارها و نقش‌هایی که بانک‌های مرکزی در جهان ایفا می‌کنند، بسته به سطح پیشرفت اقتصادی و سیاسی این کشورها متفاوت است، چرا که کشورهای پیشرفته صنعتی بر استقلال بانک‌های مرکزی در دستیابی به ثبات پولی و قیمتی، مهار تورم و کنترل نرخ‌های بهره تأکید می‌کنند، موضوعی که نمی‌توان آن را در نقش بانک‌های مرکزی در کشورهای در حال توسعه و یا اقتصادهای کمتر توسعه یافته، مشاهده و یا احساس کرد. مداخلاتی از سوی نهاد سیاسی، دولت‌ها و وزارتخانه‌های دارایی وجود دارد که می‌توان آن را در چارچوب اقتصادهای ضعیف و ارتباط بین موفقیت سیاست‌های اقتصادی از طریق هماهنگی و یا ایجاد یکپارچگی میان سیاست‌های مالی و پولی برای ضرورت‌های مبارزه با تورم و همزمان برای تامین مالی توسعه

درک و استنباط کرد. مشاهده می‌کنیم که تامین مالی غالباً از طریق بخشنامه‌های بانک مرکزی انجام می‌شود. بنابراین، استقلال بانک‌های مرکزی را نمی‌توان جدا از ظرفیت اقتصاد، نرخ رشد اقتصادی و شاخص‌های توسعه که استقلال بانک‌ها در کشورهای غربی و دشواری تحقق آن را در کشورهای در حال توسعه توضیح می‌دهد، ارزیابی کرد.

در یک اقتصاد متلاطم، تا چه میزان تحولات سیاسی تعیین‌کننده میزان موفقیت و یا شکست سیاست‌های بانک مرکزی است؟

اقتصادهای ناپایدار، بازارهای نابالغ و یا مکانیسم‌های عرضه و تقاضای مخدوش، قطعاً نقش بزرگی در میزان توانایی بانک‌های مرکزی برای کمک به ثبات اقتصادی و سیاسی دارند. برعکس این موضوع نیز صدق پیدا می‌کند و ناآرامی‌های سیاسی، درگیری‌ها و جنگ‌ها، موضوع اصلی تفاوت در سیاست‌های بانک‌های مرکزی در استفاده از ابزارهای پولی، بین مرحله ثبات و مرحله بی‌ثباتی است. بزرگترین شاهد این ادعا این است که دوره ثبات اقتصادی که اقتصادهای غربی بیش از ۲۰ سال است آن را تجربه کرده‌اند، بانک‌های مرکزی را به سمت کنترل نرخ سود منفی، یا صفر و نرخ تورم کمتر از دو درصد و گاهی کمتر از یک درصد، سوق داده است و بنابراین به آسانی روند عرضه پول و سرمایه‌گذاری را کنترل می‌کنند. انقباض اقتصادی که در دوره پاندمی کرونا رخ داد، باعث شد بانک‌های مرکزی به سمت سیاست انبساط پولی برای تحریک رشد و سرمایه‌گذاری حرکت کنند و زمانی که جنگ روسیه و اوکراین آغاز شد، نرخ تورم از ۸ درصد فراتر رفت و نرخ بهره به ۵ درصد رسید. این موضوع، بانک‌های مرکزی را به سمت معکوس کردن سیاست انبساطی و یا سیاست تسهیل کمی و بازگشت به انقباض پولی برای مهار تورم و رشد اقتصادی، با هدف کنترل تورم و قیمت‌ها سوق داد.

داخلت‌های غیرتخصصی از سوی دولت‌ها، پارلمان‌ها و سایر مراکز قدرت، چقدر به اعتبار و عملکرد بانک مرکزی لطمه خواهد زد؟

مداخلات سیاسی، دولتی و منافع تجاری در بانک‌های مرکزی کشورهای در حال توسعه، زمینه‌ای را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را بر اساس ماهیت این کشورها، بلوغ بازارها و قدرت

انقباض
اقتصادی
که در دوره
پاندمی کرونا
رخ داد، باعث
شد بانک‌های
مرکزی به
سمت سیاست
انبساط
پولی برای
تحریک رشد و
سرمایه‌گذاری
حرکت کنند

سیستم قضائی داخلی و حتی بین‌المللی را از محاکمه رئیس بانک‌ناتوان کرد و دلیل آن، حمایتی بود که وی از سوی سرمایه‌گذاران جهانی دریافت می‌کرد. در مصر نیز، صندوق بین‌المللی، این کشور خاورمیانه‌ای را به دلیل وابستگی اقتصاد آن به الزامات استقراری صندوق مانند آزادسازی نرخ ارز، افزایش بیشتر حمایت‌های اجتماعی، کنترل مالیه عمومی، آزادی سرمایه و کاهش نقش دولت در اقتصاد در بزرگترین بحران بدهی فروبرد. حال آنکه همه این موارد در کشورهای غربی به دلیل منطق پیشرفت اقتصادی، بازارهای آزاد و استقلال بانک‌های مرکزی، خیلی زود تصمیم‌گیری و محقق شد. بنابراین، ماهیت مداخلات در سیاست‌های بانک‌های مرکزی و توانایی بانک‌ها در ایفای نقش متناسب با استقلال سیاسی و اقتصادی، حجم اقتصاد و جهت‌گیری نظام سیاسی کشورها ارتباطی تنگاتنگ دارد.

**برخی اقتصاددانان معتقدند
که استقلال بانک مرکزی یعنی
اینکه دولت هدف خود را کنترل
تورم را بگوید، اما در شیوه کنترل
و نوع ابزار دخالت نکند. شما چه
دیدگاهی دارید؟**

پس از جنگ روسیه و اوکراین و افزایش نرخ تورم به سطوح بی‌سابقه، کشورهای غربی به استقلال مطلق خود و در نتیجه منحصربه‌فرد بودن خود در استفاده از نرخ بهره، تنها به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی برای مهار تورم متوسل شدند. اگرچه دولت‌های غربی نیز دغدغه کاهش تورم را دارند، اما نمی‌توانند در سیاست‌های بانک‌های مرکزی در زمینه استفاده از نرخ بهره، تنها برای کاهش تورم دخالت کنند، هرچند عقلانیت اقتصادی می‌گوید دولت‌ها باید در اینجا دخالت می‌کردند، زیرا این سیاست پولی به معنای افزایش نرخ بیکاری، افزایش هزینه سرمایه‌گذاری و کاهش رشد اقتصادی است و بنابراین چگونه دولت‌ها می‌توانند قربانی ثبات اجتماعی، مهار رشد و افزایش تعداد بیکاران در مقابل صرفاً حفظ سرمایه و سود آن شوند. یعنی فقط بر حفظ پول و نرخ ارز تمرکز کنند؟ بنابراین نمی‌توان درک کرد که لزوم کنترل تورم به عنوان تنها شاخص اقتصادی موجب انقباض اقتصادی، بیکاری و کاهش رشد و سرمایه‌گذاری شود، مگر در شرایطی مانند بانک‌های مرکزی غربی که در اصل، منافع سرمایه جهانی به شمار می‌روند. گواه این امر آن است که دولت‌ها این‌ها را نماد مقدس سیاست پولی غرب دور شد و از نرخ بهره استفاده نکرد، بلکه برخلاف

اقتصادها درک کرد. این مداخلات، توانایی بانک‌های مرکزی را برای کنترل ثبات اقتصادی و کنترل نرخ تورم بالا تضعیف می‌کند. در اینجا جداسازی نقش بانک‌ها از مداخله دولت در سیاست‌های پولی به دلیل ناتوانی در کنترل تورم و کسری بودجه بالا با توجه به ضعف ذخایر ارزی و طلا، بسیار دشوار است. به ویژه اگر این کشورها با الزامات کلان صندوق بین‌المللی پول مرتبط نباشند، یعنی توانایی کشورها به مداخله در سیاست‌های بانک‌های مرکزی و هدایت آنها در جهت خدمت به اهداف توسعه، سرمایه‌گذاری و مالیاتی خاص بر اساس میزان بدهی به صندوق بین‌المللی پول و عدم انطباق با سیاست‌های اصلاحات ساختاری مورد درخواست صندوق بین‌المللی پول وابسته باشند. هیچ یک از این موارد را نمی‌توان در سیاست‌های بانک‌های مرکزی غربی که حتی بر اقتصاد و سیاست حاکم است، مشاهده کرد، بنابراین دولت نمی‌تواند در استقلال بانک‌های مرکزی دخالت کند، زیرا این موارد نشان دهنده منافع سرمایه جهانی و منافع شرکت‌های بین‌المللی بزرگی است که کمپین‌های انتخاباتی حاکمان و احزاب سیاسی را تأمین مالی می‌کنند.

**در دنیا به سمت استقلال عملکرد
بانک‌های مرکزی حرکت
کرده‌اند، اگر این استقلال لطمه
ببیند، خسارت‌ها برای اقتصاد
کشورها چه خواهد بود؟**

همانطور که قبلاً اشاره کردم، نمی‌توان کشورهای غربی و کشورهای در حال توسعه را از نظر قدرت و ثبات اقتصادی، تفاوت در نقش و استقلال بانک‌های مرکزی بین این کشورها را با یکدیگر مقایسه کرد. عامل دیگر، نقش اساسی و اثر گذار صندوق بین‌المللی پول در تدوین سیاست‌های مالی و پولی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای خاورمیانه به دلیل نیاز به وام از سوی صندوق و در نتیجه تسلیم شدن در برابر سیاست‌های آن است، چرا که نقش بانک‌های مرکزی در اینجا به توصیه‌های صندوق برای شناور کردن نرخ ارز، کاهش کسری بودجه، لغو حمایت‌های اجتماعی، آزاد کردن سرمایه و کاهش نقش دولت مرتبط می‌شود. برای مثال در این زمینه می‌توان به لبنان و مصر اشاره کرد. در لبنان، بانک مرکزی با تأمین منافع سرمایه‌گذاران و سیاست‌مداران بزرگ و تحقق بخشیدن به خواسته‌های صندوق در جهت هدایت سرمایه‌ها، کشور را به ورشکستگی مالی رساند تا جایی که

نقش‌هایی
که بانک‌های
مرکزی در
جهان ایفا
می‌کنند،
بسته به سطح
پیشرفت
اقتصادی و
سیاسی کشورها
متفاوت است

آنچه کشورهای غربی به آن متوسل می‌شوند متصل
شد، به گونه‌ای که دستمزد کارگران را افزایش
داد، زیرا باعث تحریک رشد و مصرف و در نتیجه
سرمایه‌گذاری و بهبود اقتصادی می‌شود.

پیچیدگی کار بانک مرکزی در برخی نقاط جهان مانند خاورمیانه این است که تحولات سیاسی و جنگ‌ها در منطقه، سیاست‌های تمامی بانک‌های مرکزی کشورها را دچار چالش می‌کند. برای کنترل این روند چه باید کرد؟

مسلم است که کار بانک‌های مرکزی در کشورهای
خاورمیانه، تابع ماهیت سیاسی و اقتصادی
این کشورهاست. اگر امروزه این کشورها شاهد
درگیری‌ها، جنگ‌ها و پیامدهای منطقه‌ای و
جهانی و در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی
هستند، نقش بانک‌ها در اینجا با هیچ نهاد دولتی
که تحت مداخله و جهت‌گیری دولت باشد، به
گونه‌ای که مدام در خدمت اهداف اقتصادی و
سیاسی باشد، تفاوتی ندارد. این کشورها ممکن
است به عنوان مثال برای جلوگیری از هدر
رفتن ذخایر و تشویق به جایگزین‌های محلی در
تولید، به کاهش واردات متوسل شوند. این بدان
معناست که سیاست‌های پولی در اینجا کاملاً تابع
جهت‌گیری دولت است، به گونه‌ای که در خدمت
اهداف اقتصادی، توسعه‌ای و حتی اجتماعی
باشد. منطق اقتصادی در چنین شرایطی حکم
می‌کند که کار بانک‌های مرکزی با شورایی متشکل
از کارشناسان و مشاوران پولی برای ایجاد تعادل
بین الزامات کار دولت و توانایی بانک‌ها در
اتخاذ تصمیمات پولی صحیح در رابطه با نرخ ارز،
قیمت‌ها و تورم منطبق باشد.

آیا سیاست‌گذاران بانک‌های مرکزی، اثر تحولات سیاسی بر سیاست‌های پولی را به عنوان یک چالش واقعی باید ببینند و در برنامه‌های خود لحاظ کنند؟

بله، سیاست‌گذاران پولی، کارکنان دولت هستند و
دولت آنها را منصوب می‌کند و آنها از لزوم گنجاندن
همه متغیرهای سیاسی، محلی، منطقه‌ای و حتی
بین‌المللی در چارچوب برنامه‌های آتی خود
دور نخواهند بود. در اینجا نمی‌توان از استقلال
به صورت مطلق صحبت کرد، زیرا کنترل نرخ ارز
انعطاف‌پذیر و نظارت بر آن در صورت ثابت ماندن
نرخ ارز و تخلیه ذخایر خارجی، همیشه متفاوت

است. تحریم‌ها یا محاصره اقتصادی، منطق
متفاوتی را بر سیاست‌های اقتصادی تحمیل
می‌کند و بنابراین سیاست‌های پولی در خدمت
اقدامات ریاضتی و تمایل به اتکا به خود و توسعه
جایگزین‌های محلی برای تولید اقتصادی فراتر از
تحریم‌های اقتصادی است. چنانکه ایران بیش از
۴۰ سال در مسیر تغییر جهت دادن به سیاست‌ها و
اقتصاد به گونه‌ای حرکت کرده که استقلال سیاسی
و اقتصادی، مقاومت در برابر محاصره و ایجاد
اقتصاد مقاومتی را تضمین کند و این همان کاری
است که سوریه نیز امروز تلاش می‌کند آن را انجام
دهد.

تحولات سیاسی و ایجاد ترس از آینده، انتظارات تورمی جامعه را نیز تحریک می‌کند. نمونه‌های آن در هجوم یکباره مردم در کشورها برای تامین مایحتاج وجود دارد. چقدر بروز این نوسانات بر دشواری اقدام بانک مرکزی برای کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی می‌افزاید؟

نرخ مشخص و ثابتی برای تورم وجود ندارد تا
دولت‌ها به آن پایبند باشند. اگر این نرخ در طول
۲۰ سال گذشته در غرب کمتر از دو درصد بود،
دلیل آن، ثبات نرخ ارز، حفظ ارزش پول، قدرت
خرید، بهبود اقتصادی و کاهش کسری بودجه
است. در هیچ کشور در حال توسعه‌ای نمی‌توان
به این امر دست یافت، اقتصادهای اینجا در حال
ظهور وضعیت و بازارها فقیرانه و مخدوش هستند.
بنابراین، بدون دخالت دولت در هزینه‌های
سرمایه‌گذاری عمومی نمی‌توان به رشد دست
یافت. در نتیجه می‌توان برای دستیابی به بهبود
اقتصادی، افزایش فرصت‌های شغلی و تحریک
تولید تا جایی که تورم به تهدیدی برای ثبات
اقتصادی تبدیل شود، به سیاست توسعه طلبانه
کینزی متوسل شد و حتی نرخ تورم ۱۰ درصد در این
کشورها قابل قبول تلقی می‌شود، اگرچه در کشور
صنعتی بزرگی مانند ترکیه، نرخ تورم به بیش از ۴۰
درصد می‌رسد اما دولت، نرخ بهره را کاهش نداده
و مردم در ترکیه با تورم زندگی می‌کنند. دولت‌ها
موظف به پرداخت یارانه دستمزدها، حمایت‌های
اجتماعی و کمک به فقرا هستند تا از اثرات تورم
جلوگیری کنند. کار بانک‌های مرکزی در اینجا با
هدف حفظ نرخ‌های قابل قبول تورم و جلوگیری
از سقوط ارزش ارز و در نتیجه تأثیرگذاری بر قدرت
خرید شهروندان، دشوارتر و دائماً در حال تغییر
است.

طهماسب مظاهری، رییس کل اسبق بانک مرکزی در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

اقدامات بانک مرکزی جهش شدید قیمت سکه را مهار کرد

- اخیراً بانک مرکزی اقدام درستی در مورد محدود کردن فعالیت صرافی‌های فعال در حوزه رمزارزها انجام داد
- بانک مرکزی با عرضه سکه و کنترل تقاضا، سعی می‌کند نوسانات شدید را در بازار گاهش دهد
- بانک مرکزی با اختیاراتی که قانون جدید به این نهاد داده، باید به طور محکم و قاطع عمل کند و در مقابل خواسته‌های غیرمنطقی بایستد
- قیمت سکه به طور مستقیم به قیمت جهانی طلا وابسته است وقتی قیمت جهانی طلا افزایش می‌یابد، قیمت سکه نیز بالا می‌رود
- نقدینگی با حدود ۳۰ درصد رشد سالانه، در کنار تولید ناخالص داخلی با رشد سالانه حدود ۴ تا ۵ درصد، منجر به عدم تعادل و در نهایت تورم می‌شود



با توجه به شناختی که از آقای پزشکین دارم، تصور می‌کنم که او به استقلال بانک مرکزی احترام می‌گذارد و از رئیس کل بانک مرکزی برای اقدامات جدی در کنترل تورم حمایت خواهد کرد

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های ناشی از تورم‌های بالا مواجه بوده است، اما همزمان، این شرایط فرصتی را برای بازنگری و اصلاح ساختارهای اقتصادی فراهم کرده است. در حالی که تورم به کاهش قدرت خرید مردم منجر شده، توجه به عوامل مؤثر بر ماندگاری این پدیده، می‌تواند ما را به سوی راهکارهای مؤثر و پایدار هدایت کند.

تورم به عنوان یک پدیده پیچیده، تحت تأثیر متغیرهای متعددی قرار دارد. از یک سو، افزایش نقدینگی و عدم تعادل میان عرضه و تقاضا از عوامل کلیدی در ایجاد تورم به شمار می‌روند. از سوی دیگر، دخالت‌های دولتی، سیاست‌های مالی و پولی نامناسب و شرایط محیط کسب و کار نیز می‌توانند به تشدید این وضعیت کمک کنند. به علاوه، انتظارات مردم و رفتارهای مصرف‌کننده در پاسخ به این شرایط، نقش مهمی در شکل‌گیری و استمرار تورم ایفا می‌کند. در گفت‌وگو با طهماسب مظاهری، رییس کل اسبق بانک مرکزی به بررسی دقیق‌ترین عوامل و چگونگی تأثیر آنها بر وضعیت کنونی اقتصاد پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

سال‌هاست که اقتصاد با تورم‌های بالا دست و پنجه نرم می‌کند. به نظر شما چه عواملی موجب ماندگاری این تورم‌ها در اقتصاد ما شده است؟

یک پاسخ ساده و بدیهی این است که تورم در یک کشور، به معنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان زمانی رخ می‌دهد که عرضه کالا و خدمات کمتر از رشد نقدینگی و عرضه پول می‌شود. نقدینگی مازاد عامل افزایش قیمت واحد کالا و خدمات می‌شود. اولین ویژگی پول یا نقدینگی، ایجاد قدرت خرید و افزایش تقاضا است. اگر ۱۰ میلیون تومان در حساب من باشد، این یعنی من ۱۰ میلیون تومان قدرت خرید دارم. اگر من به فروشگاه بروم و کالایی به ارزش ۱۰ میلیون تومان را بپسندم، می‌توانم متقاضی آن شوم. اگر قیمت کالا بیشتر از موجودی نقدینگی من باشد، متقاضی آن کالا نمی‌شوم. وقتی نقدینگی رشد کند و عرضه کالا و خدمات نیز

به همان نسبت افزایش یابد، قیمت‌ها ثابت می‌ماند. در غیر اینصورت، قیمت‌ها افزایش می‌یابد. البته این افزایش قیمت‌ها بسته به فرهنگ مصرف مردم و کنترل‌هایی که دولت بر روی کالاها و خدمات دارد، متفاوت است. در نهایت، وقتی می‌گویند تورم مثلاً ۳۰ درصد است، به این معنا نیست که قیمت همه کالاها و خدمات به میزان ۳۰ درصد افزایش داشته‌اند، بلکه برخی از گروه‌های کالایی بیشتر و برخی کمتر افزایش قیمت خواهند داشت. رشد کالا و خدمات در اثر عواملی که به محیط کسب و کار مربوط می‌شوند، از جمله مقررات و حمایت‌های دولت، شرایط سرمایه‌گذاری و اعتبارات بانکی، تغییر می‌کند. در واقع، چنانچه محیط کسب و کار به گونه‌ای باشد که مردم را تشویق کند تا منابع و دارایی‌های خود را در فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند، کالا و خدمات رشد می‌کند. محیط کسب و کار نامناسب، تمایل افراد به سرمایه‌گذاری را منتفی می‌کند و سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در گوشه‌ای بنشینند و منتظر بهبود شرایط باشند.

دولت باید محیط کسب و کار را شیرین کند و محیط را تلخ و ترش نکند. مهم‌ترین عوامل مؤثر در تلخ و ترش کردن محیط کسب و کار، دخالت‌های دولت است. دولت باید بر صحت امور اقتصادی و سرمایه‌گذاری نظارت کند، اما نباید دخالت کند. دخالت دولت معمولاً باعث ایجاد مشکلات و فساد در محیط کسب و کار می‌شود. نقدینگی، به طور ساده، به پولی اشاره دارد که در یک اقتصاد در حال گردش است. زمانی که بانک مرکزی پایه پولی را افزایش دهد و پول جدید و پُر قدرتی به اقتصاد تزریق کند، این پول جدید با ضریب فزاینده به نقدینگی تبدیل می‌شود. هر تومان که از بانک مرکزی به بازار وارد می‌شود، با ضریب فزاینده حدود ۸ برابر به نقدینگی تبدیل می‌شود.

چه عواملی باعث می‌شود که از بانک مرکزی پول پُر قدرت به اقتصاد تزریق شود؟ یکی از این عوامل و مهم‌ترین آن، کسری بودجه دولت است. کسری بودجه منجر به این می‌شود که دولت از بانک مرکزی وام بگیرد. عامل دیگر، فروش درآمدهای ارزی دولت به بانک مرکزی و دریافت مایه‌ازای آن به صورت ریال است. مسیر سوم، تأمین کمبود منابع بانک‌هاست، مستقل از اینکه این کمبود منابع، به دلیل سوءمدیریت خودشان باشد و یا به دلیل تسهیلات تکلیفی دولت. بانک مرکزی به آنها

تسهیلاتی می‌دهد که کمبودشان را جبران کنند و این امر به افزایش پایه پولی و نقدینگی منجر می‌شود.

متأسفانه، در چند سال اخیر پدیده‌ای جدید طراحی و ایجاد شده که بانک‌ها قبل از سپرده‌گیری، ابتدا به مشتریان تسهیلات می‌دهند و سپس از محل این تسهیلات سپرده ایجاد می‌شود. در واقع، بانک‌ها به جای اینکه به وظیفه اصلی خود که واسطه وجوه است عمل کنند، نقش بانک مرکزی را بازی می‌کنند و پول پُر قدرت خلق می‌کنند. روشن است که بانک‌ها حق ندارند پول پُر قدرت خلق کنند. سازوکارهای جدیدی که این پدیده را ایجاد کرده و می‌کند، موظف کردن بانک‌ها به انجام پرداخت‌هایی است که به آنان تکلیف می‌شود و مجبور به پرداخت آن هستند، بدون اینکه منابع و سپرده‌های کافی داشته باشند. آنها ابتدا تسهیلات را پرداخت می‌کنند و سپس آن تسهیلات به سپرده تبدیل می‌شود. این روند یک پدیده مخرب است که در حال حاضر ایجاد و در حال اجراست.

در دولت‌های آقای روحانی و آقای رئیسی، هر دو اعلام کردند که از بانک مرکزی برای تأمین نیازهای دولت وام نمی‌گیرند. این ادعا در ارتباط بین خزانه دولت و بانک مرکزی قابل تعریف است. اما در عین حال، به بانک‌ها دستور داده شده است که مبالغ هنگفتی تسهیلات را تأمین و پرداخت کنند. در نتیجه، پرداخت تسهیلات در غیاب سپرده‌های بانکی به معنای ایجاد پول پُر قدرت است. این روند به ویژه در شرایطی که مدیران بانک‌ها تحت فشار برای حفظ مسئولیت و موقعیت خود هستند، به شدت رشد نقدینگی را تسریع می‌کند. نکته‌ای که باید روشن شود این است که وظیفه بانک، چه بانک تجاری و چه بانک توسعه‌ای، این است که از افرادی که دارای منابع مالی هستند و نمی‌خواهند یا نمی‌توانند خودشان به طور مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی شرکت کنند، سپرده‌گیری کند و آن منابع مالی را به کسانی که مایل به فعالیت‌های اقتصادی بوده و دچار کمبود منابع مالی هستند، تسهیلات دهد. این مکانیزم بانکی به گونه‌ای طراحی شده که بانک‌ها باید از منابع موجود خود تسهیلات بدهند و اگر منابع کافی نداشته باشند، باید بدانند که نباید و نمی‌توانند تسهیلات ارائه دهند.

می‌دانید که آمار نقدینگی، سال به سال به طور انباشته و تجمیعی افزایش می‌یابد. از سال

۱۳۵۲ به دلیل افزایش قیمت نفت از حدود دو دلار هر بشکه، به حدود ۱۲ دلار هر بشکه، نقدینگی به شدت رشد کرده است. در دوران انقلاب و ۸ سال دفاع مقدس، کسری بودجه سنگینی داشتیم که بخشی از آن از طریق بانک مرکزی تأمین شد. پس از جنگ، در دوره دولت آقای هاشمی و طرح تعدیل اقتصادی و بازسازی مناطق جنگ‌زده و تک‌نرخ کردن ارز، نقدینگی در پایان دولت آقای خاتمی به مبلغ حدود ۶۸ هزار میلیارد تومان رسید. در پایان دولت آقای احمدی‌نژاد به حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان بالغ شد. در ادامه، آقای روحانی ۶۰۰ هزار میلیارد تومان را تحویل گرفت و حدود ۳۲۰۰ هزار میلیارد تومان تحویل داد. در دوره آقای رئیسی این عدد به حدود ۷۸۰۰ میلیارد تومان رسید. به تازگی، آمارها نشان می‌دهند که نقدینگی به بالای ۹۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است. نقدینگی با حدود ۳۰ درصد رشد سالانه، در کنار تولید ناخالص داخلی با رشد سالانه حدود ۴ تا ۵ درصد در سال، منجر به عدم تعادل و در نهایت تورم می‌شود. ریشه اصلی این مشکل، کسری بودجه دولت و تکالیف آن است که به طور مستقیم بر روی نقدینگی فشار می‌آورد.

عدم هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی و سلطه سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی تا چه اندازه به اقتصاد آسیب زده است؟ به نظر شما راه‌حلهایی مانند افزایش استقلال بانک مرکزی، ثبات مدیریتی و کاهش وابستگی آن به دولت، تا چه حد می‌تواند در حل مشکلات اقتصادی، به ویژه در زمینه تورم، مؤثر باشد؟

شکی نیست که دولت‌ها نیازهایشان بیشتر از درآمدهایشان است. تمامی دولت‌ها در سراسر جهان، در تمام زمان‌ها وظایف نامحدودی دارند. هر دولتی می‌تواند فهرستی نامحدود از کارهایی که باید انجام دهد، تهیه کند. هیچ دولتی نمی‌تواند روزی بگوید که همه وظایفش را انجام داده و حالا می‌تواند استراحت کند. در شرایط ایده‌آل نیز دوباره با انبوهی از کارها مواجه خواهد شد. دولت‌ها وظایف اساسی و نامحدودی برای بهبود وضعیت مردم دارند، اما منابع آنها

اگر نرخ سود بانکی به درستی تنظیم شود، بسیاری از تقاضاهای ارز و سکه که مردم برای حفظ ارزش دارایی‌هایشان دارند، کاهش می‌یابد



ریشه اصلی رشد
نقدینگی
کسری بودجه
دولت و تکالیف
آن است که به
طور مستقیم بر
روی نقدینگی
فشار می آورد

۱۴



• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

بسیار محدود است. برخی از دولت‌ها، به ویژه آنهایی که در گذشته به قدرت چاپ اسکناس تکیه کرده‌اند، ممکن است به اشتباه تصور کنند که می‌توانند منابع نامحدودی داشته باشند. اگر چاپ پول به عنوان منبعی برای دولت در نظر گرفته شود، ممکن است به نظر برسد که این امکان وجود دارد. اما در واقع، سایر منابع دولت محدود هستند. وظیفه اصلی دولت‌ها این است که با توجه به وظایف نامحدود خود، از منابع محدودشان به درستی استفاده کنند و اولویت‌ها را شناسایی کرده و براساس آنها عمل کنند.

بسیاری از دولت‌ها با نیت و شوق خدمت به مردم، تعهدات بیشتری نسبت به منابع خود ایجاد می‌کنند که این امر منجر به کسری بودجه و افزایش نقدینگی می‌شود. آن‌ها ممکن است فکر کنند که با خرج کردن بیشتر، حتی اگر این پول از درآمدشان نباشد، می‌توانند خدمات بیشتری ارائه دهند. در برخی موارد، دولت‌ها از مردم وام می‌گیرند، مثلاً از طریق اوراق مشارکت و اوراق قرضه که این اقدام در حد معقولی می‌تواند مفید باشد. اما اگر دولت‌ها بیش از حد وام بگیرند، ممکن است با بحران بدهی مواجه شوند، همانطور که در دوران‌های مختلف تاریخی شاهد آن بوده‌ایم. دولت باید منابع خود را به خوبی شناسایی کند و تنها در حد معقولی از قرض و اوراق قرضه استفاده کند. اگر دولت بخواهد فعالیت‌های خود را فراتر از درآمدهایش گسترش دهد، باید به دقت و با رعایت اولویت‌ها عمل کند. دولت‌ها باید خویشتنداری کنند و به جای ایجاد تعهدات بیش از حد، منابع خود را به درستی مدیریت کنند.

در نهایت، اگر دولت‌ها بتوانند اولویت‌های خود را مشخص کرده و از منابع محدود خود به خوبی استفاده کنند، می‌توانند به آرامش اقتصادی دست یابند. همچنین، باید از ورود به حوزه‌هایی که وظیفه دولت نیست، پرهیز کنند و اجازه دهند که مردم خود به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند. خصوصی‌سازی و مردمی‌سازی می‌تواند به کاهش بار دولت کمک کند. تا زمانی که دولت بخواهد در تمام حوزه‌ها حضور داشته باشد و همه کارها را انجام دهد، با کمبود منابع مواجه خواهد شد و ناچار به ایجاد نقدینگی می‌شود که این امر در نهایت به آسیب به اقتصاد و مردم منجر می‌شود.

آیا به دولت جدید پیشنهاد می‌کنید که استقلال و ثبات بانک مرکزی را افزایش دهد؟

قانون جدید بانک مرکزی به طور کلی اختیارات بیشتری به این نهاد داده است. در گذشته نیز، زمانی که من در رأس بانک مرکزی بودم، اگر رئیس جمهور دستوری می‌داد که به نظر مصلحت نمی‌رسید، به وضوح مخالفت می‌کردم. به عنوان مثال، وقتی دستور پرداخت منابع به صورت غیرکنترل شده صادر می‌شد، من تأکید می‌کردم که چاپ پول، ایجاد ثروت نمی‌کند. این نکته کلیدی در مذاکرات ما با دولت بود و همواره بر این اصل تأکید داشتم که چاپ پول به تنهایی نمی‌تواند راه حلی برای مشکلات اقتصادی باشد. در یکی از اقداماتی که انجام دادم، اعلام کردم چپاخانه بانک مرکزی را سه قفله می‌کنم و آن را به مدت یک هفته تعطیل کردم تا نشان دهم که برای جلوگیری از تورم و کنترل نقدینگی باید جدی بود. تعطیلی چپاخانه اسکناس به عنوان یک اقدام سمبلیک انجام و به خوبی درک شد و مورد تأیید بسیاری از همکارانم قرار گرفت. اکنون بانک مرکزی می‌تواند با استفاده از اختیارات جدید خود، به طور محکم و قاطع عمل کند. ممکن است این اقدام به کاهش مدت زمان مسئولیت افراد در بانک مرکزی منجر شود، اما این موضوع بستگی به نگاه دولت و رئیس دولت دارد. با توجه به شناختی که از آقای پزشکیان دارم، تصور می‌کنم که او به استقلال بانک مرکزی احترام می‌گذارد و از رئیس بانک مرکزی برای اقدامات جدی در کنترل تورم حمایت خواهد کرد.

اگر آقای فرزین از اختیارات خود به درستی برای اصلاح اقتصاد و کاهش تورم استفاده کند، حتی اگر دولت نگران شود که برخی از دستوراتش به درستی اجرا نمی‌شود، رئیس دولت این موضوع را درک می‌کند. البته، باید دلایل تصمیمات کنترل‌کننده نیز توضیح داده شود. به عنوان مثال، اخیراً بانک مرکزی اقدام درستی در مورد محدود کردن فعالیت صرافی‌های فعال در حوزه رمزارزها انجام داد، اما این تصمیم را به خوبی برای مردم توضیح نداد. در نهایت، اگر آقای فرزین بتواند کارهای درست را انجام دهد و به طور مؤثر با مردم و مسئولان ارتباط برقرار کند، نباید نگران این باشد. کار درست همیشه ماندگار است.

قیمت طلا در این مدت رو به رشد بوده و بسیاری دلیل این افزایش را به رشد قیمت جهانی انس طلا نسبت می دهند، اما با وجود اتفاقات سیاسی که معمولاً تأثیر زیادی بر قیمت ارز دارد، در این مدت نوسانات قابل توجهی در قیمت ارز مشاهده نشد. تحلیل شما از روند این بازارها چیست؟

دو نکته در اینجا قابل ذکر است. اول اینکه شرایط اقتصادی و فضای کسب و کار، به ویژه نرخ تورم و سودی که بانک‌ها به سپرده‌گذاران می‌دهند، به گونه‌ای شده که بسیاری از مردم وقتی می‌خواهند در بانک سپرده‌گذاری کنند، احساس می‌کنند که بخشی از دارایی‌هایشان از دست می‌رود. چرا که نرخ تورم بیشتر از سودی است که دریافت می‌کنند. این یک مشکل است که نیاز به بررسی دارد، به ویژه اینکه نرخ سود بانکی باید به نوعی تعیین شود تا هم به اقتصاد کمک کند و هم موجب ایجاد تورم نشود و از نظر شرعی نیز مورد قبول باشد. ربا به عنوان یکی از محرمات جدی در دین اسلام و همچنین در جوامع غربی نیز تحت نام Usury به عنوان یک موضوع اخلاقی و اقتصادی مطرح است. در شرایط کنونی، با توجه به تورم‌های بالا و سود بانکی که بانک‌ها به سپرده‌گذاران می‌دهند، که گاهی تا نصف یا دو سوم نرخ تورم است، افرادی که پول خود را در بانک می‌گذارند، پس از مدتی متوجه می‌شوند که ارزش دارایی‌شان کاهش یافته است. به همین دلیل، مردم تلاش می‌کنند به جای سپرده‌گذاری در بانک، راه‌های دیگری برای حفظ ارزش دارایی‌های خود پیدا کنند. این علاقه‌مندی به حفظ ارزش دارایی، یک امر فطری و طبیعی است. با توجه به این شرایط، وقتی مردم می‌بینند

که سپرده‌گذاری در بانک باعث کاهش ارزش دارایی‌شان می‌شود، به دنبال گزینه‌های دیگر می‌روند، از جمله شرکت در قرعه‌کشی خودرو یا وکالتی کردن حساب‌هایشان. این اقدامات معمولاً خسارت‌بار بوده و به اقتصاد آسیب می‌زند. یکی از گزینه‌هایی که برخی از افراد برای حفظ ارزش دارایی‌هایشان انتخاب می‌کنند، نگهداری دارایی به صورت ارز یا سکه است. تجربه نشان داده که ارز و سکه، به ویژه طلا، معمولاً ارزش خود را حفظ می‌کنند. طلا به دلیل ویژگی‌های ذاتی خود، مانند پایداری و کمبود در دنیا، همواره به عنوان یک ابزار برای حفظ ارزش دارایی شناخته شده است. دولت برای کنترل نرخ ارز، کنترل تورم و نقدینگی، یکی از اقداماتی که انجام می‌دهد، محدود کردن تقاضای ارز است. کد ملی خریداران ارز را ثبت می‌کند و برای کالاهای اساسی نیز کنترل‌هایی اعمال می‌کند. در مورد سکه نیز کنترل تقاضا وجود دارد، اما به طور کلی کمتر از کنترل ارز است.

قیمت سکه به طور مستقیم به قیمت جهانی طلا وابسته است. قیمت طلا در بازار جهانی، از حدود ۱۴۰۰-۱۳۰۰ دلار به نزدیک ۳۰۰۰ دلار برای هر اونس رسیده است. بنابراین، وقتی قیمت جهانی طلا افزایش می‌یابد، قیمت سکه نیز بالا می‌رود. البته هزینه ضرب سکه نیز بر قیمت تأثیر می‌گذارد، اما این هزینه نسبت به قیمت خود سکه عدد کوچکی است. بانک مرکزی با عرضه سکه و کنترل تقاضا، سعی می‌کند نوسانات شدید را در بازار کاهش دهد. این اقدام می‌تواند به تثبیت بازار کمک کند، اما درمان اصلی مشکلات اقتصادی، کنترل تورم و نقدینگی است. اگر نرخ سود بانکی به درستی تنظیم شود، بسیاری از تقاضاهای ارز و سکه که مردم برای حفظ ارزش دارایی‌هایشان دارند، کاهش می‌یابد و این کالاها به عنوان کالاهایی عادی در بازار مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تا زمانی که دولت بخواهد در تمام حوزه‌ها حضور داشته باشد و همه کارها را انجام دهد، با کمبود منابع مواجه خواهد شد و ناچار به ایجاد نقدینگی می‌شود



بـرش



رویه اشتباه در نظام بانکی منجر به خلق پول می‌شود

در چند سال اخیر، پدیده‌ای جدید طراحی و ایجاد شده که بانک‌ها قبل از سپرده‌گیری، ابتدا به مشتریان تسهیلات می‌دهند و سپس از محل این تسهیلات، سپرده ایجاد می‌شود. در واقع، بانک‌ها به جای اینکه به وظیفه اصلی خود که واسطه و جوه است عمل کنند، نقش بانک مرکزی را بازی کرده و پول پُر قدرت خلق می‌کنند.

امیرحسین امین آزاد، مدیرکل اسبق نظارت بانک مرکزی
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

بانک مرکزی عملکرد موفقیت‌آمیزی در کنترل نقدینگی به نمایش گذاشت

- بانکداری دولتی به وضعیت نامناسب رسیده و علت آن به طور عمومی تسهیلات تکلیفی است
- اصلی‌ترین مشکلات ما در حوزه بانکداری ناشی از فقدان یک قانون بانکداری جامع است
- سلامت وثبات نظام بانکی تنها در حیطه بانک مرکزی نیست و مداخله‌کنندگان بسیاری در این حوزه وجود دارند
- با توجه به محدودیت‌های قانونی که بانک مرکزی با آن مواجه است، عملکرد موفقیت‌آمیزی را به نمایش گذاشته است



در سال‌های اخیر، نظام بانکی ایران با چالش‌های متعددی مواجه شده است که یکی از اصلی‌ترین آنها ناترازی بانک‌هاست. از آنجا که ناترازی بانک‌ها می‌تواند به بحران‌های مالی گسترده و از دست رفتن اعتماد عمومی منجر شود، بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و سیاست‌گذار پولی، اقدامات اساسی را در جهت کنترل و بهبود وضعیت بانک‌ها آغاز کرده است. یکی از این اقدامات، کنترل‌های ترانزنامه‌ای است که هدف آن افزایش نسبت‌های کفایت سرمایه و بهبود سلامت مالی بانک‌ها است. با این حال، سوالات اساسی در خصوص کارایی و اثربخشی این اقدامات مطرح می‌شود. آیا کنترل‌های ترانزنامه‌ای و سیاست‌های احتیاطی که بانک مرکزی به کار بسته، توانسته‌اند به بهبود عملکرد بانک‌ها کمک کنند و یا این اقدامات صرفاً به عنوان راهکاری موقتی برای رفع مشکلات فعلی عمل کرده‌اند؟ همچنین، در شرایطی که ناترازی بانک‌ها به وضوح دیده می‌شود، آیا بانک مرکزی اختیارات کافی برای حل و فصل این مشکلات را دارد و یا نیاز به اصلاحات قانونی و ساختاری در نظام بانکی احساس می‌شود؟ علاوه بر این، در بحث استقلال بانک مرکزی و نقش آن در سیاست‌های پولی و نظارتی، چالش‌هایی وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد. آیا بانک مرکزی می‌تواند به طور مستقل و بدون مداخلات بیرونی، تصمیمات مؤثری اتخاذ کند و آیا این استقلال به تنهایی کافی است تا از بروز ناترازی‌ها جلوگیری کند؟ در گفت‌وگو با امیرحسین امین آزاد، مدیرکل اسبق نظارت بانک مرکزی و عضو هیأت مدیره بانک خاورمیانه، به بررسی این سوالات و چالش‌ها پرداختیم و از نظرات وی در خصوص اقدامات بانک مرکزی و تأثیر آنها بر سلامت نظام بانکی بهره بردیم. مشروح این گفت‌وگو را ادامه بخوانید.

یکی از چالش‌های نظام بانکی، رفع ناترازی بانک‌ها و لزوم جلوگیری از ناترازی است. در این راستا، بانک مرکزی اقدامات اساسی از جمله کنترل‌های ترانزنامه‌ای

را در دوره اخیر انجام داده، به نظر شما این اقدامات در بهبود عملکرد بانک‌ها مؤثر است؟

عمده بانک‌های مرکزی دو هدف مجزا دارند: یکی تحقق ثبات قیمتی و دیگری حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی. اگرچه این دو هدف با یکدیگر ارتباط دارند، اما الزاماً تحقق هر دو هدف همزمان امکان‌پذیر نیست و در برخی مواقع با هم تعارض دارند. مبانی نظری این موضوع در سطح جهانی به قدری پیچیده و چالش‌برانگیز شده که بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیدند که نظارت بر بانک‌ها باید از حوزه بانک مرکزی جدا شود، زیرا یکی از اهداف ممکن است دیگری را تحت الشعاع قرار دهد. در زمینه کنترل مقداری ترانزنامه، برای من ابهامی وجود دارد. هدف مقررات‌گذار، تحقق ثبات قیمتی بوده و یا حفظ سلامت نظام بانکی؟ اصولاً ابزارهای سیاست احتیاطی کلان که پس از بحران‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در نظام‌های بانکی دنیا متداول شدند، مبنای آنها در حوزه نظارت بانکی بوده، نه در حوزه سیاست پولی. به نظر می‌رسد بانک مرکزی ما این ابزارها را به ابزارهای سیاست پولی تبدیل کرده است. برای کنترل نقدینگی، باید از ابزارهای سیاست پولی خود مانند عملیات بازار باز استفاده کرد. معمولاً کنترل مقداری ترانزنامه و ابزارهای سیاست احتیاطی کلان در زیرمجموعه نظارت بانکی قرار می‌گیرند. بنابراین، این یک مشکل نظری است که بانک مرکزی ما کدام یک از این اهداف را دنبال می‌کند. سیاست پولی یا نظارت بانکی؟ آیا ابزاری که استفاده شده، برای اصلاح نظام بانکی است و یا برای کنترل نقدینگی؟ آیا ارتباط دقیقی وجود دارد که نشان دهد کنترل مقداری ترانزنامه بانک‌ها منجر به کاهش نقدینگی شده است؟ اگر بتوان اثبات کرد که سیاست‌گذاری پولی موفق شده و از ابزارهای کنترل مقداری ترانزنامه به هدف کنترل نقدینگی رسیده، این سوال مطرح می‌شود که آیا این ابزارها در واقع در حوزه نظارت بانکی قرار دارند و دغدغه‌های آنها سیاست پولی و کنترل نقدینگی نیست. به نظر می‌رسد در مقررات ابلاغ شده، هدف به طور دقیق مشخص نشده است. ما می‌دانیم که این اهداف می‌توانند با هم تعارض داشته باشند و در نتیجه، ممکن است هیچ‌کدام تحقق نیابد. این تجربه‌ای است که من از کار در بانک مرکزی دارم. حوزه سیاست‌های احتیاطی کلان و ابزارهای آنها زیرمجموعه حوزه نظارت قرار دارند. بنابراین،

ابزارهای سیاست احتیاطی کلان به عنوان ابزارهای پیشگیرانه عمل کرده و شرایط را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که بانک‌ها به مخاطره نیفتند



ضروری است که بانک مرکزی استانداردهای لازم را به گونه‌ای تنظیم کند که نه تنها از نাত্রازی‌ها جلوگیری کند بلکه در صورت بروز مشکلات ابزارهای مؤثری برای حل و فصل آنها در دست داشته باشد

این حوزه باید گزارشی شفاف ارائه دهد که نشان دهد از سال ۹۹ تا ۱۴۰۳، چه اصلاحاتی در ساختار ترازنامه بانک‌ها انجام شده و اینکه آیا ترکیب ترازنامه بانک‌ها به سمت بهبود پیش رفته است یا خیر؟ بانک‌های مرکزی در پایان سال علاوه بر گزارش سالانه، گزارشی تحت عنوان "supervision report" ارائه می‌دهند که در آن سیستم بانکی را از جنبه‌های مختلف مانند سرمایه و نقدینگی ارزیابی و نسبت به سال قبل مقایسه می‌کنند که آیا به سمت بهبود پیش رفته‌اند یا خیر؟

بانک مرکزی برای جلوگیری از نাত্রازی باید چه استانداردهایی را برای بانک‌ها تعیین کند؟

در این زمینه ابهاماتی وجود دارد. ابزارهای سیاست احتیاطی کلان به عنوان ابزارهای پیشگیرانه عمل می‌کنند و شرایط را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که بانک‌ها به مخاطره نیفتند. به عنوان مقام ناظر بانکی، هنگامی که سرمایه ضد چرخه‌ای را به سیستم بانکی ابلاغ می‌کنید و یا قواعد سرمایه‌ای سختگیرانه‌ای را برای بانک‌های بزرگ وضع می‌کنید، به این معناست که آماده می‌شوید تا در صورت ورود به دوره رکود، بانک‌ها از سرمایه لازم برای جذب زیان‌ها برخوردار باشند. این ابزارها باید به عنوان یک سیستم هشدار اولیه عمل کنند و امکاناتی را فراهم کنند تا در شرایط بحرانی، وضعیت به خوبی مدیریت شود. این ابزارها برای زمان بحران طراحی نشده‌اند، بلکه هدف آنها پیشگیری از وقوع بحران است. اگر سیستم بانکی به وضعیت بحرانی نرسیده باشد، باید از این ابزارها استفاده کرد تا بانک‌ها به ورطه بحران نیفتند. اما اگر این اتفاق رخ دهد، چه اقداماتی باید انجام داد؟ آیا همان ابزارها همچنان کارآمد هستند؟ به نظر می‌رسد که ما از تجربیات جهانی فاصله گرفته‌ایم، در مورد بانک‌هایی که با مشکلات مواجه هستند، معمولاً از ابزارهای سیاست احتیاطی کلان به شیوه‌ای که ما استفاده می‌کنیم، استفاده نمی‌شود. در عوض، اقدامات اصلاحی انجام می‌شود، هرچند که ممکن است این اقدامات برای بانک‌های مشکل‌دار ما دیر باشد. در بسیاری از موارد، به جای ابزارهای احتیاطی کلان، از ابزارهای حل و فصل (رزولوشن) برای مدیریت بانک‌های مشکل‌دار استفاده می‌شود. بنابراین، ضروری است که بانک

مرکزی استانداردهای لازم را به گونه‌ای تنظیم کند که نه تنها از نাত্রازی‌ها جلوگیری کند، بلکه در صورت بروز مشکلات، ابزارهای مؤثری برای حل و فصل آنها در دست داشته باشد.

در مورد بانک‌های سالم کشور چه ابزارهایی باید به کار گرفته شود و چه استانداردهایی باید تعیین کنیم تا از میل به نাত্রازی مشابه سایر بانک‌های نাত্রاز جلوگیری شود؟

پیش از هر چیز، باید به این سوال پاسخ دهیم که چرا بانک‌های ما به نাত্রازی دچار شدند. اگر آسیب‌شناسی دقیقی از دلایل نাত্রازی بانک‌ها انجام ندهیم، احتمال تکرار این سیکل وجود دارد. حتی اگر هزینه‌ای معادل صد میلیارد دلار صرف بازسازی و به‌روزرسانی سیستم بانکی کنیم، بدون شناسایی صحیح علل، این مشکل دوباره تکرار خواهد شد. نکته اساسی در اینجا فضای کسب و کار بانکی است. آیا سیستم بانکی ما توانایی جذب و تخصیص منابع را در چارچوب خود دارد؟ شرایط کنونی به طور عمده دستوری است و بانک‌ها نمی‌توانند با نرخ‌های مناسب جذب سپرده داشته باشند و به این ترتیب نفع همه ذی‌نفعان، نه تنها تسهیلات‌گیرندگان، تأمین شود. به عنوان یک بانک، برای تجهیز منابع، نیاز به اختیار و آزادی عمل داریم. حوزه بعدی تخصیص منابع است. آیا سیستم بانکی ما به طور آزاد و با اختیار هیات مدیره می‌تواند تسهیلات تخصیص دهد؟ در حال حاضر، مشکلات موجود در این زمینه مانع از این امر شده است. بانکداری دولتی ما به شرایط مشکل‌دار رسیده و علت آن به طور عمومی تسهیلات تکلیفی معرفی می‌شود. در چنین شرایطی، مدیران بانک‌ها اختیاری برای رد یا تأیید تسهیلات ندارند و باید دستورات را اجرا کنند. این مسئله باعث می‌شود که مدیران بانک‌ها مسلوب‌الاختیار شوند و در نتیجه نمی‌توان از آنها پاسخ‌گویی خواست. در مواردی مانند تأمین مالی بزرگراه‌ها، عدم توجه به منابع مالی مناسب در سیستم بانکی سبب می‌شود که بانک‌ها به تسهیلاتی با مدت زمان طولانی‌تر از منابع خود متعهد شوند. این عدم تطابق میان منابع کوتاه‌مدت و تسهیلات بلندمدت می‌تواند به نাত্রازی منجر شود. علاوه بر این، در زمینه خدمات بانکی، آیا بانک‌های ما مجاز به تعیین نرخ خدمات با توجه به ضرر و زیان خود و در رقابت با دیگر بانک‌ها هستند؟ در

شرایط کنونی
به طور عمده
دستوری است
و بانک‌ها
نمی‌توانند
بانرخ‌های
مناسب جذب
سپرده داشته
باشند

اختیارات لازم برای مقام سیاست‌گذار پولی و مقام ناظر بانکی تضمین و تأمین شود. در حال حاضر، قانون بانک مرکزی جایگزین بخشی از قانون پولی و بانکی کشور در سال ۵۱ شده است، اما هنوز قانون جامع بانکداری نداریم. در واقع، اصلی‌ترین مشکلات ما در حوزه بانکداری ناشی از فقدان یک قانون بانکداری جامع است و ما به طور پیوسته با ۷، ۸ یا ۱۰ ماده از فصل سوم قانون پولی و بانکی فعالیت می‌کنیم. همچنین، قانون عملیات بانکی نیز به طرز قابل توجهی مخل و بی‌ربط است. اصلاح قوانین لازم‌الاجرا در این حوزه ضروری است تا با استانداردهای روز دنیا مقایسه‌پذیر باشد. اما این شرط لازم است و کافی نیست. حتی اگر قانونی وجود داشته باشد که به شما اختیار دهد، به معنای این نیست که همه کارها به خوبی انجام خواهد شد. بخش دوم این است که آیا اجزای نظام حکمرانی ما این استقلال را به رسمیت می‌شناسند یا خیر؟ اگر این اتفاق نیفتد، قانون نیز نمی‌تواند به طور مؤثر اجرا شود و عملیات بانک مرکزی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. مسئله تسهیلات تکلیفی نیز مهم است. آیا قانون بانک مرکزی به آن اجازه می‌دهد که جلوی قوانین بودجه و احکام تکلیفی تسهیلات بانک‌ها را بگیرد؟ چنین اختیاری وجود ندارد و قوانین در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. بنابراین، آن قانون نیز لازم‌الاجراست و قانون‌گذار انتظار دارد که به طور کامل اجرا شود. در این شرایط، با تعارض در اهداف این قوانین چه باید کرد؟ قانونی که تسهیلات تکلیفی وضع می‌کند و خود بانک مرکزی اذعان می‌کند که خارج از توانایی سیستم بانکی است، در حالی که تمام مراجع نظارتی انتظار دارند که این قوانین به طور کامل اجرا شوند. اجزای نظام حکمرانی به آن سطح از هماهنگی و بلوغ نرسیده‌اند که اگر نهادی به عنوان بانک مرکزی ایجاد شده و

حال حاضر، این موارد نیز تحت محدودیت‌های دستوری قرار دارند و فضای کسب و کار بانکی ما را ناسالم می‌کند. در شرایطی که نرخ تسهیلات ۲۳ درصد اعلام شده، اما نرخ تورم به مراتب بیشتر است، چگونه می‌توان بانک‌ها را قانع کرد که تسهیلات را به مشتریانی بدهند که ممکن است به راحتی از پرداخت آنها استتکاف کنند؟ از سال ۸۴، بانک‌ها به‌نگاه‌دار تبدیل شدند و این منطق باعث شد که به جای اعطای تسهیلات به دیگران، خودشان منابع را برداشت کنند. در اروپا، بانکداران به دلیل وجود مقررات نظارتی محکم و تحلیل ریسک به این نتیجه می‌رسند که ریسک‌ها را به دیگران منتقل کنند و خود را درگیر عملیات پُرریسک نکنند. به این ترتیب، باید از مشتریان خواسته شود که وثایق و تضامین مناسبی به بانک ارائه دهند و بانک نظارت دقیقی بر مصرف تسهیلات داشته باشد. مسئله دیگر اختیارات مقام ناظر است. از زمانی که وارد حوزه بانکداری خصوصی شدیم، اختیارات مقام نظارتی تغییر نکرده و همچنان با قواعد بانکداری دولتی که در دهه‌های گذشته مشکل‌ساز بودند، روبرو هستیم. این عدم تطابق با شرایط جدید نهایتاً به وضع کنونی منجر شده است. بنابراین، برای اصلاح وضعیت موجود، باید اجزای سیستم بانکی به درستی تنظیم شوند. در غیراینصورت، اصلاحات انجام شده به تداوم وضعیت نامناسب منجر خواهد شد و دوباره به شرایط قبلی برمی‌گردیم.

**راه برون‌رفت از دخالت‌های
بیرونی بر سیاست‌گذار پولی
چيست و نقش استقلال
بانک مرکزی را چقدر جدی
می‌دانید؟**

برای برون‌رفت از دخالت‌های بیرونی بر سیاست‌گذار پولی، شرط لازم این است که قوانین بالادستی به گونه‌ای اصلاح شوند که



مدیران بانک‌ها اختیاری برای رد یا تأیید تسهیلات ندارند

مدیران بانک‌ها اختیاری برای رد یا تأیید تسهیلات ندارند و باید دستورات را اجرا کنند. این مسئله باعث می‌شود که مدیران بانک‌ها مسلوب الاختیار شوند و در نتیجه نمی‌توان از آنها پاسخگویی خواست.

زمانی که بانکی
ناتراز از فعالیت
در حوزه بانکی
خارج می شود
ریسک فعالیت
آن به سایر
بانک ها منتقل
نمی شود و این
موضوع به نفع
بازیگران سالم
در بازار است

اختیارات قانونی به آن داده اند، اجازه دهند که در حوزه اختیارات خود به طور کامل عمل کنند. در عوض، اختیارات ناقصی داده می شود و بانک مرکزی مجبور است به چندین مقام ناظر پاسخگو باشد. این وضعیت ممکن است باعث شود که اقداماتی انجام دهد که نه تنها به اصلاح وضع موجود کمک نکند، بلکه شرایط را نامناسب تر از قبل نیز کند. برای موفقیت در این زمینه، باید به بانک مرکزی اجازه داده شود که در حوزه اختیاراتش به طور مؤثر عمل کند و از آن پاسخگویی و شفافیت خواسته شود تا بتواند به خوبی مجموعه را مدیریت کند و هر سال گزارشی شفاف از عملکرد خود ارائه دهد. این نوع شفافیت و پاسخگویی می تواند به بهبود وضعیت کمک کند.

نظارت ها بر بانک هایی که ناترازی دارند باید بر چه بخشی متمرکز باشد و بانک مرکزی باید از چه ابزارهایی استفاده کند؟

نظارت بر بانک های ناتراز باید بر جنبه های کلیدی متمرکز باشد، اما برخی از این جنبه ها خارج از توانایی بانک مرکزی است. بهبود فضای کسب و کار بانکی از محدوده اختیارات بانک مرکزی خارج است و این موضوع به نهادهای دیگر مربوط می شود که بانک مرکزی را ملزم به انجام آن می کنند. تسهیلات تکلیفی که بانک مرکزی تعیین نمی کند، می تواند منجر به ناترازی در سیستم بانکی شود، اما در این حالت، سؤال این است که چه کسی باید پاسخگو باشد؟ بانک مرکزی! در حالی که هیچ نقشی در تعیین این تسهیلات ندارد و حتی در جلسات مقدماتی قانون بودجه نیز اعتراض کرده است. این سیستم دارای اشکالات زیادی است و وضعیتی کمیک و تراژیک دارد. از یک سو، بخشنامه هایی صادر می شود که می دانند وضعیت سیستم بانکی را خراب می کند و در نهایت از بانک مرکزی می پرسند، چرا اوضاع خراب است؟ در حالی که بانک مرکزی می گوید من دستورات شما را اجرا کردم و همان موقع هم نامه دادم چنین کاری را نکنیم، این تصمیمات که بعضاً با هدف بهبود وضعیت اقتصاد کلان اتخاذ می شود، آثار سوئی را بر شبکه بانکی می گذارد، در واقع هزینه منفعت های نامتوازن به این شکل به سیستم بانکی تحمیل می شود و در نهایت وضعیت بانک ها بدتر می شود. در حوزه نظارت، بانک مرکزی اختیار قانونی برای متوقف کردن صدور

رگولاتوری ها را ندارد، اما در مورد بانک ها، اختیار مانیتورینگ و جمع آوری اطلاعات را دارد. قانون بانک مرکزی به گونه ای اصلاح شده که دسترسی آن به اطلاعات بانک ها تسهیل شده و ارتباط مقام ناظر با حسابرس به عنوان بخشی از نظام نظارتی تقویت شده است. صندوق ضمانت سپرده ها نیز طراحی شده که اینها اقدامات مثبتی هستند و تصویری از وضعیت بانک ها ارائه می دهند. با این حال، اگر به طور کلان نگاه کنیم، در دهه های ۴۰ و ۵۰ شمسی، نظارت بر بانک ها به صورت انفرادی و سولو انجام می شد. اما در دهه های اخیر، ادبیات نظارت تغییر کرده و مفاهیم نظارت یکپارچه به میان آمده است. بانک ها باید در حیطه نظارت به طور جامع مورد بررسی قرار گیرند. در این راستا، بانک مرکزی باید اختیار قانونی برای ورود به هلدینگ های مالی که سهامداران این بانک ها هستند و شرکت های زیرمجموعه آنها را داشته باشد. متأسفانه، اختیارات قانونی برای نظارت یکپارچه بر این مجموعه ها هنوز به طور کامل فراهم نشده است. اگرچه بانک مرکزی می تواند در حوزه شرکت هایی که مجوز می دهد، نظارت کند، اما برای ارزیابی جامع و یکپارچه از بانک و هلدینگ های مرتبط با آن، اختیارات قانونی کافی ندارد. امیدواریم در قانون بانکداری که در آینده باید به تصویب مجلس برسد، احکام قانونی لازم برای این امر دیده شود.

اگر بانکی در شرایط ناتراز قرار بگیرد، چه اقداماتی باید از سوی بانک مرکزی انجام شود تا آن بانک به شرایط تراز برگردد؟ اگر قابل اصلاح نبود، مسیر انحلال چگونه باید طی شود؟

برای مواجهه با یک بانک مشکل دار، اولین قدم شناسایی و طبقه بندی آن بانک بر اساس شاخص های مشخص است. لازم است که مشخص شود چه عواملی باعث ناترازی آن بانک شده و چگونه می توان آن را به عنوان یک بانک مشکل دار شناسایی کرد. پس از شناسایی، اگر اقدامات اصلاحی لازم به آن بانک ابلاغ و مهلتی برای اصلاح تعیین شود، اما بانک نتواند نسبت کفایت سرمایه خود را به حد استاندارد های بانک مرکزی برساند، بانک مرکزی باید اقداماتی را اتخاذ کند. این اقدامات شامل کاهش دارایی های موزون به ریسک یا افزایش سرمایه نظارتی است. نسبت کفایت سرمایه به

دو بخش صورت و مخرج بستگی دارد، بنابراین باید به گونه‌ای عمل شود که یکی از این دو تغییر کند. تغییر مخرج به سادگی ممکن نیست و اصلاح پرتقوی اعتباری به راحتی امکان‌پذیر نیست، لذا افزایش سرمایه نظارتی یک راهکار مناسب خواهد بود. بانک مرکزی باید به بانکی که پایین‌تر از ۸ درصد نسبت کفایت سرمایه دارد، ابلاغ کند که باید طی مهلت تعیین شده به این میزان افزایش سرمایه دهد تا بتواند با دارایی‌های موزون به ریسک خود، بافر ۸ درصدی برای پوشش زیان‌ها داشته باشد. اگر بانک این کار را انجام ندهد، بانک مرکزی باید به عنوان مقام ناظر وارد عمل شود. در سال‌های اخیر، اختیارات ماده ۳۹ قانون پولی و بانکی کشور به طور مؤثری مورد استفاده قرار نگرفته است. در این ماده، شرایط سختی برای بانک مرکزی در نظر گرفته شده است که به طور مؤثری می‌تواند بانک را تحت نظر قرار دهد. اگر ارتباط بانک با سهامداران و مدیریت برقرار نباشد و مکاتبات رگولاتور به نتیجه نرسد، دستور به تیک‌اور (Takeover) بانک صادر می‌شود. در این حالت، یک سرپرست برای بانک تعیین می‌شود که تمامی اختیارات مجامع، سهامداران، هیات مدیره و هیات عامل را به عهده می‌گیرد. این مقام ناظر فقط به بانک مرکزی پاسخگو است و از مصونیت قانونی برخوردار است. اگر بانک مرکزی نسخه‌ای برای بهبود وضعیت بانک مشکل‌دار داشته باشد، آن را اجرا می‌کند. این نسخه می‌تواند بانک را احیا کند یا به مسیر حل و فصل (رزولوشن) هدایت کند. در فرآیند رزولوشن، ابزارهای مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که برخی از آنها در قانون بانک مرکزی موجود است، اما بسیاری از جزئیات باید در قانون بانکداری به طور کامل توضیح داده شود. بانک مرکزی باید اختیارات قانونی لازم را برای حل و فصل بانک‌های مشکل‌دار داشته باشد. در نهایت، اگر بانکی از اهمیت بالایی برخوردار باشد و امکان انحلال آن وجود نداشته باشد، بانک مرکزی باید از منابع بودجه‌ای دولتی برای حمایت از آن استفاده کند. مشکلاتی مانند نقدشوندگی، بدهی و حاکمیت شرکتی نامطلوب باید در دسته‌های مختلف طبقه‌بندی شوند و نسخه‌های متفاوتی برای هر کدام از سوی مقام ناظر ارائه شود. این قواعد و روال‌ها، روش‌های معمول ناظران بانکی در دنیا هستند و هنوز ما با این استانداردها فاصله داریم.

سال گذشته سه موسسه نور، توسعه و کاسپین منحل شدند و هدف این است که هشت بانک دیگر نیز در سال جاری تعیین تکلیف شوند. این اقدامات تا چه حد می‌تواند به تقویت اعتماد سپرده‌گذاران بانکی منجر شود و چه تأثیری در پاکسازی کل سیستم بانکی خواهد داشت؟

نفس این اقدامات بسیار مثبت است و همگان از آن استقبال می‌کنند. زمانی که بانکی ناتراز از فعالیت در حوزه بانکی خارج می‌شود، ریسک فعالیت آن به سایر بانک‌ها منتقل نمی‌شود و این موضوع به نفع بازیگران سالم در بازار است. اما نکته مهم این است که فرآیند خروج این موسسات مشکل‌دار از صحنه فعالیت چگونه انجام شده است؟ این موضوع می‌تواند به سپرده‌گذاران اطمینان یا عدم اطمینان بدهد که آیا اقدامات نظارتی برای اصلاح سیستم بانکی مؤثر بوده است یا خیر؟ به عنوان مثال درباره موسسه اعتباری توسعه، به یاد دارم که اولین اقدامات برای جمع‌آوری آن در زمان دکتر مظاهری در سال ۱۳۸۶ آغاز شد و بخشی از گزارش‌های آن در مجموعه ما تهیه شد. اکنون در سال ۱۴۰۳ هستیم و سوال این است که چرا فرآیند حل و فصل این موسسه ۱۶ سال طول کشیده است؟ در حالی که تیک‌اور (Takeover) حداکثر دو روز زمان می‌برد و اختیار موسسه به دادگاه منتقل می‌شود. همچنین، حل و فصل در مقیاس بین‌المللی برای موسسات اعتباری مشابه معمولاً بین ۳۰ تا ۴۵ روز زمان نیاز دارد. اگر به نمونه‌های بانک‌های مرکزی اروپایی نگاه کنیم، می‌بینیم که بانک‌هایی با مقیاس بزرگ‌تر از موسسه اعتباری توسعه در مدت زمان کوتاه‌تری توسط مقام نظارتی حل و فصل می‌شوند و پرونده‌شان بسته می‌شود. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که چرا ما برای موسسه اعتباری توسعه ۱۶ سال زمان صرف کرده‌ایم؟ مدت زمان طولانی برای حل و فصل یک موسسه که باید در ۴۰ روز به پایان برسد، به سایر بانک‌های مشابه این موسسه اطمینان خاطر نمی‌دهد که مقام ناظر اختیار قانونی لازم برای برخورد سریع و قاطع با بانک‌های متخلف را دارد. این موضوع می‌تواند بر اعتماد سپرده‌گذاران تأثیر منفی بگذارد و نیاز به اصلاحات جدی در نظام نظارتی را نشان دهد.

اگر بانک مرکزی نسخه‌ای برای بهبود وضعیت بانک مشکل‌دار داشته باشد، آن را اجرا می‌کند

پیگیری
اصلاحات
قانونی و
بروزرسانی
رویه‌های
نظارتی از
اهمیت ویژه‌ای
برخوردار
است تا بانک
مرکزی بتواند
به طور مؤثرتر
به چالش‌های
اقتصادی پاسخ
دهد

۲۲



اقتصاد

• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

به صورت کلی، عملکرد بانک مرکزی در حوزه نظارت را در دوره اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حوزه نظارت، اتفاقات مثبتی رخ داده است و نمی‌توان از تلاش‌هایی که انجام شده غافل شد. اقدام بزرگ حل و فصل موسسه توسعه، که در سال‌های مختلف کابوس بانک مرکزی بود، قابل تقدیر است و باید به دوستانی که توانستند این پرونده را به اتمام برسانند، خسته نباشید گفت. با این حال، نحوه عمل کردن در این زمینه جای تأمل دارد. وقتی مهلت جمع‌آوری مستندات و اطلاعات تنها ۴۵ روز تعیین می‌شود، در حالی که مدیران و سهامداران این موسسه اعتباری سال‌ها باید به دادگاه بروند و پاسخگو باشند، این وضعیت به هیچ وجه مطلوب نیست. این امر باعث می‌شود که مدیران بانک مرکزی به طور مداوم تحت فشار پاسخگویی قرار گیرند و در واقع، برعکس آنچه انتظار می‌رود، این آسیب به سیستم نظارت و اعتبار آن وارد می‌شود. این مسئله به تنهایی از عهده بانک مرکزی خارج است و نیاز به همکاری اجزای اصلی نظام حکمرانی کشور دارد. باید بررسی شود که آیا ورود افراد به این عرصه و ایجاد مخاطره برای سیستم درست است یا خیر؟ آیا این افراد زبان کرده‌اند؟ اگر امکان ارزیابی وجود داشته باشد، باید مشخص شود که کسانی که پشت موسسه توسعه و کاسپین بودند، از این وضعیت چه ضرری متحمل شدند و این ضرر را چه کسی پرداخت کرده است؟ این موضوع برای مقام ناظر بسیار حائز اهمیت است، زیرا جریمه سنگینی باید برای افرادی که مسبب این وضعیت بوده‌اند، اعمال شود. آیا چنین اقدامی در سیستم قضایی انجام شده و متخلفان تحت پیگرد قرار گرفته‌اند؟ امیدوارم که این گونه باشد. گندی در حل و فصل بانک‌های مشکل‌دار معضلی است که باید توسط نظام حکمرانی حل و فصل شود.

بهترین اقدامات بانک مرکزی در دوره اخیر چه مواردی بوده و کدام اقدامات نیازمند نگاه ویژه و پیگیری در دولت چهاردهم است؟

ارزیابی من از عملکرد بانک مرکزی در دوره اخیر مثبت است و با توجه به محدودیت‌های قانونی که در اختیار داشت، عملکرد موفقیت‌آمیزی را به نمایش گذاشت. با این حال، انتظارات

جامعه از بانک مرکزی فراتر از این موفقیت‌ها بوده است. اینکه بانک مرکزی توانسته است کل‌های پولی را مهار کرده و در کنترل نقدینگی و تورم توفیقاتی به دست آورد، قابل تحسین است. اما سوال اصلی این است که انتظارات جامعه چه بوده است و آیا بانک مرکزی این انتظارات را شفاف‌سازی کرده است؟ به محدودیت‌هایی که ناظر بر عملکرد بانک مرکزی بوده، واقف هستم. اما اصل موضوع این است که وقتی گزارش بانک مرکزی روسیه را مطالعه می‌کنید، متوجه می‌شوید چرا آن بانک نتوانسته به اهداف خود دست یابد. اگر هدف‌گذاری تورمی آن سه درصد بوده و نهایتاً با هشت تا ده درصد تحویل داده، در گزارش به وضوح توضیح می‌دهد که این مسائل در حیطه من نبوده و سعی کرده‌ام کنترل کنم. او به میزان ضرر و زیان‌ها و منابع از دست رفته اشاره می‌کند و هیچ پنهان‌کاری وجود ندارد. متأسفانه، در سیستم بانک مرکزی ما این شفافیت به طور کامل وجود ندارد و هنوز با قواعد بانکداری مرکزی مدرن دنیا همسان نشده‌ایم. بسیاری از رویه‌ها و تصمیمات در پشت درهای بسته و با عدم شفافیت اتخاذ می‌شود. این عدم شفافیت، شمشیر دولبه‌ای است که هم می‌تواند به نفع و هم به ضرر باشد. از یک سو، این امکان را فراهم می‌کند که مسائل را با چراغ خاموش و در سکوت حل و فصل کنیم، اما از سوی دیگر، نمی‌توان به دیگران و ذی‌نفعان، که بخش عمده‌ای از آنها مردم هستند، به وضوح و شفافیت گفت که موانع پیش‌رو چه بوده و چرا نتوانسته‌ایم به اهداف تعیین شده دست یابیم. بنابراین، برای دولت چهاردهم، نیاز است که توجه ویژه‌ای به شفاف‌سازی فعالیت‌های بانک مرکزی و بهبود ارتباطات با ذی‌نفعان داشته باشد. این اقدام می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و بهبود عملکرد بانک مرکزی در راستای تحقق اهداف اقتصادی کمک کند. همچنین، پیگیری مواردی مانند اصلاحات قانونی و بروزرسانی رویه‌های نظارتی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا بانک مرکزی بتواند به طور مؤثرتر به چالش‌های اقتصادی پاسخ دهد.

پیشنهادات به سیاست‌گذار پولی کشور چیست؟

در حوزه سیاست پولی تخصص کافی ندارم، بنابراین اظهارنظر خاصی نمی‌کنم. اما باید یادآوری کنم که برخی از مسائل خارج از اختیارات بانک مرکزی است. زمانی که انضباط مالی وجود نداشته باشد و کسری بودجه مهار

بانک مرکزی
توانسته است
تعدادی از
بانک‌های
مشکل‌دار را
حل و فصل
کند و تلاش
برای حل و
فصل بانک‌های
بیشتری را در
دستور کار خود
قرار داده است

و شرایط تحریم وضعیت را به مراتب بدتر کرده است. اگر تحریم‌ها برداشته شود و بانک‌های ما ناگزیر به احیای فعالیت‌های خود در خارج از کشور شوند، بسیاری از قواعد نظارتی را به طور خودکار اجرا خواهند کرد. در این شرایط، آنها متوجه خواهند شد که برای هر فعالیت خود در شعبه‌های خارجی نیاز به اصلاحاتی در ترازنامه دارند، زیرا مقام ناظر اجازه نمی‌دهد بانکی با چنین ترازنامه‌ای در پاریس، رم و لندن فعالیت کند. در این راستا، بانک مرکزی باید تلاش کند ادبیات جدید بانکداری مبتنی بر ریسک را به بانکداران موجود منتقل کند. این کار نیازمند طراحی و تنظیم مجموعه‌ای متشکل از متخصصین این حوزه است که بتوانند در ارزیابی بانک‌های کشور مؤثر باشند. برای این منظور، لازم است که بر روی این متخصصین سرمایه‌گذاری شود تا نیروی انسانی حرفه‌ای تربیت شود. آیا بانک مرکزی این امکان را دارد که نیروهایی را به بانک‌های اروپایی بفرستد تا در دوره‌های کارآموزی شرکت کنند و باشیوه‌های نوین نظارت بانکی آشنا شوند؟ این حوزه‌ها نیازمند تبادل نظر و یادگیری از تجارب جهانی است. ارزیابی عملکرد بانک مرکزی در این زمینه دشوار است، زیرا همه چیز در اختیار آن نیست. با این حال، بانک مرکزی توانسته است تعدادی از بانک‌های مشکل‌دار را حل و فصل کند و تلاش برای حل و فصل بانک‌های بیشتری را در دستور کار خود قرار داده است. این تغییرات و اصلاحات یک شبه به نتیجه نخواهد رسید و نیاز به مقدمات و سرمایه‌گذاری دارد. باید منتظر ماند و دید که آیا این تلاش‌ها در سال‌های آینده منجر به ثبات و سلامت نظام بانکی خواهد شد. به یاد داشته باشیم که سلامت و ثبات نظام بانکی تنها در حیطه بانک مرکزی نیست و مداخله‌کنندگان بسیاری در این حوزه وجود دارند، در حالی که مسئولیت نهایی با بانک مرکزی است، اختیارات در دست دیگر نهادها نیز قرار دارد.

نشود، این کسری در صورت‌های مالی بانک مرکزی یا بانک‌ها نمایان می‌شود. در نهایت، پول در بانک‌ها یا بانک مرکزی قرار دارد. اگر در این نهادها انضباط رعایت نشود، نتایج آن به وضوح در سیستم دیده می‌شود، این موضوع معلول است و علت در جای دیگری نهفته است. آیا بانک مرکزی اختیار برقرار کردن انضباط مالی را دارد؟ قطعاً نه. این وظیفه دولت، سازمان برنامه، وزارت اقتصاد و مجلس است. وقتی دولت بارها به مجلس می‌گوید که احکامی که اضافه می‌کنید، کسری بودجه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی ایجاد می‌کند و منابع آن وجود ندارد، پیام واضحی ارسال می‌شود. اگر دولت به مجلس اعتراض کند و مجلس این اعتراض را نپذیرد، نتیجه چیست؟ بالاخره این کسری از کجا تأمین می‌شود؟ نهایتاً این کسری نیست، بلکه عدد و رقم است. نهایتاً این کسری از سیستم بانکداری دولتی و یا بانک مرکزی تأمین می‌شود و خسارت‌های آن به صورت تورم به مردم تحمیل می‌شود. بخشی از این مسائل به اقدامات بانک مرکزی مربوط می‌شود، اما موفقیت در این زمینه نیازمند همدلی و همکاری تمامی ارکان حاکمیت است. در حوزه نظارت بانکی، به نظر می‌رسد که از ادبیات و استانداردهای نظارت بانکی جهانی فاصله گرفته‌ایم. بانکداری سنتی ما به قدمت سه یا چهار هزار سال در زمینه قنات‌ها برمی‌گردد، اما در بانکداری مدرن تخصص کافی نداریم و این امر به طور عمده از دیگر کشورها به عاریه گرفته شده است. نظارت بانکی نیز مفهومی جدیدتر است. این صنعت ابتدا به وجود آمد و مخاطراتی را ایجاد کرد و پس از بحران ۱۹۲۹ و ورشکستگی بانک‌ها، کشورهای مختلف متوجه شدند که باید نهادهای ناظر مجزا و شرکت‌های بیمه سپرده‌ها ایجاد کنند. این رویکرد به تدریج در دیگر کشورها نیز پذیرفته شد. متأسفانه ارتباط ما با دنیا در این حوزه قطع شده است



تسهیلات تکلیفی منجر به ناترازی در سیستم بانکی می‌شود

نظارت بر بانک‌های ناتراز باید بر جنبه‌های کلیدی متمرکز باشد، اما برخی از این جنبه‌ها خارج از توانایی بانک مرکزی است. بهبود فضای کسب و کار بانکی از محدوده اختیارات بانک مرکزی خارج است و این موضوع به نهادهای دیگر مربوط می‌شود که بانک مرکزی را ملزم به انجام آن می‌کنند. تسهیلات تکلیفی که بانک مرکزی تعیین نمی‌کند، می‌تواند منجر به ناترازی در سیستم بانکی شود.

سجاد برخورداری، عضو هیات علمی دانشگاه تهران
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

۳ اقدام کلیدی بانک مرکزی برای مهار تورم

- یکی از مهم‌ترین ریشه‌های تورم، رشد نقدینگی است که خود به بی‌انضباطی‌های مالی دولت و ناترازی در سیستم بانکی برمی‌گردد
- هدف‌گذاری‌های تورمی در گذشته به دلیل ناهماهنگی در سیاست‌های دولت به نتیجه نرسیده‌اند
- بانک مرکزی باید به لحاظ ساختاری از فضای بانکداری خارج شود و نقش نظارتی خود را تقویت کند
- نباید انتظار داشته باشیم که رفع و یا کاهش تحریم‌ها به طور معجزه‌آسا مشکلات تورمی ما را حل کند



۲۴



اقتصاد تازه‌ها

• شماره ۶۶ - آبان ۱۴۰۳ •

ساختار
اقتصادی ما به
گونه‌ای است که
به راحتی تحت
تأثیر نوسانات
سیاست‌های
ناپایدار قرار
می‌گیرد

خود به بی‌انضباطی‌های مالی دولت، عدم نظارت کافی در سیستم بانکی و ناترازی در این سیستم برمی‌گردد. این عوامل به طور مستقیم به خلق نقدینگی دامن می‌زنند. البته مواردی نیز وجود دارند که در کوتاه‌مدت اتفاق می‌افتند، مانند افزایش قیمت دلار یا افزایش هزینه‌های سمت عرضه، اما این موارد نمی‌توانند به طور پایدار بر تورم تأثیر بگذارند. در واقع، علت اصلی دوام تورم، به سمت نقدینگی برمی‌گردد.

در برخی دوره‌ها توانسته‌ایم نرخ تورم را به زیر ۱۰ درصد برسانیم، اما این کاهش پایدار نبوده و دوباره به نرخ‌های بالا بازگشته است. علت این پدیده چیست؟ آیا ساختار اقتصاد ما به طور ذاتی تورم‌زا است؟

به دلیل نحوه عملکرد اقتصاد ما، که به رفتار دولت و سیستم بانکی مرتبط می‌شود، معمولاً نرخ تورم در برخی سال‌ها به حدود ۱۴ یا ۱۵ درصد رسیده و حتی در مواردی به زیر ۱۰ درصد نیز کاهش یافته است. این کاهش عمدتاً به دلیل ایجاد رکود در اقتصاد است. در واقع، این رکود به طور موقت موجب بهبود شرایط می‌شود، اما انتظار خوشبینانه‌ای که در این دوره‌ها شکل می‌گیرد، به عمل منجر نمی‌شود و بنابراین ادامه‌دار نخواهد بود. در نتیجه، باز بین رفتن این خوشبینی، تورم دوباره به مسیرهای قبلی خود بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، ساختار اقتصادی ما به گونه‌ای است که به راحتی تحت تأثیر نوسانات و سیاست‌های ناپایدار قرار می‌گیرد و این امر به تداوم تورم بالا منجر می‌شود.

چه میزان نقش جزیره‌ای عمل کردن سیاست‌ها در بخش‌های تجاری، پولی و مالی را در ایجاد تورم مؤثر می‌دانید؟ سیاست‌های مالی و پولی که گاهی اوقات متناقض عمل می‌کنند و سلبه سیاست‌های مالی دولت بر سیاست‌های پولی بانک مرکزی تا چه اندازه اثرگذار است؟

سه متغیر کلیدی در اقتصاد شامل تورم، رشد اقتصادی و بیکاری، نتیجه رفتارهای اقتصادی هستند. بر این اساس، طبیعی است که هرگونه سیاست ناهماهنگ یا عدم استقلال در سیاست‌های پولی، می‌تواند تأثیرات منفی

در سال‌های اخیر، اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی از جمله تورم بالا و ماندگار مواجه بوده است. این وضعیت، موضوعی است که بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی به بررسی آن پرداخته‌اند و عوامل مختلفی را به عنوان دلایل این معضل معرفی می‌کنند. برخی افراد به بی‌انضباطی مالی دولت، نفتی بودن اقتصاد و ناترازی‌های موجود در سیستم بانکی اشاره می‌کنند و بر این باورند که این عوامل نقش بسزایی در تشدید تورم ایفا کرده‌اند. در این میان، نظریه‌های مختلفی درباره ریشه‌های تورم و چگونگی کنترل آن مطرح می‌شود. در گفت‌وگو با سجاد برخورداری، استاد اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه تهران قصد داریم به بررسی این موضوع بپردازیم که آیا واقعاً بی‌انضباطی مالی دولت و وابستگی به درآمدهای نفتی، به عنوان دلایل اصلی تورم مطرح می‌شوند و یا اینکه عوامل دیگری نیز در این زمینه مؤثر هستند؟ همچنین، به نقش نقدینگی، سیاست‌های پولی و مالی و تأثیرات تحریم‌ها بر وضعیت اقتصادی کشور خواهیم پرداخت. با توجه به تجربیات گذشته و نوسانات مکرر نرخ تورم، بررسی دقیق این موضوعات می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش تورم کمک کند. به علاوه، ما به نقش بانک مرکزی در کنترل تورم و چگونگی تعامل آن با دولت خواهیم پرداخت. آیا بانک مرکزی می‌تواند به طور مؤثر به مدیریت انتظارات تورمی بپردازد و در عین حال استقلال خود را حفظ کند؟ در این راستا، نظارت بر سیستم بانکی و ارتباطات میان دولت و بانک مرکزی، از دیگر موضوعاتی است که در این گفت‌وگو مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

برخی برای بیان دلایل تورم بالایی که سال‌ها در اقتصاد ما وجود دارد و ماندگار شده، به بی‌انضباطی مالی دولت، نفتی بودن اقتصاد و... اشاره می‌کنند. نظر شما در این خصوص چیست؟

به نظر من، تداوم تورم، بیشتر ناشی از تقاضای بیش از عرضه در اقتصاد است. یکی از مهم‌ترین ریشه‌های این مشکل، رشد نقدینگی است که



هرگونه
ناهماهنگی در
سیاست‌های
مالی، پولی
ارزی و تجاری
می‌تواند به
نتایج نامطلوبی
منجر شود که
یکی از این
نتایج، افزایش
تورم است

بر اقتصاد داشته باشد. اگر بانک مرکزی تحت تأثیر عوامل دیگر عمل کند و اختیارات لازم را نداشته باشد، این موضوع قطعاً در افزایش نرخ تورم خود را نشان خواهد داد. بنابراین، هرگونه ناهماهنگی در سیاست‌های مالی، پولی، ارزی و تجاری می‌تواند به نتایج نامطلوبی منجر شود که یکی از این نتایج، افزایش تورم است. به عبارت دیگر، عدم هماهنگی و جزیره‌ای عمل کردن این سیاست‌ها نه تنها بر رشد اقتصادی و بیکاری تأثیر می‌گذارد، بلکه به تداوم و تشدید تورم نیز منجر می‌شود. برای دستیابی به ثبات اقتصادی، ضروری است که سیاست‌ها به‌طور هماهنگ و با در نظر گرفتن یکدیگر اجرا شوند.

دربرخی کشورها، هدف‌گذاری تورمی توانسته است اقتصاد را پس از دوره‌ای از تورم بالا نجات دهد و برنامه‌ها بر اساس این هدف‌گذاری ترسیم و عملیاتی شده‌اند که موفق نیز بوده‌اند. با توجه به اینکه ما چند بار تجربه ناموفق در این زمینه داشته‌ایم، به نظرتان آیا چنین امکانی اساساً در ایران وجود دارد؟

هدف‌گذاری تورمی الزامات خاصی دارد. می‌توان هزاران هدف تعریف کرد، اما زمانی که آقای همی در بانک مرکزی بود، در یکی از روزنامه‌ها اشاره کردم که هدف‌گذاری تورمی تنها یک نماد بیرونی دارد و در واقعیت به آن دست نمی‌یابیم. این موضوع به دلیل عدم اتحاد دولت‌ها و ناهماهنگی در سیاست‌هاست. وقتی که تورم به عنوان هدف تعیین می‌شود، الزامات و شرایط لازم برای دستیابی به آن نیز باید مدنظر قرار گیرد. اما در کشور ما، به دلایل داخلی و خارجی، این الزامات معمولاً رعایت نمی‌شوند. گاهی اوقات بانک مرکزی مجبور است اقداماتی را انجام دهد که با اهداف خود در تضاد است. برای اینکه هدف‌گذاری تورمی در ایران موفق باشد، نیاز است که تمامی نهادها و تصمیم‌گیرندگان به طور متعهد برای رسیدن به آن هدف عمل کنند. بدون این تعهد و همکاری، دستیابی به اهداف تورمی به یک چالش بزرگ تبدیل خواهد شد و احتمال موفقیت آن به شدت کاهش می‌یابد.

در همین راستا، دولت چه حمایت‌هایی می‌تواند از بانک مرکزی داشته باشد تا استقلال و اختیارات آن افزایش یابد و اعتبار

سیاست‌گذاری بانک مرکزی به ریل اصلی خود بازگردد؟

یکی از اقداماتی که باید انجام شود، برقراری رابطه مالی صحیح بین دولت و بانک مرکزی است. این رابطه در حال حاضر می‌تواند بانک مرکزی را در اجرای سیاست‌های خود خنثی کند. بنابراین، ابتدا باید این مسئله به درستی ساماندهی و سپس اصلاحات لازم در ساختار بانک مرکزی انجام شود. نکته دوم این است که بانک مرکزی باید به لحاظ ساختاری از فضای بانکداری خارج شود و نقش نظارتی خود را تقویت کند. در حال حاضر، بانک مرکزی ممکن است به مصلحت‌های کوتاه‌مدت فکر کند و این نگرش تبعات منفی خود را در افزایش تورم نشان می‌دهد. اگر بانک مرکزی مستقل و قدرتمند باشد و نظارت سفت و سختی داشته باشد، می‌تواند به طور مؤثری در کنترل تورم عمل کند. سومین موضوع این است که اگرچه تورم در ادبیات اقتصادی به بانک مرکزی مربوط می‌شود، اما در واقع برآیند کلی اقتصاد است و تمامی سیستم‌ها باید خود را با سیاست‌های بانک مرکزی هماهنگ کنند. در حال حاضر، این وضعیت در کشور ما به گونه‌ای است که سیاست‌های دولت و نهادهای شبه دولتی به بانک مرکزی تحمیل می‌شود. اگر این تحمیل‌ها کاهش یابد و بانک مرکزی بتواند به‌طور مستقل عمل کند، می‌تواند به یکی از ارکان اصلی کنترل تورم در کشور تبدیل شود.

یکی از مواردی که همواره در تأثیرگذاری آن بر تورم تأکید می‌شود، کسری بودجه است که به ویژه بر عملکرد بانک‌ها تأثیر می‌گذارد. نقش کسری بودجه را در ماندگاری تورم تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟ آیا موافقتی که برخی، دلیل اصلی تورم را اساساً همین کسری بودجه معرفی می‌کنند؟

بله، کسری بودجه یکی از دلایل اصلی و مؤثر در ایجاد و ماندگاری تورم است. کسری بودجه معمولاً منجر به رشد نقدینگی می‌شود که این خود به افزایش قیمت‌ها و در نتیجه تورم دامن می‌زند. این موضوع به ویژه زمانی مشکل‌ساز می‌شود که دولت برای تأمین کسری خود به انتشار اوراق قرضه یا استقراض از بانک‌ها روی می‌آورد. در این حالت، بانک‌ها این اوراق را خریداری کرده و در نهایت به بانک مرکزی منتقل می‌کنند، که منجر به ایجاد یک سیکل معیوب می‌شود. اگر رابطه



تحریم‌ها
می‌توانند به
کاهش تولید
اختلال در
زنجیره تأمین
و افزایش
هزینه‌ها منجر
شوند که در
نهایت به
افزایش نرخ
تورم دامن
می‌زند

انتشار اوراق، دولت باید به سرمایه‌گذاران بهره پرداخت کند. این بهره، به ویژه در شرایطی که نرخ بهره در بازار بالا باشد، می‌تواند بار مالی قابل توجهی بر دوش دولت بگذارد. علاوه بر این، انتشار اوراق برای تأمین کسری‌های بودجه می‌تواند مانع جدی برای کاهش نرخ بهره و با ضربی موجب خلق پول شود. این بدان معناست که در نهایت، انتشار اوراق نه تنها به حل مشکل کسری بودجه کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند شرایط را بدتر کند.

توصیه جناب عالی به بانک مرکزی در راستای کنترل تورم چیست؟

بانک مرکزی باید به طور جدی به عوامل داخلی و بیرونی تأثیرگذار بر تورم توجه کند. در این راستا، پیشنهاد می‌کنم که اهداف بانک مرکزی بر اساس انتظارات تورمی تعریف شود. این انتظارات می‌توانند به طور مستقیم بر تورم واقعی تأثیر بگذارند و در نتیجه، مدیریت آنها می‌تواند گام اول و بسیار مهمی در کنترل تورم باشد. برای این منظور، بانک مرکزی می‌تواند سیاست‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کند که انتظارات تورمی را مدیریت کند، حتی اگر این اهداف به طور عمومی اعلام نشوند. دومین اقدام مهم، تقویت رفتار نظارتی بانک مرکزی بر سیستم بانکی و تعامل آن با دولت است. بانک مرکزی باید افق زمانی بلندمدت‌تری را در نظر بگیرد، زیرا کنترل تورم و نقدینگی نیاز به زمان دارد و نمی‌توان انتظار داشت که نتایج فوری حاصل شود. یکی از سیاست‌هایی که بانک مرکزی در راستای کنترل نقدینگی اتخاذ کرده، کنترل ترازنامه بانک‌ها است. اگرچه این اقدام در نگاه اول مثبت به نظر می‌رسد، اما ممکن است تبعات منفی بر اقتصاد واقعی داشته باشد، زیرا رفتار بانک‌ها تغییر نمی‌کند و ارتباط آنها با دولت همچنان به صورت سابق باقی می‌ماند. این وضعیت می‌تواند به تضعیف بخش واقعی اقتصاد منجر شود، در این شرایط نرخ تأمین مالی بخش حقیقی به ۴۰ تا ۴۵ درصد رسیده که اصلاً خوب نیست. بنابراین، کنترل انتظارات تورمی باید به عنوان هدف اول بانک مرکزی قرار گیرد و این امر نیازمند همکاری دولت است تا بارهای مالی دولت بر دوش بانک مرکزی نیفتد. این همکاری می‌تواند به کنترل بهتر تورم منجر شود. با این حال، برای حفظ نرخ‌های تورم در سطوح بلندمدت، نیاز به اقداماتی فراتر از اختیارات بانک مرکزی وجود دارد که باید در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

مالی دولت با سیستم بانک مرکزی به درستی اصلاح شود، می‌توان از سربایت این مشکلات به سیستم اقتصادی جلوگیری کرد. به عبارت دیگر، اگر دولت بتواند کسری بودجه خود را به طور مؤثر مدیریت کند و از روش‌های ناپایدار تأمین مالی پرهیز کند، می‌تواند تأثیرات منفی کسری بودجه بر تورم را کاهش دهد.

نقش تحریم‌ها را تا چه اندازه مؤثر ارزیابی می‌کنید و در صورت رفع ویا کاهش تحریم‌ها، آيا می‌توانیم شاهد کاهش نرخ تورم باشیم؟

تحریم‌ها تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد کشور دارند و به ویژه آثار آنها بیشتر در بخش عرضه اقتصاد نمایان می‌شود. این تحریم‌ها می‌توانند به کاهش تولید، اختلال در زنجیره تأمین و افزایش هزینه‌ها منجر شوند که در نهایت به افزایش نرخ تورم دامن می‌زند. با این حال، نباید انتظار داشته باشیم که رفع یا کاهش تحریم‌ها به طور معجزه‌آسا مشکلات تورمی ما را حل کند. در صورت رفع یا کاهش تحریم‌ها، می‌توان انتظار داشت که فروش نفت بهبود و درآمدهای ارزی دولت افزایش یابد. این موضوع می‌تواند به کاهش بار مالی دولت بر دوش بانک‌ها کمک کند و از این طریق، مقداری از خلق نقدینگی کنترل شود. در نتیجه، این اتفاقات می‌توانند به بهبود شرایط اقتصادی و کاهش فشارهای تورمی کمک کنند. با این حال، باید توجه داشت که مشکلات ساختاری و داخلی اقتصاد ما نیز بسیار پیچیده و عمیق هستند. بهم ریختگی‌های داخلی، عدم هماهنگی سیاست‌ها و ناهماهنگی‌های اقتصادی می‌توانند به طور مستقل از تحریم‌ها بر تورم تأثیر بگذارند. بنابراین، در حالی که رفع تحریم‌ها می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی کمک کند، اما به تنهایی نمی‌تواند مشکل تورم را حل کند و نیاز به اصلاحات اساسی در سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور نیز وجود دارد.

آیا انتشار اوراق برای جبران کسری بودجه به جای استقرار از بانک مرکزی می‌تواند راه‌حلی برای جلوگیری از آسیب زدن کسری بودجه به برنامه کنترل تورم باشد؟

انتشار اوراق به عنوان یک روش تأمین مالی می‌تواند در ظاهر کم هزینه به نظر برسد، اما در واقعیت این روش هزینه‌های قابل توجهی دارد. وقتی دولت از بانک مرکزی استقراض می‌کند، معمولاً بهره‌ای بر آن تعلق نمی‌گیرد، اما در مورد



محمد حسن آصفری، عضو کمیسیون شوراهاى مجلس یازدهم
در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

کسری بودجه عامل تخریب سیاست‌های کنترل تورم بانک مرکزی

- بودجه ناتراز برنامه‌های بانک مرکزی برای مهار تورم را بهم می‌ریزد
- اگر دولت به جای مدیریت منابع واقعی، به انتشار اوراق قرضه بپردازد، می‌تواند به تشدید تورم در جامعه منجر شود
- بانک مرکزی باید به عنوان یک نهاد مستقل و حکمرانی متعلق به کل نظام در نظر گرفته شود



در روزهای اخیر، دولت لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ را برای بررسی به مجلس ارائه کرده است. بودجه به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در مدیریت اقتصاد، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر زندگی مردم و فعالیت‌های اقتصادی دارد. از اینرو، اهمیت دارد که نمایندگان مجلس با دقت و آگاهی به تحلیل و بررسی این سند بپردازند و تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. تجربیات گذشته نشان می‌دهد که عدم هماهنگی بین منابع و مصارف، ناترازی بودجه و فشارهای مالی بر مردم، از جمله چالش‌های جدی بوده است که باید مورد توجه قرار گیرد. ضروری است که مجلس به دنبال راهکارهایی باشد که همزمان با تأمین منابع مالی، به قدرت خرید مردم آسیب نرساند. علاوه بر این، روشن کردن وضعیت پروژه‌های نیمه‌کاره و جلوگیری از اتلاف منابع، از دیگر مسائل مهمی است که باید در نظر گرفته شود.

همچنین، توجه به شفافیت در هزینه‌ها و ایجاد دسترسی عمومی به اطلاعات بودجه، می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی کمک کند. در گفت‌وگو با محمدحسن آصفری، عضو کمیسیون شوراها و مجلس یازدهم، به بررسی توصیه‌های کلیدی برای بهبود عملکرد بودجه و تأثیرات آن بر اقتصاد کشور پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

دولت در روزهای گذشته سند مالی سال آینده کشور را به مجلس ارائه کرد. با توجه به تجربیات شما، مهم‌ترین توصیه‌تان به مجلس در زمینه بودجه چیست و چه مسائلی در سال‌های اخیر در حوزه بودجه وجود داشته که باید ادامه پیدا کند و چه رویه‌هایی باید متوقف شود؟

مهم‌ترین نکته این است که منابع و درآمدها باید با یکدیگر هماهنگ باشند. نباید مصارف و هزینه‌ها را به گونه‌ای تعیین کنیم که منابع نتوانند پاسخگوی آنها باشند. دخل و خرج در بودجه باید همتراز باشد تا از بروز ناترازی جلوگیری شود. مصارفی که منابع آن مشخص نیست، می‌تواند به

تورم در جامعه و ناترازی در بودجه منجر شود. دومین موضوع این است که در تعیین منابع، باید به درآمد مردم توجه کنیم و صرفاً به افزایش مالیات‌ها نپردازیم، زیرا افزایش مالیات فشار بیشتری به مردم وارد می‌کند. این امر می‌تواند قدرت خرید مردم را کاهش دهد و در نهایت به افزایش تورم منجر شود. با توجه به سیاست ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم تلاش برای مهار تورم، این رویکرد نمی‌تواند مؤثر باشد. همچنین، باید تکلیف پروژه‌های نیمه‌کاره در کشور را روشن کنیم. اگر قرار است پروژه جدیدی در بودجه عمرانی مشخص و تصویب شود، منابع آن باید به طور واضح تعیین شود و باید تلاش کنیم پروژه‌های نیمه‌کاره‌ای که برخی از آن‌ها بیش از ۱۰ یا ۱۲ سال از آغازشان گذشته، به اتمام برسند. موضوع دیگر، تسعیر ارز است. باید از بروز ناترازی در بودجه جلوگیری کنیم و از آنجا که تسعیر ارز می‌تواند قیمت ارز را افزایش دهد، باید وضعیت منابع را به طور شفاف روشن کنیم. علاوه بر این، برنامه بودجه باید بر اساس برنامه هفتم توسعه کشور نوشته شود و نباید احکام خلاف برنامه توسعه کشور در بودجه گنجانده شود. احکامی که در برنامه هفتم آمده، باید تعیین تکلیف شوند. همچنین، باید به این نکته توجه کنیم که برنامه ششم توسعه کشور کمتر از ۳۰ درصد پیشرفت داشته و اگر وضعیت برنامه هفتم نیز مشابه برنامه ششم باشد، مشکلات بیشتری ایجاد خواهد کرد. در نهایت، لازم است سیاست‌های تشویقی برای تولیدکنندگان در بودجه در نظر گرفته شود تا اشتغال پایدار و تولید افزایش یابد. باید سیاست‌های تشویقی برای ارزآوری در کشور فراهم کنیم تا صادرکنندگان بتوانند اشتغال و درآمد پایدار ایجاد کنند.

همچنین، نباید موضوعات غیر بودجه‌ای را در بودجه بگنجانیم، هدف ما تصویب بودجه است، نه قانون‌نویسی. لذا باید احکام و مسائلی را در بودجه بگنجانیم که مرتبط با آن باشد و از قطور شدن کتاب بودجه جلوگیری کنیم. مورد دیگر، شفافیت در هزینه‌ها است. این موضوع بسیار اساسی است و باید شفافیت لازم در درآمدها و مصارف وجود داشته باشد. باید یک پنجره واحد ایجاد کنیم تا مردم بتوانند به بودجه دسترسی داشته باشند و با این شفافیت، از هرگونه سوءاستفاده در بودجه جلوگیری کنیم.

ایران دارای مطالبات مالی قابل توجهی از برخی کشورها است و در صورتی که دولت و دستگاه دیپلماسی بتوانند از طریق رایزنی‌های دیپلماتیک این مطالبات را وصول کنند می‌تواند تأثیر بسزایی بر تأمین مالی کشور داشته باشد



دولت‌ها هنگام ورود به قدرت کمبودها و مشکلات خود را به گردن بانک مرکزی می‌اندازند که این امر می‌تواند مشکلات بیشتری در جامعه ایجاد کند

کسری بودجه چگونه می‌تواند ضد سیاست‌های کنترل تورم بانک مرکزی عمل کند؟

زمانی که ناترازی در بودجه ایجاد می‌شود، دولت ناچار به قرض گرفتن از بانک‌ها و بانک مرکزی می‌شود. این مقروض کردن دولت به بانک مرکزی می‌تواند منجر به ایجاد پول بدون پشتوانه شود. به عبارت دیگر، وقتی دولت برای تأمین کسری بودجه خود از بانک مرکزی استقراض می‌کند، بانک مرکزی مجبور می‌شود پول جدیدی چاپ کند که پشتوانه‌ای ندارد. این فرآیند به طور مستقیم به افزایش نقدینگی در اقتصاد منجر می‌شود. پول بدون پشتوانه که در جامعه توزیع می‌شود، به شدت می‌تواند باعث تورم شود. افزایش نقدینگی بدون افزایش تولید و عرضه کالاها و خدمات، به معنای افزایش تقاضا بدون تأمین کافی عرضه است که در نهایت به افزایش قیمت‌ها و تورم منجر می‌شود. این وضعیت نه تنها کنترل تورم را دشوار می‌کند، بلکه مشکلات اقتصادی بیشتری برای دولت ایجاد می‌کند. آقای پزشکیان نیز به درستی تأکید کردند که باید بر اساس منابع واقعی کار کرد و نه اینکه به فروش اوراق قرضه بدون پشتوانه روی آورد. اگر دولت به جای مدیریت منابع واقعی، به انتشار اوراق قرضه بپردازد و اجازه دهد هر دستگاهی اوراق بگیرد، در واقع خود را بیشتر بدهکار می‌کند و این اقدام می‌تواند به تشدید تورم در جامعه منجر شود. در این شرایط، بانک مرکزی مجدداً ملزم به چاپ پول و اسکناس بدون پشتوانه می‌شود که این امر به طور جدی با سیاست‌های کنترل تورم در تضاد است. در نتیجه، کسری بودجه می‌تواند به عنوان یک عامل مخرب در سیاست‌های کنترل تورم بانک مرکزی عمل کند و نیاز است که دولت به دنبال مدیریت منابع واقعی و کاهش ناترازی در بودجه باشد تا از بروز این مشکلات جلوگیری کند.

با توجه به اینکه تأمین مالی کشور ما بانک‌محور است و اقتصاد ایران به استفاده از منابع بانکی عادت کرده است، کدام ظرفیت‌ها به غیر از بانک می‌توانند در بودجه فعال شوند تا اقتصاد ایران بتواند تأمین مالی کند؟

یکی از ظرفیت‌های مهم، سرمایه‌گذاری

خارجی است. برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، لازم است که در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی تلاش کنیم تا تنش‌هایی را کاهش و قدرت دیپلماسی اقتصادی خود را توسعه دهیم. برقراری ارتباطات مؤثر با کشورهای دیگری می‌تواند به عنوان یک پشتوانه مالی برای بانک مرکزی عمل کند. ایران دارای مطالبات مالی قابل توجهی از برخی کشورها است که به ده‌ها میلیارد دلار می‌رسد. در صورتی که دولت و دستگاه دیپلماسی بتوانند از طریق رایزنی‌های دیپلماتیک این مطالبات را وصول کنند، این امر می‌تواند تأثیر بسزایی بر تأمین مالی کشور داشته باشد. علاوه بر این، توجه به مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری نیز یک مسئله مهم است. افزایش اعتماد عمومی به بورس و سایر نهادهای سرمایه‌گذاری می‌تواند به جذب سرمایه‌های مردمی کمک کند. اگر مردم به فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور اعتماد کنند، این امر می‌تواند به عنوان یک پشتوانه مالی قوی برای اقتصاد عمل کند.

برخی بودجه را دارای آثار تورمی، به ویژه در تشدید انتظارات تورمی می‌دانند و معتقدند که تحلیل‌های نادرست از سند مالی دولت ممکن است به افزایش این انتظارات در جامعه منجر شود. بانک مرکزی نیز به نوعی نگران این موضوع است. در این زمینه چه توصیه‌ای به تحلیل‌گران دارید تا از بروز اشتباهات جلوگیری کرده و انتظارات تورمی را در جامعه افزایش ندهند؟

زمانی که در بودجه به طور غیر واقعی منابع مالی پیش‌بینی می‌شود و نمایندگان پیشنهاداتی را ارائه می‌دهند که منابع تأمین آنها مشخص نیست، این موضوع دولت را ناچار می‌کند که به افزایش مالیات‌ها روی آورد. این امر می‌تواند به افزایش تورم در جامعه منجر شود و همچنین باعث بی‌اعتمادی مردم نسبت به بودجه خواهد شد، زیرا چنین بودجه‌ای قابلیت اجرایی و عملیاتی ندارد. بنابراین، ضروری است که بودجه‌ای تدوین شود که امکان اجرای واقعی و عملیاتی شدن آن فراهم باشد.

دولت باید با
بانک مرکزی
همکاری کند
تا هماهنگی
و هم‌افزایی
لازم برای
بهبود وضعیت
اقتصادی ایجاد
شود

نباید صرفاً به این نگاه کند که مسئولیتش موقتی است، بلکه باید اقداماتی را اجرایی کند که منجر به تورم و فشار بر جامعه نشود. اگر یک مدیر بانک مرکزی به‌خاطر حفظ موقعیت خود، به تمامی دستورات غیرعملی دولت تمکین کند، این امر می‌تواند به بروز مشکلات جدی برای بانک مرکزی و فشار بر مردم منجر شود. بنابراین، ضروری است که مدیران بانک مرکزی با استقلال و قاطعیت عمل کنند و تصمیمات خود را براساس اصول اقتصادی و منافع بلندمدت کشور اتخاذ نمایند. این رویکرد نه تنها به ثبات اقتصادی کمک می‌کند، بلکه اعتماد عمومی را نیز تقویت خواهد کرد.

در پایان چه توصیه‌ای به بانک مرکزی برای بهبود عملکرد این نهاد دارید؟

توصیه من به بانک مرکزی این است که در حوزه نظارت بر بانک‌ها، جدیت بیشتری به خرج دهد و اجازه ندهد که بانک‌ها یک‌تازی کنند. افزایش سود بانکی می‌تواند مشکلات جدی برای مردم ایجاد کند و قدرت خرید آنها را کاهش دهد. بنابراین، انتظار می‌رود که بانک مرکزی اقداماتی انجام دهد که هم نظارت مؤثری بر بانک‌ها داشته باشد و هم آنها را ملزم کند که به تولید توجه بیشتری داشته باشند. بانک مرکزی باید از بنگاه‌داری که برخی بانک‌ها انجام می‌دهند، جلوگیری کند و نظارت خود را بر فعالیت‌های آنها افزایش دهد. این نهاد باید اطمینان حاصل کند که بانک‌ها منابع مالی مردم را صرفاً در فعالیت‌های دلالی و بنگاه‌داری فریز نکنند و به جای آن، این منابع را به سمت تولید، مسکن، ازدواج و فرزندآوری هدایت کنند. این رویکرد نه تنها به بهبود عملکرد بانک‌ها کمک می‌کند، بلکه به رشد و توسعه اقتصادی کشور نیز منجر خواهد شد.

یکی از مشکلات بزرگ اقتصاد ما عدم هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی است که میان دولت و بانک مرکزی وجود دارد. سلطه سیاست‌های دولت بر بانک مرکزی باعث می‌شود برخی اقدامات بانک مرکزی تأثیر خود را از دست بدهند و یا کم‌اثرتر شوند. در این زمینه چه توصیه‌ای به دولت دارید؟

بانک مرکزی نباید تحت سلطه قوه مجریه قرار گیرد و دولت نمی‌تواند هر حکمی را برای آن در نظر بگیرد. در قانون، شورایی مشخص شده است که باید تصمیم‌گیری‌ها را انجام دهد و این نشان‌دهنده ظرافت قانون در این حوزه است. متأسفانه، دولت‌ها هنگام ورود به قدرت، کمبودها و مشکلات خود را به گردن بانک مرکزی می‌اندازند که این امر می‌تواند مشکلات بیشتری در جامعه ایجاد کند. بنابراین، بانک مرکزی باید به عنوان یک نهاد مستقل و حکمرانی متعلق به کل نظام در نظر گرفته شود. نباید احکامی صادر کنیم که نظام بودجه‌ریزی، مالی و پولی کشور را با چالش و مشکل مواجه کند. در عوض، دولت باید با بانک مرکزی همکاری کند تا هماهنگی و هم‌افزایی لازم برای بهبود وضعیت اقتصادی ایجاد شود.

در خصوص ثبات مدیریتی در بانک مرکزی چه نظری دارید؟

ثبات مدیریتی در بانک مرکزی از اهمیت بالایی برخوردار است. یک مدیربانک مرکزی که با ثبات و برنامه‌ریزی عمل کند، می‌تواند اعتماد مردم را برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی افزایش دهد و در این زمینه تأثیرگذار باشد. مدیربانک مرکزی





مجید شاکری، پژوهشگر حوزه پول و ارز
در نشست اندیشکده موسسه بازار پول و ارز مطرح کرد:

ترسیم نقشه راه سیستم ارزی موفق در اقتصاد ایران

- در راستای اجرای سیاست ارزی مطلوب، باید به مسئله تجارت دو جانبه توجه شود
- برای تحلیل سیاست ارزی ایران، باید به سه مقوله سیاست کنترل حساب سرمایه، سیاست توسعه صنعتی و سیاست های خارجی توجه شود
- سیاست ارزی صرفاً در دست بانک مرکزی نیست و نیاز است اقدامات مکملی در حوزه ساختار احیای پرداخت های رسمی خارجی انجام شود
- سیاست کنترل ترانزنامه بانک مرکزی جلوی افزایش نرخ ارز را گرفت

کردن کامل حساب سرمایه قبل از انقلاب و اثرات آن مورد بررسی قرار گرفت. شاکری بانگهی به سیاست کنترل ترانزنامه، ابعاد مختلف مثبت و منفی سیاست مذکور را بیان کرد و سپس مسائل مربوط به نقش نرخ ارز پایین در فشار خروج سرمایه، نقشه ارزی منابع و مصارف ایران و همچنین محدودیت های کانال های ایجاد شده را شرح داد. در این نشست، ضمن تشریح جزئیات انتظارات اثرگذار بر نرخ ارز در قالب انتظارات واردکنندگان، پیشنهادات سیاستی برای اجرای یک سیاست ارزی مطلوب ارائه شد. نوشتار حاضر، خلاصه ای از این نشست است.

نشستی با عنوان "سیاست ارزی پیشنهادی برای دولت چهاردهم"، در محل اندیشکده پول و ارز (وابسته به موسسه مطبوعاتی بازار پول و ارز) برگزار شد. در این نشست، دکتر مجید شاکری (پژوهشگر حوزه پول و ارز) به بیان اهمیت اقتصاد پولی و وجود نظام بانکی متمرکز و غیر متمرکز در ایران پرداخت و سپس اثرگذاری سیاست ارزی بر سیاست گذاری پولی و نقش جهش نرخ ارز در اثرگذاری سیاست پولی را بررسی کرد. پس از آن درباره ویژگی های سیاست گذاری پولی در ایران و شرایط ایجاد بازار ارز پیوسته بحث و تبادل نظر شده و شواهد تاریخی سیاست باز

نرخ ارز در سیاست‌های کلان اقتصادی متغیری مهم است و انتخاب نظام ارزی و تعیین نرخ ارز، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در آن دارد. نکته درخور توجه در تعیین نرخ ارز آن است که انبوهی از منافع متضاد در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و در چنین شرایطی، تعیین نرخ ارز به آسانی میسر نخواهد بود. دولت، در کنار دیگر کنشگران، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز است. برای تحلیل سیاست ارزی ایران، باید به سه مقوله سیاست کنترل حساب سرمایه، سیاست توسعه صنعتی و سیاست‌های خارجی توجه شود. نقشه راه موفقیت سیستم ارزی در ایران به‌احیای ساختار پرداخت رسمی برمی‌گردد که در ادامه نوشتار به‌آن بیشتر پرداخته خواهد شد.

انگیزای سیاست ارزی بر سیاست‌گذاری پولی در ایران

در ایران، اقتصاد پولی صورت خاص خود را دارد، بدین معنی که نظامی به‌شدت متمرکز با ویژگی‌های خاص خود و از نظر نظارتی غیرمتمرکز است. مشاهده می‌شود در ایران اراده سیاست‌گذاری پولی نیز کاملاً تحت تأثیر سیاست ارزی است. در حقیقت بزرگ‌ترین اقدامات و اصلاحات تحت تأثیر سیاست ارزی شکل خواهد گرفت. فرض کنید اگر تمام دارایی‌های بانک‌ها را جمع‌آوری کرده و خریداری کرده باشید، در چنین شرایطی هزینه اقتصادی و اجتماعی را پرداخته کرده‌اید اما تحت‌اثراولین شوک ارزی همه از دست خواهد رفت. در ادبیات اقتصادی بسیار توصیه می‌شود که به‌جز تعیین لنگرنسی در حوزه پولی، (فرقی هم نمی‌کند کنترل بهره باشد و یا غیره) حتماً باید دولت یک هدف‌گذاری نسبی در حوزه نرخ ارز داشته باشد. در کشورهایی که در هرم پولی بالا قرار ندارند و ارز آنها ثابت کمی دارد، بانک مرکزی باید هدف‌گذاری مناسبی برای تعیین نرخ ارز داشته باشد. یک اصل در اقتصاد وجود دارد که می‌گوید برای کشوری که در راس هرم پولی جهانی نیست، هیچ‌وقت بازار ارز تشکیل نمی‌شود، مگر آنکه شما دئو نوع بازگردان این بازار داشته باشید. یک سری بازیگر مانند صندوق‌ها که تعهدات خود را از دو طرف می‌بندند و البته این بازیگر نیازمند بازیگر دیگری است که باید در موقعیت ارز ملی کشور به اصطلاح در موقعیت خرید بایستد. یعنی بتواند دارایی خود را افزایش دهد و به بازیگر دیگر قدرت این را بدهد تا ارز ملی خود را در بلندمدت و یا کوتاه‌مدت هج (hedging) کند، اما غالباً مشاهده می‌شود بازیگری در این اقتصاد این چنین نقشی را ایفا نمی‌کند. حتی در ارزهایی که قوی هستند، ولی در جایگاه بالای جهان نیستند (مانند ریال عربستان) این قضیه صدق می‌کند.

شرایط ایجاد بازار ارز پیوسته

اگر بانک مرکزی در بازار ارز حاضر نباشد و هدف‌گذاری نداشته باشد، چیزی به اسم بازار ارز پیوسته، متولد نخواهد شد. در این شرایط تفکراتی که بگوید بانک مرکزی تابع نرخ بازار باشد معنا نخواهد داشت، زیرا اصلاً چنین بازاری وجود ندارد. پس چنین مسئله‌ای که بانک مرکزی تعیین‌کننده باشد، اساساً موضوعیت ندارد. بازار ارز تهران بسیار به لحاظ اطلاعاتی گاراست و مهم‌ترین سیگنالی که به عنوان ابزار اطلاعات به افراد می‌دهد این است که حجم معاملات طی یک ساعت چقدر است. پس آثاری می‌توانیم بگوییم در کشوری مانند ایران رژیم ارزی وجود دارد که فلو (سیستم شناور مدیریت شده) و در حال نوسان باشد؟

۷۳ کشور صراحتاً اعلام می‌کنند سیستم ارزی شناور مدیریت شده دارند، اما وقتی در بازی هر یک دقت شود، مشاهده می‌شود بدین شکل نیست که در همه حال ثابت و تحت اثر بازار باشد. صرفاً مشاهده می‌کنید حدود نوسان آنها متناسب با بازار اصلی است. حتی ارزهایی که از آنها به عنوان فلویت یاد می‌شود و با ایران رابطه دارند هم رها نیستند و در یک بازه‌ای نوسان دارند. پس این تصور که در جهان واقعی نه جهان رسانه‌ای، اساساً یک دوقطبی وجود دارد که یک سمت آن، ابزار آهنگ برای نظارت دقیق و در سمت مقابل، رها کردن ابزارهای بانک مرکزی و سپردن نرخ ارز به بازار بوده، در جهان واقع امکان‌پذیر نیست. همه کشورها یک بازه را متناسب با شرایط خود قرار می‌دهند. اگر به عنوان یک کشوری که در پایین هرم پولی جهان قرار گرفتیم، اینگونه باشد که بانک مرکزی ایران حتماً باید هدف‌گذاری سیاست ارزی داشته باشد و متناسب با قاعده تردید جهانی وارد بازی شود و کیدوری بسازد تا بآن کار کند، آن‌وقت در سه‌گانه ناممکن، از بین حساب سرمایه باز و سیاست ارزی مستقل و نرخ ارز با نوسان کم، یک مورد را نمی‌توانیم انتخاب کنیم و حتماً آن چیزی که نمی‌توانیم روی آن بایستیم نرخ ارز فلویت است. پس در کشوری مانند ایران حتماً یک حد وسطی از حساب سرمایه باز نیاز است، وجود داشته باشد، فارغ از اینکه وضعیت ارزی خوب یا بد باشد. در همین حالت کنونی نیز به‌خاطر نفت، تأمین مالی مستقل سخت‌تر از سایر کشورهاست. پس قواعد بستن حساب سرمایه اعم از چگونگی انعقاد و میزان گارامد بودن آن کاملاً مربوط به ذات اقتصاد ایران است.

شواهد تاریخی سیاست باز کردن کامل حساب سرمایه قبل از انقلاب و اثرات آن

بخش مهمی که درباره ادبیات حساب سرمایه در ایران وجود دارد مربوط به سال ۱۳۵۳ است، زمانی

یکی از
مزیت‌های
کنترل ترازنامه و
کاهش نرخ رشد
تقدیرنگی این
است که مانع
افزایش نرخ ارز
شده و شرایطی
را فراهم کرده تا
جلوی رشد تورم
گرفته شود





هر چند ممکن است، نقدهایی به عملکرد سیاست تثبیت وجود داشته باشد، اما در هر صورت می‌توان گفت سیاست کنترل ترازنامه تا حدودی بانک مرکزی را به اهداف خود نزدیک کرده است

سیاست کنترل ترازنامه به رغم نقدهایی که به آن وارد است، از این جهت که بانک مرکزی به آن پایبند مانده یک سیاست موفقیت‌آمیز به شمار می‌رود.

نقش نرخ ارز پایین در فشار خروج سرمایه

دو نگاه متفاوت به اینکه بازار ارز در ایران چطور کار می‌کند وجود دارد، اولاً اگر شما یک کشوری باشید که برنرخ پایین تراز نرخ تعادلی قرار داشته باشید با اعمال فشار، ذخایر کشور تخلیه می‌شود و یک جایی تسلیم خواهید شد. دوم اینکه شما اگر رشد نقدینگی یا رشد تورم بالایی داشته باشید و عدم تناسب نسبی در حوزه نرخ بهره وجود داشته باشد، رویکرد پولی به نرخ ارز و رویکرد دارایی به نرخ ارز کار می‌کند، یعنی اگر رشد نقدینگی زیاد باشد و نرخ بهره کم باشد بازار تحت فشار قرار خواهد گرفت، اما اینها همه آنچه که وضعیت ما را توضیح می‌دهد نیست پس وقتی کنترل ترازنامه اعمال شود فلش و نیروی روبه پایین در حوزه نرخ ارز به وجود خواهد آمد، بدون اینکه تنها عامل تعیین‌کننده این باشد. اگر انتظارات به طرز غیرعادی شکل بگیرد و هجومی در بازارهای ارز رخ دهد، دو درصد هم کافی است که بازار ارز با جهش مواجه شود، اما اساساً در وضعیتی که شما جلوی رشد نقدینگی را گرفته‌اید و نیاز به تامین سرمایه در گردش شرکت‌ها و فعالان اقتصادی باید از محل سود خودشان یا موجودی نقد خودشان یا با نرخ‌های بهره بالاتر از بازار آزاد تامین شود به طور طبیعی شانس اینکه دو درصد تجمع شود کمتر از وضعیتی است که وجود ندارد.

معضل سیستم ارزی ایران

معضل سیستم ارزی ایران را می‌توان اینطور بیان کرد که منابع ایران به صورت یوان وارد می‌شود و با واحد درهم معامله می‌شود و با ترازنامه یک بانک یوانی کار می‌کند. به طور میانگین، منابع کشور عموماً ۷۵

که درآمدهای ارزی ایران به شدت بالا بوده است. در آن زمان وزارت اقتصاد وقت بر باز کردن حساب سرمایه تاکید داشته و در مقابل آن رئیس بانک مرکزی وقت مخالفت شدیدی بر این امر داشته است. اما با اصرارها، این حساب باز شد و بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ شروع به اخذ وام‌های کلان کردند و عملاً اختیار سیاست پولی از دست بانک مرکزی خارج شد. به دنبال آن، کشور با رشدهای نجومی و غیرعادی پایه پولی و نقدینگی در سال ۱۳۵۵-۱۳۵۳ روبه‌رو شد که به دامنه ۴۰ درصد نیز رسید. پس به وجود یک حدی در هدف‌گذاری حساب سرمایه و نرخ ارز ناچاریم اما باید درباره جزئیات فنی و روش‌های آن بحث و بررسی بیشتری صورت گیرد.

جایگاه کنترل ترازنامه بر رشد نقدینگی

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های بانک مرکزی در سال‌های اخیر، موضوع سیاست کنترل ترازنامه بانک‌هاست که تا حدی توانسته جلوی رشد نقدینگی را بگیرد و یک فلش روبه پایین برای نقدینگی به شمار می‌رود، هر چند ممکن است، نقدهایی به عملکرد سیاست تثبیت وجود داشته باشد، اما در هر صورت می‌توان گفت سیاست کنترل ترازنامه تا حدودی بانک مرکزی را به اهداف خود نزدیک کرده است، چرا که سیاست کنترل ترازنامه موفق شده نرخ رشد نقدینگی را کاهش دهد. بنابراین یکی از مزیت‌های کنترل ترازنامه و کاهش نرخ رشد نقدینگی این است که مانع افزایش نرخ ارز شده است. همچنین سیاست کنترل ترازنامه شرایطی را فراهم کرده تا جلوی رشد تورم گرفته شود و هم‌اکنون نرخ تورم روند نزولی را طی می‌کند. همچنین اثر مثبت این سیاست، جلوگیری از رشد بالای نقدینگی بوده و اثر منفی آن می‌تواند، بیرون راندن بخش خصوصی از جمع متقاضیان اعتبار باشد. باید دقت کرد که

باید دقت کرد
که سیاست
کنترل ترازنامه
به رغم نقدهایی
که به آن وارد
است، از این
جهت که بانک
مرکزی به آن
پایبند مانده
یک سیاست
موفقیت آمیز به
شمار می رود

محل بخش هایی از اقتصاد کنترل می شود. ویرانه ای که باقی می ماند یوان و درهم است. به قدری این ساختار شکننده است که هر جایی که تنش باشد، گرفتار می شوید. در اسفند ۹۸ شاهد شیوع پاندمی کووید-۱۹ بودیم. اما رشد قیمت در تهران که از بهمن ماه همان سال آغاز شده بود، به دلیل کووید-۱۹ و متوقف شدن فرایند تجاری در چین، سبب شد، روش تبدیل تجاری یوان به درهم متوقف شود. در نتیجه با اثرات اقتصادی ناشی از کووید-۱۹، تقریباً ۴۰ روز زودتر از ورود کووید-۱۹ به ایران مواجه شدیم. این اتفاق زمانی رخ می دهد که بر ساختار غیررسمی شکننده سرمایه گذاری می کنیم.

سیاست گذاری ارزی بر قیمت تمام شده

اگر ایران تصمیم دارد سیاست گذاری ارزی داشته باشد باید این سیاست گذاری را بر قیمت تمام شده اعمال کند. اکنون قیمت تمام شده ایران بدون هیچ سقفی با احتساب نیما، شبیه به تفاوت نرخ کالا در واردات قانونی و غیرقانونی است. وقتی سقف قیمت برداشته شود، صرفاً سهم افراد از این انتفاع جابه جایی می شود. از سوی دیگر اگر سقف نیما را برداریم، قیمت در بازار آزاد کاهش پیدای می کند، چرا که افرادی هستند که به خاطر سقف گذاری انگیزه عرضه ندارند. در نهایت در این روش توصیه می شود که سقف نرخ نیما برداشته شود. این اقدام سبب تک نرخی شدن، نمی شود اما منجر به کاهش فساد و برگرداندن حق سهامدار و بهبود سیاست گذاری و معنابخشی به مداخله خواهد شد.

اجرای یک سیاست ارزی مطلوب

در راستای اجرای سیاست ارزی مطلوب باید به مسئله تجارت دو جانبه توجه شود. منظور از حرکت به سمت تجارت دو جانبه، فقط چین نیست، مسئله این است که باید از چین شروع کنیم و به سایر کشورها ادامه یابد. هیچ چوب جادویی در حوزه انتقالات وجود ندارد که اوضاع را بهبود ببخشد. سیاست تجاری که به شما امکان صفر کردن مازاد حساب جاری را بدهد، در بطن خود یک سیاست صنعتی دارد. ایران اکنون با یک بحران روبهرو است. ایران مازاد حساب جاری بزرگ با افغانستان و عراق دارد که باید حل شود. ما باید برنامه توسعه صنعتی داشته باشیم که عراق و افغانستان را هم شامل شود تا بتوانیم این سیاست را اجرایی کنیم. سیاست ارزی صرفاً در دست بانک مرکزی نیست. نیاز است اقدامات مکملی در حوزه ساختار احیای پرداخت های رسمی خارجی انجام شود که بتوان سوال ارز را از یک سوال امنیتی سیاسی به یک سوال اقتصادی تبدیل کرد و این سوال اقتصادی را با سنجها و اقدامات اقتصادی کنترل کرد و به آن کریدور داد و هدف گذاری کرد.

درصد به یوان یا چیزی شبیه یوان تبدیل می شود و ۸۵ درصد مصارف ایران با واحد درهم است. فرآیند تبدیل واحد پولی در معاملات تحریمی هم به این صورت است که ریال ایران به درهم امارات تبدیل می شود، درهم امارات به دینار کویت و دینار کویت به دلار تبدیل می شود. چطور به دلار تبدیل می شود؟ یوان را به درهم، درهم را به یورو تبدیل کرده و یورو را از ویرانه باقی مانده از دوربردان های یوترن های آمریکایی به دلار تبدیل می کنیم و در نهایت از طریق کریدورها اقدام می کنیم. با وجود اینکه سهم درهم از پرداخت نهایی از واردات ایران ۸۵ درصد نیست حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد بسته به شرایط است، اما سهم آن از تصفیه ایران حدود ۸۵ درصد است. همین موجودی یوانی و خط تبدیل یوان به درهم و مصرف درهم، بحران را است.

انتظارات در اقتصاد ایران

معنی انتظارات در بازار ایران این نیست که خانوارها تلویزیون را روشن کنند، ببینند ترامپ رای می آورد و خروج سرمایه کنند، چرا که فردی که خروج سرمایه می کند، زمان بندی ندارد و صبر می کند تا زمانی که قیمت در حال بالا رفتن است خرید می کند و این فرد به احتمال زیاد واردکننده است، به ویژه واردکننده بزرگ. چرا که او اگر چنین ریسکی نپذیرد و در زمان مقرر تسویه حساب نکند، کل اعتبار خود را از دست می دهد. به همین خاطر واردکننده های بزرگی را داریم که پذیرفته اند با قیمتی بیش از بازار آزاد، کالایی را وارد کنند. انتظارات او است که قیمت را تغییر می دهد. این واردکننده چون در نقطه نزدیک به تخصیص ارز قرار دارد، اگر احساس کند مسیر درصدد مسدود شدن است، هر طور شده کالا را از بازار خریداری می کند. اگر بداند که مسیر تخصیص ارز وجود دارد، دلیلی برای این کار وجود ندارد.

وابستگی منابع به یوان چین و وابستگی مصارف به درهم امارات

در زمستان سال ۹۶، عدم تخصیص ارز سبب شد قیمت دلار پس از ثبات چند ساله به طور قابل توجهی افزایش پیدا کند. از تابستان سال ۹۶ دو اتفاق موازی رخ داد، از یک سو در ایران، مصوب شد برای کاهش وابستگی ایران به درهم، دیگر منابع درمی شارژ نشود. همزمان دو دیدگاه در بانک مرکزی وجود داشت. یک نگاه این بود که نمی توانیم قیمت را ثابت نگه داریم و باید بگذاریم قیمت به مرور زمان رشد کند. یک دیدگاه دیگر این بود که تحت عنوان "مداخله سوئیسی"، نرخ ارز نگهداری می شود. تحریم تقریباً کل ساختار پرداخت رسمی ایران را مختل می کند، به جز در بخش هایی که معافیت وجود دارد که از آن





طراحی استانداردهای جدید بانکداری

بانکداری تخصصی کلید کارآمدی بانکها

- یکی از مزایای تخصصی شدن بانکها، کارآتر شدن اثرگذاری سیاستهای پولی است
- بهبود امکان نظارت بانک مرکزی بر فعالیت بانکها یکی از دستاوردهای تخصصی شدن آنها است
- موضوع تخصصی شدن بانکها، مطالبه‌ای است که متخصصان این حوزه سال‌هاست بر آن تاکید دارند

بانک‌ها به سمت تخصصی شدن و تفکیک بانک‌ها براساس حوزه فعالیت‌های تخصصی است و بانک‌ها باید براساس گروه هدف و مشتریان و حوزه فعالیت، طبقه‌بندی شوند. برنامه بانک مرکزی

رئیس کل بانک مرکزی، چندی پیش در دیدار تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور بر لزوم تخصصی شدن بانک‌ها تاکید کرد. محمدرضا فرزین اعلام کرد که برنامه بانک مرکزی سوق دادن

۳۶



اقتصاد

● شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ ●

در حال حاضر
تمام بانک‌های
کشور یک نوع
فعالیت انجام
می‌دهند و این
باعث ایجاد
رقابت ناسالم
در بین آنها شده
است

جامع، قرض الحسنه و ...، معیارهای سنجش عملکرد هر یک از این بانک‌ها هم مشخص شده و کار بانک مرکزی برای نظارت بر شبکه بانکی به میزان چشمگیری کاهش خواهد یافت. تقویت نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها، دستاوردهای بسیاری به همراه دارد.

تخصصی شدن بانک‌ها، نوشداروی ناترازی

اولین و مهم‌ترین آسیب انحراف بانک‌ها از اهداف اولیه، ناتراز شدن و پدید آمدن فشار تورمی در اقتصاد است. تحمیل وظایف گسترده و بعضاً خارج از توان بانک‌ها، باعث بروز ناترازی شده که نتیجه بدیهی آن، رشد پایه پولی از محل افزایش اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و در نتیجه بروز تورم است. بر همین اساس، تخصصی شدن بانک‌ها و تدوین چارچوبی مشخص برای فعالیت و همچنین استانداردهای دقیق برای ارزیابی عملکرد هر نوع از بانک‌ها، مانع تداخل وظایف و در نتیجه مانع ناترازی بانک‌ها خواهد شد.

ارتقاء اثرگذاری سیاست پولی با تخصصی شدن بانک‌ها

مزیت مهم دیگر تخصصی شدن بانک‌ها، کاراتر شدن اثرگذاری سیاست‌های پولی است. در شرایطی که هریک از بانک‌ها کشور، دایره وظایف و ویژگی‌های مشخصی داشته باشند، بانک مرکزی در تنظیم‌گری نظام پولی، قواعد ناظر بر بانک‌ها را با در نظر گرفتن مختصات هر بانک تعیین می‌کند. این به معنای دقیق‌تر شدن سیاست پولی و در نتیجه کارآمدتر شدن آن است.

بانکداری تخصصی در انتظار ضوابط

اکنون و در شرایطی که هیچ قاعده مشخصی برای فعالیت بانک‌های تخصصی نیست، تمام قوانین، بخشنامه‌ها و دستورات ناظر بر شبکه بانکی، بدون رعایت وجوه تمایز بانک‌ها، تدوین بر تمامی شبکه بانکی حاکم است. تدوین چارچوبی مشخص برای فعالیت انواع بانک‌ها و تعریف استانداردهای سنجش و نظارت، پیش‌نیاز رسیدن به بانکداری تخصصی است. در همین رابطه، رئیس کل بانک مرکزی هم از تلاش این بانک برای فراهم کردن این پیش‌نیازها سخن گفته و وعده تغییر سازوکار نظارتی بانک مرکزی بر شبکه بانکی در آینده نزدیک را داده است.

در این زمینه ایجاد بانک‌های تخصصی تجاری، توسعه‌ای، جامع، آفشور و ... با اساسنامه متفاوت است. در حال حاضر، تمام بانک‌های کشور یک نوع فعالیت انجام می‌دهند و این باعث ایجاد رقابت ناسالم در بین آنها شده است و ادامه این روند به نفع بانک‌ها و اقتصاد کشور نیست، لذا با ایجاد بانک‌های تخصصی و با فعالیت‌های متفاوت که هر نوع بانک در حوزه فعالیت خود با بانک‌های هم‌نوع خود رقابت می‌کند، این مسئله را حل خواهیم کرد.

این چندمین باری است که رئیس کل بانک مرکزی از برنامه این نهاد برای تخصصی شدن بانک‌ها سخن می‌گوید. موضوع تخصصی شدن بانک‌ها، مطالبه‌ای است که متخصصان این حوزه سال‌هاست بر آن تأکید دارند. با وجود تأکیدات مکرر کارشناسان حوزه بانکی بر لزوم تخصصی شدن بانک‌ها و اهمیت این مسئله، اما هیچ‌گاه اقدامی جدی برای آن صورت نگرفته است.

نظام بانکی در ایران تاکنون پذیرای مسئولیت‌های مختلفی در قوانین و بخشنامه‌های مختلف بوده است. اعطای وام‌های ارزان قیمت برای ازدواج، فرزندآوری، مسکن و موارد دیگری نظیر مشارکت برای تأمین مالی طرح‌های بزرگ، بخشی از این مسئولیت‌هاست. این موارد جدای از مسئولیت‌هایی است که بانک‌ها در قبال مشتریان خود دارند و باید برای برآورده کردن آنها، فعالیت‌های مختلفی انجام دهند تا در نهایت با کسب سود، بتوانند از پس تعهدات خود نسبت به سپرده‌گذاران و سهامداران برآیند. همین تعدد وظایف بانک‌ها طبق اذعان کارشناسان و حتی مسئولان بانک مرکزی، به طور خودکار باعث انحراف آنها از اهداف اولیه و موارد مندرج در اساسنامه آنها شده است.

تقویت نظارت بانک مرکزی با تخصصی شدن بانک‌ها

یکی دیگر از دستاوردهای تخصصی شدن بانک‌ها، بهبود امکان نظارت بانک مرکزی بر فعالیت آنهاست. زمانی که چارچوب وظایف هر بانک به طور دقیق مشخص شود، بانک مرکزی کار راحت‌تری برای نظارت بر شبکه بانکی خواهد داشت. با تدوین چارچوب فعالیت انواع بانک‌ها اعم از توسعه، تجاری،





عقب نشینی از سیاست های ضد تورمی راهکار نیست

دلایل کُند شدن رشد اقتصادی در فصل تابستان

- با در نظر گرفتن برآوردهای پیشین از رشد ماهانه تیر و مرداد رشد اقتصادی کشور در کل تابستان امسال ۳.۱ درصد برآورد شد
- رشدهای دورقمی صنعت نفت و گاز باعث شده این صنعت به محدوده پیشینه تولید خود برسد و در نتیجه با کاهش چشمگیر نرخ رشد مواجه شود
- یکی از دلایل کُند شدن نرخ رشد اقتصادی کشور منفی شدن رشد بخش صنعت بوده است

۳۸



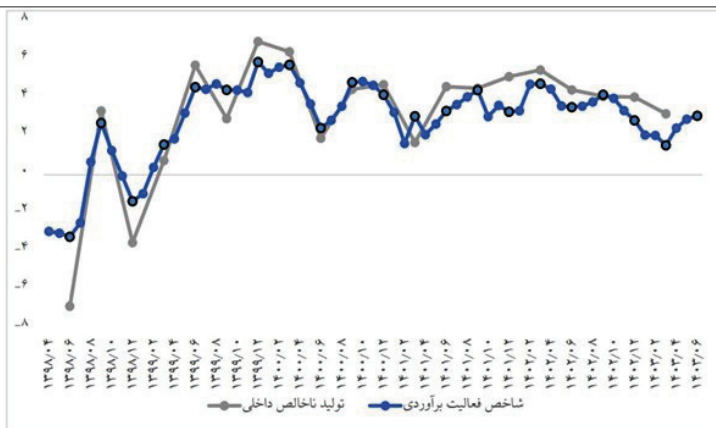
اقتصاد

• شماره ۶۶ - آبان ۱۴۰۳ •

تغییرات شاخص‌های فعالیت برآوردی بخش‌های مختلف اقتصادی

عنوان	رشد سه‌ماهه ^۱ منتهی به شهریور ۱۴۰۳			رشد ماهانه ^۲ منتهی به شهریور ۱۴۰۳		
بخش‌های اقتصادی	علامت رشد	مقدار برآورد	جهت تغییر نسبت به ماه قبل	علامت رشد	مقدار برآورد	جهت تغییر نسبت به ماه قبل
خدمات	مثبت	۳/۳	افزایشی	مثبت	۲/۹	افزایشی
صنایع و معادن	منفی	-۰/۴	افزایشی	منفی	-۰/۱	افزایشی
کشاورزی	مثبت	۱/۹	افزایشی	مثبت	۱/۲	کاهشی
نفت	مثبت	۱۲/۳	افزایشی	مثبت	۲/۰	کاهشی
تولید ناخالص داخلی	مثبت	۳/۱	افزایشی	مثبت	۰/۲	کاهشی

*رشد در هر دوره نسبت به مدت مشابه سال قبل محاسبه شده است.



مقایسه رشد (سه‌ماهه منتهی به ماه) شاخص برآوردی تولید ناخالص داخلی با مقدار محقق‌شده رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)

جدول ۱

تغییرات شاخص‌های
فعالیت برآوردی بخش‌های
مختلف اقتصادی

نمودار ۱

مقایسه رشد شاخص برآوردی
تولید ناخالص داخلی با
مقدار محقق‌شده رشد تولید
ناخالص داخلی

۳۹



اقتصاد

• شماره ۶۶- آبان ۱۴۰۳ •

مرداد، رشد اقتصادی کشور در کل تابستان امسال ۳.۱ درصد برآورد شد. بررسی جزئیات گزارش پژوهشکده پولی و بانکی نشان می‌دهد که رشد بخش کشاورزی در شهریورماه، ۱.۲ درصد و در کل فصل تابستان ۱.۹ درصد برآورد شده است. بخش صنایع و معادن هم در شهریورماه رشد منفی ۰.۱ درصدی و در کل فصل تابستان، رشد منفی ۰.۴ درصدی را تجربه کرد. بخش نفت و گاز در شهریورماه رشد ۲ درصدی و در کل فصل تابستان نیز رشد ۱۲.۳ درصدی داشته است. همچنین بخش خدمات در شهریورماه توانسته است تا رشد ۲.۹ درصدی را کسب کند. این بخش در کل فصل تابستان نیز رشد ۳.۳ درصدی داشت. (جدول ۱) (نمودار ۱)

پیش از این هم مرکز پژوهش‌های مجلس، برآوردی از رشد اقتصادی تابستان ارائه داده بود. طبق اعلام این مرکز، رشد اقتصادی کشور در شهریور سال ۱۴۰۳

با انتشار گزارش‌ها و برآوردهای جدید از رشد اقتصادی، برخی انتقادات از سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی مطرح شد. پس از آنکه مرکز پژوهش‌های مجلس برآورد خود از رشد تابستان را منتشر کرد، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی هم با انتشار گزارشی، برآورد رشد ماهانه شهریور و همچنین رشد کلی تابستان امسال را ارائه داد. صرف‌نظر از اختلافات همیشگی میان ارقام رشد، نقطه اشتراک هر دو گزارش، گند شدن نرخ رشد اقتصادی کشور در تابستان بود.

طبق برآورد پژوهشکده پولی و بانکی، رشد تولید ناخالص داخلی کشور در شهریور امسال نسبت به ماه مشابه سال گذشته، ۰.۲ درصد بود. با در نظر گرفتن برآوردهای پیشین از رشد ماهانه تیر و

رشد ارزش افزوده به تفکیک فعالیت های اقتصادی

رشد بخش	بهار ۱۴۰۲	تابستان ۱۴۰۲	سال ۱۴۰۲	بهار ۱۴۰۳	تابستان ۱۴۰۳	تیر ۱۴۰۳	مرداد ۱۴۰۳	شهریور ۱۴۰۳
گروه کشاورزی	۰.۶	۰.۱	۰.۲	۳.۱	۲.۷	۲.۸	۳	۲.۵
نفت و گاز طبیعی	۱۶.۵	۱۷.۸	۱۴.۷	۹.۵	۶.۵	۹	۵.۴	۵
گروه صنایع و معادن	۳.۸	۳.۷	۴.۵	۳.۶	-۰.۲	۱.۲	-۱.۵	-۰.۲
گروه خدمات	۵.۶	۳.۱	۳.۸	۱.۹	۲.۷	۱.۵	۴.۸	۱.۹
تولید ناخالص داخلی	۵.۷	۳.۸	۴.۵	۳.۲	۲.۴	۲.۲	۳.۱	۱.۹
تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)	۴.۶	۲.۷	۳.۶	۲.۵	۲	۱.۵	۲.۹	۱.۶



جدول ۲

رشد ارزش افزوده به تفکیک فعالیت های اقتصادی

نسبت به ماه مشابه سال گذشته، ۱.۹ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت نیز ۱.۶ درصد برآورد شد. نتایج برآوردهای این مرکز نشان می دهد در شهریور ۱۴۰۳، نسبت به ماه مشابه سال گذشته، ارزش افزوده بخش کشاورزی رشد ۲.۵ درصدی، بخش نفت خام و گاز طبیعی رشد ۵ درصدی، گروه صنایع و معادن رشد منفی ۰.۲ درصدی و گروه خدمات رشد ۱.۹ درصدی را ثبت کرده اند.

همچنین طبق اعلام این گزارش، با توجه به نتایج ماه های تیر، مرداد و شهریور، در تابستان ۱۴۰۳ نسبت به فصل مشابه سال گذشته، رشد اقتصادی کشور ۲.۴ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت نیز ۲ درصد برآورد می شود. ارزش افزوده بخش کشاورزی رشد ۲.۷ درصدی، بخش نفت خام و گاز طبیعی رشد ۶.۵ درصدی، گروه صنایع و معادن رشد منفی ۰.۲ درصدی و گروه خدمات رشد ۲.۷ درصدی را ثبت کرده اند. (جدول ۲)

بررسی جزئیات برآوردهای دو نهاد پژوهشی از رشد اقتصادی تابستان، دو علت عمده کاهش نرخ رشد اقتصادی در این فصل را مشخص می کند. یکی از عوامل کاهش نرخ رشد اقتصادی در تابستان، اشباع تدریجی ظرفیت تولید بخش نفت و گاز، پس از رشدهای دورقمی در فصول اخیر بوده است. رشدهای دورقمی صنعت نفت و گاز باعث شده این صنعت به محدوده بیشینه تولید خود برسد و در نتیجه با کاهش چشمگیر نرخ رشد مواجه شود.

علت دیگر کند شدن نرخ رشد اقتصادی کشور، منفی شدن رشد بخش صنعت بوده است. مرور اتفاقات رخ داده برای بخش صنعت به ویژه در تابستان، علت منفی شدن رشد این بخش را مشخص می کند. در

تابستان سال جاری مسئله قطعی مکرر برق صنایع به ویژه صنایع بزرگ، جزو اخبار پرتکرار بود. تامین نشدن انرژی بنگاه های بزرگ در نهایت آثار خود را به شکل افت محسوس تولید بخش صنعت نشان داد. علاوه بر این مسئله، چالش قیمت گذاری دستوری، مسئله دیگری است که بخش صنعت را بیش از هر بخش دیگری به خود مشغول کرده است. صنایع مشمول قیمت گذاری دستوری برای جلوگیری از زیان بیشتر، ناچار به کاهش تولید اقلام مشمول قیمت گذاری شده که همین موضوع به افت تولید بخش صنعت منجر می شود. البته علاوه بر این مسائل، تاثیر بیشتر سیاست های ضد تورمی بانک مرکزی بر بخش صنایع هم، از علل کند شدن رشد این بخش است. بخش صنایع به دلیل نیاز بیشتر به تامین مالی، طبیعتاً آسیب بیشتری از محدود شدن جریان اعتبارات بانکی می بیند. در مجموع مشخص است که چالش هایی نظیر قیمت گذاری دستوری و تامین نشدن پایدار انرژی صنایع، تاثیر جدی بر کاهش رشد اقتصادی به ویژه در بخش صنعت گذاشته است. همچنین کامل شدن ظرفیت تولید بخش نفت و گاز به عنوان یک جزء بزرگ در اقتصاد کشور پس از رشدهای دورقمی فصول اخیر، تاثیر مهمی در کاهش نرخ رشد کلی اقتصاد کشور دارد. بنابراین ارتباط دادن تمام علت کاهش رشد اقتصادی به سیاست های بانک مرکزی، به دور از واقعیت است. با درک این حقایق، می توان دریافت که نقطه آغاز سیاست گذار برای ارتقای رشد اقتصادی کشور، رفع چالش های فوق یعنی ناترازی انرژی و مداخلات قیمتی دستوری است و نه عقب نشینی از سیاست های ضد تورمی.

۴۰



• شماره ۶۶ - آبان ۱۴۰۳ •

لزوم بهبود کیفیت گزارشگری مالی در بانک‌ها

منطق تغییر رویکرد طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری ابزارهای مالی در نظام بانکی

- اندازه‌گیری و افشاء دارایی‌های مالی در صورت‌های مالی بانک‌ها، براساس استانداردهای حسابداری و مقررات نظارتی بانک مرکزی انجام می‌شود
- مطالعات نشان داده است که ریسک اعتباری دارای دیدگاهی آینده‌نگر بوده و تاکید آن بر بروز احتمالی مشکلات اعتباری آتی است
- دستورالعمل گذشته نگر ذخیره‌گیری مطالبات بانک مرکزی با فلسفه و ماهیت ریسک اعتباری ناسازگار است

مینا مصدر

کارشناس ارشد حسابداری بانکی

عباس دادجوی توکلی

کارشناس ارشد حوزه پول و بانک



دستورالعمل‌های
نظارتی بانک
مرکزی ایران
در خصوص
طبقه‌بندی و
ذخیره‌گیری
فقط انواع
مطالبات رادر بر
می‌گیرد

شکاف قابل ملاحظه نحوه گزارشگری ابزارهای مالی در صورت‌های مالی بانک‌های ایران مطابق با استانداردهای حسابداری و مقررات نظارتی بانک مرکزی با نظام بانکداری بین‌الملل، موجب عدم شفافیت و قابلیت اتکای پایین گزارش‌های مالی بانک‌ها شده است. یکی از اقلام با اهمیت صورت‌های مالی بانک‌ها، "دارایی‌های مالی" است. در حال حاضر، نحوه اندازه‌گیری و افشاء دارایی‌های مالی در صورت‌های مالی بانک‌های ایران (سرمایه‌گذاری‌ها و انواع مطالبات)، بر اساس استانداردهای حسابداری ایران و مقررات نظارتی بانک مرکزی انجام می‌شود که با معیارهای بین‌المللی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد.

دستورالعمل‌های نظارتی بانک مرکزی ایران، در خصوص طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری، فقط انواع مطالبات را در بر می‌گیرد (در حالی که عنوان دستورالعمل در سال ۱۳۸۵، طبقه‌بندی "دارایی‌ها" ذکر شده است) که علاوه بر عدم جامعیت، در بسیاری از موضوعات با اهمیت، نظیر معیارهای "حذف از دفاتر تسهیلات (مطالبات سوخت شده)"، تعریف نکول، مطالبات غیرجاری و امهال مطالبات"، با معیارهای بین‌المللی تفاوت بسیار دارد. همچنین الزامات افشاء ریسک اعتباری ابزارهای مالی، هم بر اساس استاندارد حسابداری ۳۷ ایران (ابزارهای مالی - افشاء) و همچنین صورت مالی نمونه بانک مرکزی، با معیارهای بین‌المللی (IFRSY و رکن سوم بازل ۳) تفاوت قابل ملاحظه دارد (به دلیل تفاوت در نحوه اندازه‌گیری).

می‌توان گفت کیفیت گزارشگری مالی بانک‌های ایران با وجود تلاش‌هایی که از سال ۱۳۹۴ تاکنون صورت گرفته است، از یکسو بدلیل عدم بروزرسانی دستورالعمل‌های نظارتی فعلی بانک مرکزی طی نزدیک به دو دهه اخیر و از سوی دیگر، به دلیل عدم ارتقای استانداردهای حسابداری ایران همگام با استانداردها و مقررات بین‌المللی، فاقد اثربخشی لازم بوده است.

طبق دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های موسسات اعتباری، مصوب شورای پول و اعتبار، بخشنامه م/ب/۲۸۲۳/۱۳۸۵) مطالبات با توجه به کیفیت آنها، به ۴ دسته طبقه‌بندی می‌شوند. کیفیت هر فقره

مطالبات، براساس ۳ پارامتر زمان، وضعیت مالی مشتری و صنعت، یا رشته فعالیت مربوط ارزیابی می‌شود. با توجه به ابهام معیارهای مربوط به هر طبقه در این دستورالعمل مانند به کارگیری مفاهیمی مانند مطلوب، مناسب، نامناسب و نامطلوب، موجب شده است تنها معیار کمی (مدت زمان تاخیر در بازپرداخت) ملاک طبقه‌بندی دارایی‌ها قرار گیرد و معیارهای کیفی نقش قابل توجهی در طبقه‌بندی دارایی‌ها نداشته باشد. طبق الگوی ذخیره‌گیری نیز ارائه مقادیر ثابت برای زیان تحقق یافته هر طبقه هیچگونه ارتباطی با ریسک اعتباری ابزار مالی نداشته و موجب برآورد کم و شناخت دیر هنگام ذخایر و کاهش قابلیت اتکای گزارش‌های مالی شده است. الگوی طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری مطالبات زمانی از قابلیت اتکا برخوردار است که مبتنی بر تغییرات ریسک اعتباری ابزار مالی و همچنین توجه به کارکرد اصلی آن در گزارش‌های مالی است.

نتایج حاصل از مطالعات نشان داده است که ریسک اعتباری دارای دیدگاهی آینده‌نگر است و تاکید آن بر بروز احتمالی مشکلات اعتباری آتی است. طبق تعریف اصول مدیریت ریسک اعتباری کمیته بازل سال ۲۰۰۰ "ریسک اعتباری پتانسیل عدم ایفای تعهدات قراردادی یک وام‌گیرنده یا طرف مقابل مطابق با شرایط توافق شده" است و یا طبق تعریف EBA "ریسک اعتباری عبارتست از ناتوانی احتمالی طرف مقابل در ایفای تعهدات قراردادی خود" (EBA, ۲۰۰۴).

همچنین طبق پیوست A، IFRSY ریسک اعتباری عبارتست از ریسک اینکه یک طرف ابزار مالی، به دلیل عدم ایفای تعهد، موجب زیان مالی طرف دیگر خواهد شد. ریسک اعتباری را "ریسک نکول" نیز می‌نامند، زیرا بر احتمال نکول دلالت دارد. حتی هنگامی که رویکرد بانک‌ها در برآورد ذخایر مبتنی بر زیان تحقق یافته مطابق با الزامات IAS۳۹ بود، تاکید کمیته بازل که همواره بر سلامت وثبات سیستم بانکی است، بر مفهوم آینده‌نگر زیان (EL) بوده است.

تغییر رویکرد ذخیره‌گیری در استانداردهای حسابداری از IAS۳۹ به IFRS۹ پس از تجربه بحران مالی سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی نیز ناشی از ناکارایی رویکرد زیان تحقق یافته IAS۳۹ بود. دستورالعمل گذشته‌نگر ذخیره‌گیری مطالبات بانک مرکزی با



کیفیت
گزارشگری
مالی بانک‌های
ایران با وجود
تلاش‌هایی که
از سال ۱۳۹۴
تاکنون صورت
گرفته، فاقد
اثربخشی است

زیرساخت‌ها و فراهم بودن بسترهای اجرای الزامات استانداردها تعیین شده است. ارزیابی کیفیت دارایی‌ها (AQR) پیش از اجرای مدل ECL در ایران می‌تواند به تعدیل جریان انباشت دارایی‌های موهوم کمک نموده و از شدت اثرات اجرا بکاهد. علاوه بر این بالا بودن سطح اهمیت تفاوت رویکرد ذخیره‌گیری با الزامات مدل زیان اعتباری مورد انتظار موجب افزایش اثرات اجرای این مدل خصوصا در سال‌های نخست اجرا می‌شود. طبق نتایج حاصل از مطالعات داخلی (مصدر، بولو، ۱۴۰۱) با تغییر مقررات ذخیره‌گیری به رویکرد آینده‌نگر میزان ذخایر بانک‌های ایران به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد (میانگین میزان کسری ذخایر بانک‌های ایران ۴۱۰۶۹ درصد خواهد بود) همچنین حداقل مدت زمان لازم به منظور تعدیل نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها ناشی از افزایش حجم ذخایر ۵ سال برآورد شده است.

منابع:

بانک مرکزی، ۱۳۸۵، دستورالعمل "طبقه‌بندی دارایی‌های موسسات اعتباری" شماره ۲۸۲۳.
مصدر، بولو، ۱۴۰۱، عوامل موثر در ایجاد تسهیلات غیرجاری در صنعت بانکداری ایران و برآورد آثار ناشی از اندازه‌گیری آن بر مبنای اجرای الزامات IFRS، پژوهش‌های پولی-بانکی، سال پانزدهم، شماره ۵۲
Basel Committee on Banking Supervision, 2000, Principles for the Management of Credit Risk
International Accounting Standards Board (IASB), Financial Instruments (IFRS 9), IFRS Foundation.
International Accounting Standards Board (IASB), Financial Instruments: Disclosures (IFRS7), IFRS Foundation

فلسفه و ماهیت ریسک اعتباری ناسازگار است. برآورد صحیح ریسک اعتباری علاوه بر تخمین ذخایر، در قیمت‌گذاری صحیح ریسک اعتباری، محاسبه سرمایه نظارتی و سرمایه اقتصادی بانک نیز نقش مهمی دارد. در حال حاضر الگوی بهینه طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری در نظام بانکداری بین‌الملل مطابق با الزامات IFRS۹ است. الزامات طبقه‌بندی و ذخیره‌گیری بر اساس مدل زیان اعتباری مورد انتظار می‌تواند از طریق "تصویب و لازم‌الاجرا شدن این استاندارد از سوی سازمان حسابرسی به عنوان مرجع قانونی تدوین استانداردها و ارائه رهنمود در خصوص موضوعات قضائیه از سوی نهاد ناظر" و یا "بروزرسانی و تجدید ارائه دستورالعمل‌های فعلی بانک مرکزی" مورد توجه قرار گیرد. شناخت به موقع و کافی زیان کاهش ارزش مطالبات، موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی بانک‌ها می‌شود و از طرفی موجب ایجاد همگرایی بیشتر مبنای ذخیره‌گیری با نظام بانکداری بین‌الملل می‌شود. اما در حال حاضر، اجرای این مدل در صنعت بانکداری ایران به دلیل پیچیدگی پیاده‌سازی و فراهم نبودن بستر و زیرساخت‌های اجرا نظیر زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعات، ضعف قضاوت حرفه‌ای و دانش فنی و ضعف مکانیزم‌های کنترلی و نظارتی و همچنین سطح اهمیت بالای اثرات اجرای آن با چالش مواجه است. بر این اساس، تعیین زمان مناسب برای دوره گذار به منظور ایجاد و توسعه زیرساخت‌های لازم متناسب با الزامات این مدل می‌تواند بسیار اثربخش باشد.

نتایج حاصل از مطالعات بین‌المللی نشان داده است طول دوره گذار به IFRS در کشورهای مختلف، متفاوت بوده و نحوه تعیین آن بر اساس میزان توسعه‌یافتگی



راهکار شفافیت گزارشگری مالی بانک‌ها

شناخت به موقع و کافی زیان کاهش ارزش مطالبات، موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی بانک‌ها می‌شود و از طرفی موجب ایجاد همگرایی بیشتر مبنای ذخیره‌گیری با نظام بانکداری بین‌الملل می‌شود. اما در حال حاضر، اجرای این مدل در صنعت بانکداری ایران با چالش مواجه است.



سیاست گذاری ارزی برمدار بازار

بازار توافقی ارز گامی به سوی ثبات و شفافیت

- بانک مرکزی با توسعه مرکز مبادله ارز و طلا، به سوی حکمرانی مبتنی بر بازار حرکت می کند
- تعدیل نرخ ارز در مرکز مبادله ارز و طلای ایران فاصله نرخ رسمی و آزاد را کاهش داده است
- بانک مرکزی با بازارسازی به جای ارزیابی، نوسانات ارزی را کنترل می کند
- حرکت به سوی بازار توافقی ارز، اعتماد فعالان اقتصادی را افزایش می دهد

رضافراهانی
پژوهشگر اقتصادی

۴۴



اقتصاد

● شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ ●

مداخلات
بانک مرکزی در
یک سال و نیم
اخیر در بازار
ارز با رویه‌های
پیشین متفاوت
و شاید به نوعی
موثرتر بوده
است

کاهش انگیزه صادرکنندگان برای حضور در این بازار و ایجاد رانت ارزی به دلیل اختلاف نرخ، از جمله مسائلی است که کارشناسان به آن اشاره کرده‌اند. (نمودار ۱)

بانک مرکزی با در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از اختلاف نرخ ارز در بازارهای مختلف، برنامه‌هایی برای کاهش این اختلاف ارائه داده است. این اقدامات نشان می‌دهد که سیاست‌گذار ارزی، با وجود اعتقاد به ناممکن بودن تک‌نرخ شدن ارز در شرایط تحریم و توصیه به نظام دو یا نهایت سه نرخ توسط بخشی از صاحب‌نظران اقتصادی، در تلاش است تا از تعدد نرخ‌ها و افزایش اختلافات جلوگیری کند و نظام ارزی را به نظام تک‌نرخ نزدیک‌تر سازد. در ماه‌های اخیر، کاهش چشمگیر فاصله نرخ ارز رسمی و آزاد توجه رسانه‌ها را جلب کرده و نشان‌دهنده برنامه بانک مرکزی برای کاهش حداکثری این شکاف است.

بازارسازی به جای ارزی‌پاشی برای کنترل نرخ ارز

هدفمند کردن مداخلات ارزی و اثرگذاری به نسبت مطلوب این ابزار در دوره اخیر نیز یکی دیگر از اقدامات بانک مرکزی است که نشان می‌دهد سیاست‌گذار در راستای ایجاد ثبات و آرامش در بازار ارز از ابزارهای مختلف خود به موازات یکدیگر بهره می‌برد. در دوساله اخیر که از نظر تعدد تنش و رخدادهای تأثیرگذار بر بازار می‌توان گفت بی‌نظیر بوده است، در مواقعی که در پی ایجاد شوک‌های برونزا نرخ ارز بیش از حد انتظار افزایش می‌یافت، بانک مرکزی با مداخله مقطعی مانع از التهابات بیشتر شده است. بررسی تحولات بازار ارز در یک سال و نیم اخیر نشان می‌دهد که مداخلات بانک مرکزی در این دوره با رویه‌های پیشین متفاوت و شاید به نوعی موثرتر بوده است.

در دوره جدید آنچه که از رویه‌ها و اقدامات سیاست‌گذار ارزی به نظر می‌رسد، آن است که در برابر تعدیل تدریجی نرخ در بازارهای رسمی و غیررسمی مقاومت نمی‌کند و به حفظ نرخ اسمی ارز معتقد نیست و در این بین خط قرمز میردامادی‌ها رشد ناگهانی و جهشی نرخ ارز است. به عبارت دیگر، هدف از حفظ یک نرخ ثابت اسمی به حفظ یک روند باثبات تغییر یافته است و تازمانی که نرخ ارز به صورت باثبات و تدریجی تعدیل شود، بانک مرکزی به بازار ورود نمی‌کند، اما در صورت تغییرات ناگهانی و

از زمان راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا در اسفندماه سال ۱۴۰۱، بانک مرکزی هدف ایجاد بازاری آزاد، شفاف و قابل اعتماد را دنبال کرده است. در میان التهابات ارزی، این مرکز به عنوان بازار رسمی ارز معرفی و برنامه‌هایی برای توسعه و تعمیق آن ارائه شد. مقام پولی کشور با توسعه مرکز مبادله ارز و طلا و ایجاد بازار توافقی ارز، در تلاش است تا با استفاده از مکانیزم‌های بازاری، مسائلی همچون کاهش نوسانات ارزی و ثبات اقتصادی و در برخی از موارد، کاهش رانت موجود در این فضا را تحقق بخشد. این اقدامات نشان‌دهنده تغییر رویکرد سیاست‌گذار ارزی به سوی حکمرانی مبتنی بر بازار و فاصله گرفتن از روش‌های سنتی و بعضاً دستوری گذشته است.

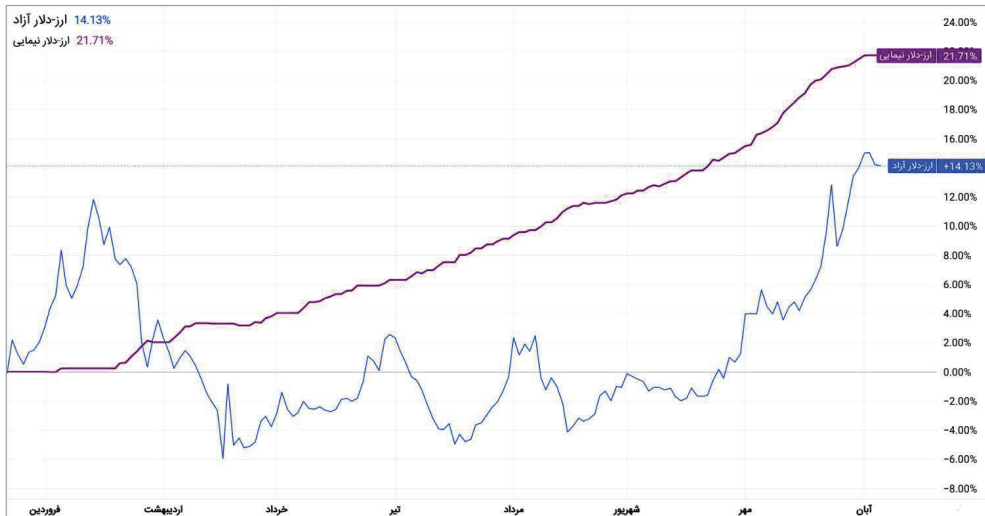
در مراسم افتتاحیه مرکز مبادله ارز و طلا، رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد که این مرکز به محور اصلی مبادلات ارز و طلا تبدیل خواهد شد و از ابزارهای جدیدی مانند معاملات آتی، فوروارد و سلف ارز بهره‌برداری می‌کند. همچنین تأکید شد که با استفاده از تمامی ابزارهای پیش‌بینی شده و نظرات کارشناسان، این مرکز به بازار آزاد ارز تبدیل می‌شود تا بانک مرکزی بتواند مدیریت بازار را از این طریق انجام دهد. این مرکز نقطه آغاز حکمرانی جدید ارزی است و تمامی نظرات برای بهبود و تقویت این بازار مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

این رویکرد نشان می‌دهد که سیاست‌گذار ارزی از ابتدا تلاش کرده است تا این مرکز به تدریج به بازاری شفاف و با قابلیت حکمرانی ارزی تبدیل شود. راه‌اندازی مرکز مبادله ارز و طلا اقدامی اساسی بود که با هدف ایجاد بازاری منظم و کاهش نوسانات ارزی انجام شد. بانک مرکزی با این اقدام، عرضه و تقاضای سهمی بیشتر از قبل از بازار غیررسمی را به بستری رسمی و قابل تنظیم منتقل کرد، به طوری که امروزه طبق برآوردها حدود ۹۰ درصد از حجم کل معاملات این بخش را در برمی‌گیرد.

تعدیل نرخ ارز در مرکز مبادله

یکی دیگر از سیاست‌های بانک مرکزی، تعدیل نرخ ارز در مرکز مبادله بود. فاصله نرخ این مرکز از نرخ بازار آزاد، از ابتدای افتتاح تاکنون، یکی از چالش‌های اصلی بوده است. افزایش واردات به دلیل قیمت پایین ارز در مرکز مبادله،





ضمن تأکید بر طراحی خط اعتباری ویژه برای تولیدکنندگان پیمان و صنایع کوچک، اعلام کرد که سامانه بازار ارز توافقی با بهره‌گیری از بهترین متخصصان فناوری اطلاعات در کشور طی یک سال گذشته ایجاد و راه‌اندازی شده است. در این سامانه، به جای توافق میان دو نفر با چانه‌زنی، حراج صورت می‌گیرد و نرخ تعیین می‌شود. هدف بانک مرکزی انتقال بازار نیما به بازار ارز توافقی و تعیین نرخ در این بازار است. نرخ ارز در بازار توافقی براساس مکانیزم عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد و بانک مرکزی نیز بخشی از ارز خود را در آنجا عرضه خواهد کرد و تلاش می‌شود تا نرخ در یک کانال مشخص حرکت کند.

در مجموع می‌توان گفت بانک مرکزی با اقدامات اخیر خود نشان داده است که به جای تکرار روش‌های ناکارآمد گذشته، به دنبال ایجاد بازاری شفاف و مبتنی بر مکانیزم‌های بازاری است. توسعه مرکز مبادله ارز و طلا، تعدیل نرخ ارز، هدفمندکردن مداخلات ارزی و حرکت به سوی بازار توافقی، همگی نشان‌دهنده تغییر رویکرد سیاست‌گذار ارزی به سمت حکمرانی مبتنی بر بازار است. این اقدامات، در کنار کاهش فاصله نرخ ارز رسمی و غیررسمی، می‌تواند به افزایش اعتماد فعالان اقتصادی، کاهش نوسانات بازار، بهبود ثبات اقتصادی کشور و کاستن از رانت حاصل از اختلاف قیمتی موجود منجر شود.

غیرمنتظره، با مداخله هدفمند نرخ را به کانال قبلی بازمی‌گرداند تا از شکل‌گیری انتظارات تورمی جلوگیری کند. این دست‌ازرفتار نشان می‌دهد که سیاست‌گذار از سیاست ارزی کور فاصله گرفته و نقش بازارساز را برعهده گرفته است.

حرکت به سوی بازار توافقی ارز

در سال ۱۴۰۲، به عنوان اولین سال کاری مرکز مبادله، بانک مرکزی بیشتر با استفاده از ضوابط و قوانین به مرجع‌سازی این مرکز پرداخت. اما در سال جاری، استفاده از ابزارهای بازاری برای جذب صادرکنندگان به این بازار پُررنگ‌تر شده است. تعدیل سریع‌تر نرخ ارز با حفظ ملاحظات ثبات ارزی و کالاهای مرتبط، سیاستی است که برای ترغیب بیشتر صادرکنندگان به ویژه صادرکنندگان خرد به انتقال ارز به مرکز مبادله و عمق بخشی به این بازار اجرا می‌شود. همچنین در این راستا از دیگر مزایای راه‌اندازی این بازار می‌توان به رسمی‌سازی سهم بیشتری از مبادلات ارزی در پی سهولت و دسترسی بیشتر صادرکنندگان و واردکنندگان و تولیدکنندگان صنایع کوچک و متوسط به بازار ارزی رسمی کشور اشاره داشت که پیامدهای مثبت خارجی همین مسئله خود جای مباحث مختلف دارد. در همین رابطه اخیراً رئیس کل بانک مرکزی در دیدار با تولیدکنندگان و کارآفرینان برتر کشور،



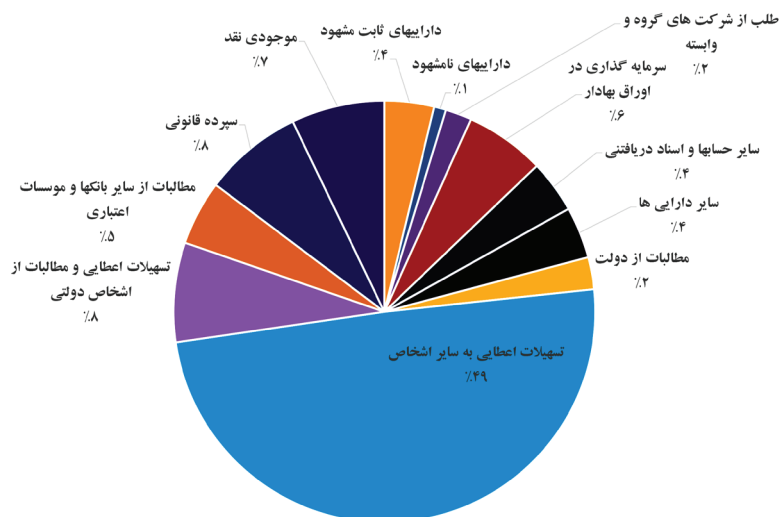
عملیات بازار باز

۴۶



• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

سهم اقسام مختلف دارایی بانک‌ها در سال ۱۴۰۲



آثار سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک‌ها

کنترل ترازنامه بانک‌ها زمینه کاهش تورم را فراهم کرد

- یکی از ابزارهای احتیاطی و سیاست پولی، ایجاد محدودیت بر رشد کل ترازنامه شبکه بانکی است
- سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک‌ها در کاهش رشد نقدینگی تاثیر مثبتی داشته است
- کنترل مقداری ترازنامه بانک‌ها از طریق ترکیبی از ابزارهای سیاست پولی و مقررات احتیاطی می‌تواند به حفظ ثبات مالی کمک کند

۴۷



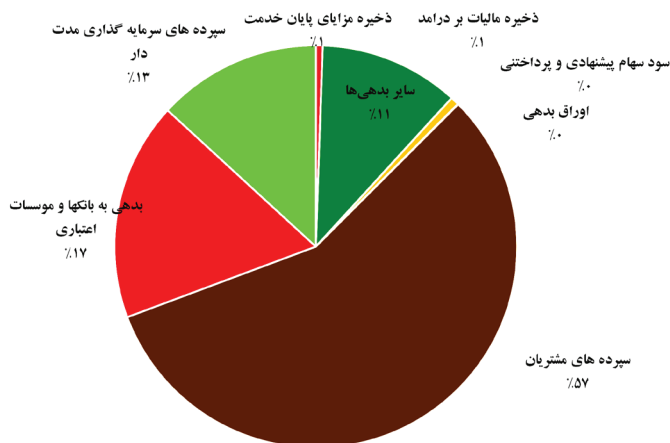
اقتصاد

• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

امیرحسین موسوی

پژوهشگر اقتصادی

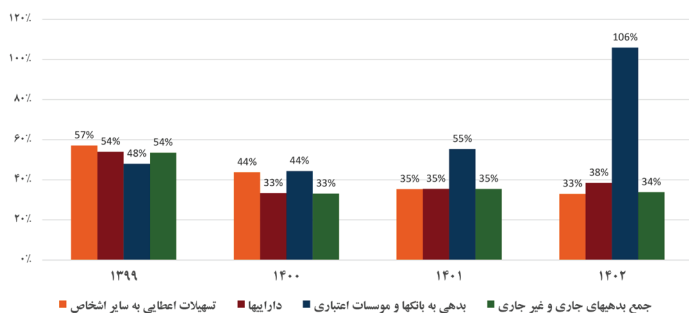
سهم اقلام مختلف بدهی در سال ۱۴۰۲



نمودار ۱

سهم اقلام مختلف بدهی در سال ۱۴۰۲

رشد برخی ردیف های ترازنامه شبکه بانکی



• اثر سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانکها در کاهش رشد داراییها و بدهیها



نمودار ۲

رشد برخی ردیف های ترازنامه شبکه بانکی

بانکها پرداخته می شود. برای بررسی مقدماتی اثربخشی این سیاست بر شبکه بانکی، ترازنامه ۱۹ بانک کشور که داده های آخرین وضعیت صورت مالی آن به صورت به روز منتشر می شود، تجمیع شده است و با بررسی اقلام مختلف و رشد آن این موضوع ارزیابی می شود. پرسش نخستین در مواجهه با سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانکها، این است که "آیا سیاست

در سالهای اخیر، اقتصاد ایران با چالش های بزرگی همچون تورم بالا و رشد نقدینگی روبه رو بوده است. در این شرایط، مقام پولی با اعمال سیاست های احتیاطی به دنبال کنترل رشد نقدینگی و کاهش فشار تورمی بوده است، سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانکها یکی از اقدامات کلیدی در این راستا بوده است که در این گزارش به بررسی اثر آن بر ترازنامه

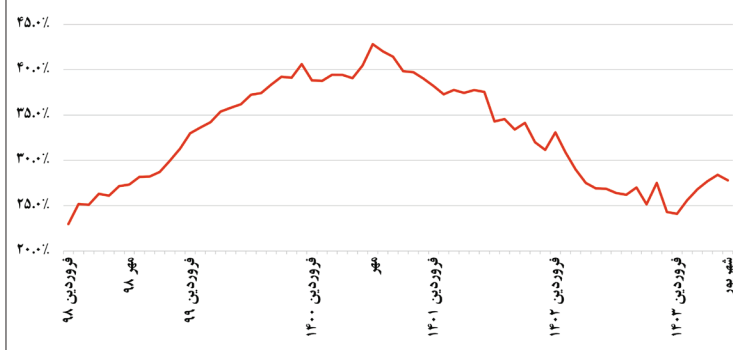
۴۸



اقتصاد

• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

نرخ رشد نقدینگی



نمودار ۳

نرخ رشد نقدینگی

در ردیف بدهی‌های بخش دولتی به بانک که جزئی از دارایی بانک است مشاهده می‌شود که اختلاف نظر قابل محسوسی در محاسبه و گزارش میزان این رقم وجود دارد. محاسبه دولت از بدهی خود به بانک‌ها، با رقمی که در این ردیف به عنوان دارایی بانک‌های کشور به ویژه بانک‌های دولتی ثبت شده، متفاوت است و این اختلاف محاسبه منجر به ثبت دارایی موهومی در ترازنامه بانک شده و در نهایت موجب بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. به عبارت دیگر، ثبت دارایی موهومی و دارایی غیرجاری، تسهیلات تکلیفی، کسری ساختاری برخی نهادهای عمومی و همچنین اعطای تسهیلات کلان و مرتبط، از جمله عواملی است که نقش مهمی در ناترازی شبکه بانکی ایفا می‌کند. در بخش سایر دارایی‌ها نیز، اموالی بابت مطالبات بانک، به آنها ناگزیر واگذار می‌شود و یا بانک‌ها اموالی را به عنوان رد دیون و مطالبات تحت تملک می‌گیرند که این مسئله نیز به ناترازی شبکه بانکی دامن می‌زند. در بخش بدهی‌ها نیز، اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و یا در بخش سرمایه، نامناسب بودن حقوق صاحبان سهام، نامناسب بودن کفایت سرمایه و زیان انباشته نیز موجب شده تا هر دو سمت ترازنامه، در وضعیت مطلوبی قرار نگیرد.

سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه و اهداف

یکی از ابزارهای سیاست پولی برای

کنترل رشد مقداری ترازنامه بانک‌ها، موفق شده است که رشد ترازنامه بانک‌ها را کنترل کند؟ در ادامه گزارش تلاش می‌شود به صورت مختصر و ساده به این سوال پاسخ داده شود.

ساختار و ترکیب اقلام ترازنامه بانکی

ترازنامه ۱۹ بانک برای بررسی در این گزارش استفاده و تجمیع شده است. براساس ترازنامه تجمیع شده، تسهیلات اعطایی بخش عمده‌ای از دارایی‌های ترازنامه بانک را تشکیل می‌دهند. تسهیلات به عنوان منبع اصلی درآمد بانک‌ها، برای تأمین نیازهای اقتصادی به مشتریان ارائه می‌شود. سپرده‌های مشتریان نیز بخش عمده‌ای از تعهدات بانک‌ها را تشکیل می‌دهند.

ابعاد ناترازی شبکه بانکی

ناترازی شبکه بانکی یکی از عوامل بی‌ثباتی است، اگر ردیف‌های مختلف طرف دارایی‌ها و بدهی‌های ترازنامه بانک‌های مختلف کشور را مورد بررسی قرار دهیم، مشاهده می‌شود که چالش‌های متعددی در بسیاری از این ردیف‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، در ردیف دارایی خارجی و سمت دارایی ترازنامه بانک‌ها مشاهده می‌شود که مبلغی ثبت شده، در حالی که این مبلغ منجمد است. به عبارت دیگر، این دارایی خارجی زمانی ارزشمند است که در دسترس باشد و موجب سودآوری شود و در صورت انجماد، کارایی خود را از دست خواهد داد.



ناترازی شبکه بانکی

جانش ردیف دارایی	دارایی‌ها	بدهی‌ها	جانش ردیف بدهی
انجماد	دارایی خارجی	وام‌ها و سپرده‌های ارزی	
انجماد و اختلاف	بدهی بخش دولتی	بدهی به بانک مرکزی	اضافه برداشت از بانک مرکزی
دارایی موهومی و دارایی غیر جاری	بدهی بخش غیردولتی	وام‌ها و سپرده‌های بخش دولتی	
بنگاه داری شامل رد دیون، اموال مازاد، زمین و ساختمان و ...	سایر دارایی‌ها	سپرده‌های بخش غیر دولتی	
	اسکناس و مسکوکات و سپرده نزد بانک مرکزی	حساب سرمایه	حقوق صاحبان سهام، کفایت سرمایه، زیان انباشه، تریسم سرمایه



جدول ۱

ناترازی شبکه بانکی

کنترل میزان رشد ترازنامه بانک‌ها، ایجاد محدودیت بر رشد کل ترازنامه شبکه بانکی است که بانک مرکزی طی سال‌های اخیر در دستور کار خود قرار داده است. بانک مرکزی مقدار رشد ترازنامه برای بانک‌ها را براساس سقف مجاز رشد ترازنامه برای هر بانک براساس ۷ شاخص سلامت بانکی که شامل امتیاز رتبه‌بندی مؤسسه اعتباری بر اساس روش کم‌لز (CAMELS)، نسبت کفایت سرمایه، وضعیت بازار بین بانکی، وضعیت اضافه برداشت، وضعیت مطالبات غیرجاری ریالی، وضعیت رعایت مقررات مبارزه با پولشویی و همچنین قضاوت حرفه‌ای وضعیت مؤسسه اعتباری از نظر گروه بازرسی در چارچوب ضوابط و مقررات مربوط (رعایت نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات کلان، مرتبط، سرمایه‌گذاری‌ها و شفافیت) است، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه‌های بانکی با هدف کاهش رشد نقدینگی و کنترل تورم طراحی شده است. این سیاست به بانک‌ها و موسسات اعتباری سقف‌هایی برای رشد دارایی‌ها و بدهی‌های خود اعمال می‌کند. به صورت خلاصه دو هدف این سیاست عبارت‌اند از:

- **کاهش رشد نقدینگی و تورم:** هدف نهایی این سیاست، کاهش رشد نقدینگی و مهار تورم است. رشد نقدینگی به دلیل افزایش تسهیلات دهی بانک‌ها و خلق پول منجر به افزایش فشار تورمی می‌شود. این سیاست با محدود کردن رشد ترازنامه، مانع از رشد فزاینده نقدینگی می‌شود.
- **مدیریت ریسک اعتباری و ثبات بانکی:** با کاهش نرخ رشد دارایی‌ها و بدهی‌ها، این

سیاست به کاهش ریسک اعتباری و افزایش پایداری مالی بانک‌ها کمک می‌کند. در سیاست کنترل ترازنامه بانک مرکزی در صورتی که یک بانک فقط در یک ماه از حدود رشد ترازنامه تخطی کند، مشمول افزایش سپرده قانونی "به میزان مبلغ" تخطی ماهیانه می‌شود. به عبارت دیگر، اگر یک بانک ۱۰۰۰ میلیارد تومان بیش از حدود تعیین شده در یک ماه رشد ترازنامه داشته باشد، به همان میزان (تا سقف ۱۵ درصد) مشمول جریمه افزایش سپرده قانونی می‌شود. در نسخه قبلی، در صورتی که بانک به حدود رشد ترازنامه بازمی‌گشت و حدود تعیین شده را رعایت می‌کرد، بازگشت نرخ سپرده قانونی به سطح قبل، سه ماه زمان نیاز داشت، اما در نسخه جدید، در صورت بازگشت رشد ترازنامه بانک به حدود تعیین شده، به فاصله یک ماه نرخ سپرده قانونی به سطح قبل کاهش می‌یابد.

تأثیر سیاست کنترل مقداری بر رشد برخی اقلام ترازنامه

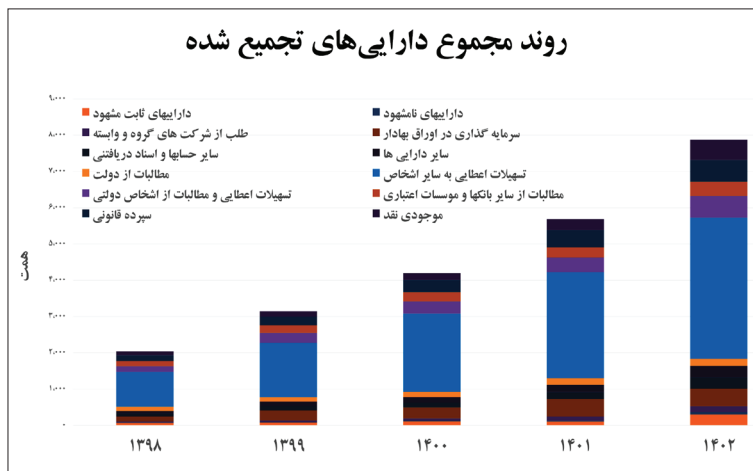
بررسی رشد برخی ردیف‌های ترازنامه شبکه بانکی نشان می‌دهد که مقادیر آن در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به شدت نسبت به سال ۹۹ کاهش یافته است. اثر سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک‌ها در کاهش رشد دارایی‌ها و بدهی‌ها کاملاً مشهود است و کانال رشد ۵۴ درصد در سال ۹۹ به کانال رشد ۳۸ درصد در سال ۱۴۰۲ افت محسوسی را تجربه کرده‌اند. میزان رشد سود سپرده پرداختی به سپرده‌گذاران و میزان رشد تسهیلات و مطالبات از دولت به عنوان دو ردیف اثرگذار ترازنامه بانکی بر نقدینگی نیز گواه کاهش نسبی است.

۵۰

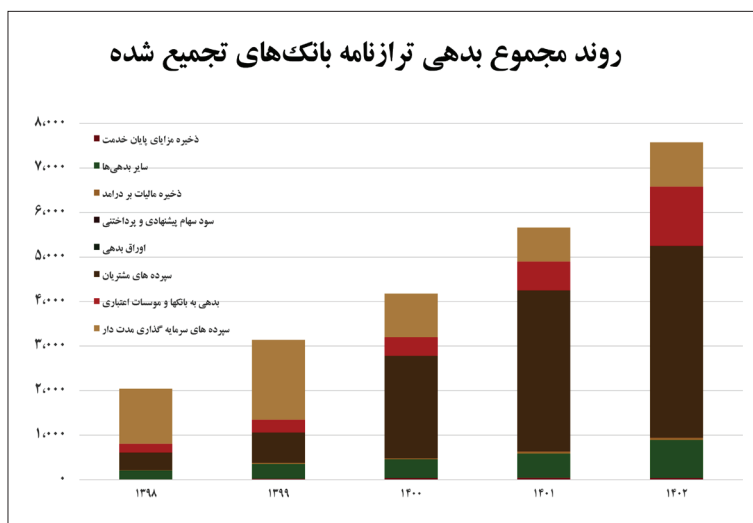


• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

نمودار ۴
روند مجموع دارایی های
تجمیع شده



نمودار ۵
روند مجموع بدهی ترازنامه
بانک های تجمیع شده



هدف مشترک همه آنها کاهش ریسک های سیستماتیک و حمایت از ثبات مالی است. در نهایت، سیاست کنترل مقداری رشد ترازنامه بانک ها در کاهش رشد نقدینگی و مهار تورم تأثیر مثبتی داشته است. این سیاست با وجود چالش ها و محدودیت های اجرایی، به کاهش فشارهای تورمی و بهبود ثبات اقتصادی کمک کرده است. با این حال، از طریق اصلاحاتی در بخش هایی از اجرای این سیاست نظیر اصلاح بند پیشران، در جهت اجرای بهترین سیاست می توان گام برداشت.

نمره قبولی اجرای سیاست کنترل مقداری ترازنامه ها از سوی بانک مرکزی

تجربیات جهانی نیز نشان می دهد که کنترل مقداری ترازنامه بانک ها از طریق ترکیبی از ابزارهای سیاست پولی و مقررات احتیاطی می تواند به حفظ ثبات مالی کمک کند. با این حال، موفقیت این سیاست ها بستگی به طراحی دقیق، اجرای مؤثر و انعطاف در مواجهه با تغییرات اقتصادی دارد. کشورهای مختلف با توجه به شرایط خاص خود، از رویکردهای متفاوتی استفاده کرده اند، اما



کنترل تورم جهانی، بدون وقوع رکود

ماراتن مبارزه جهانی با تورم به پیروزی رسید

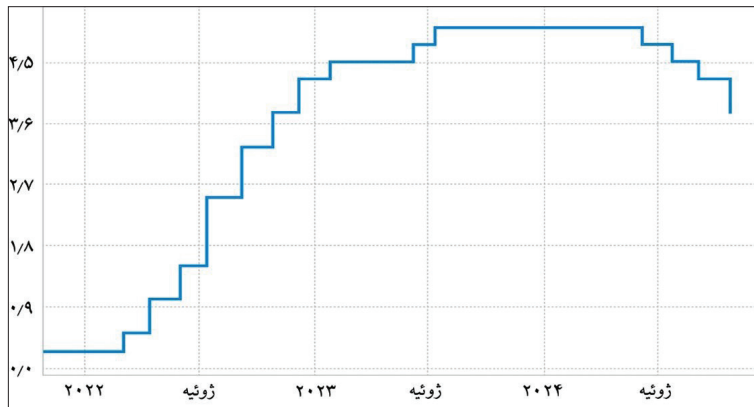
- تورم در بیشتر کشورهای جهان تحت کنترل درآمده و به نظری می‌رسد این آغازی بر پایان سیاست‌های انقباضی بانک‌های مرکزی باشد
- بانک‌های مرکزی جهان در مقابله با تورم، اغلب به اعمال سیاست‌های پولی انقباضی از طریق افزایش نرخ‌های بهره سیاستی اقدام کردند
- کاهش تورم بدون ورود به رکود اقتصادی، بزرگ‌ترین دستاورد جهان در مقابله با تورم چند سال اخیر بوده است

۵۲



اقتصاد

• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •



و سایر گزارش‌های برخی از نهادهای اقتصادی بررسی و سپس به اثرات جانبی سیاست‌های کنترل تورم و نحوه اثرگذاری آن بر متغیرهای اقتصادی مرتبط به ویژه رشد اقتصادی پرداخته می‌شود.

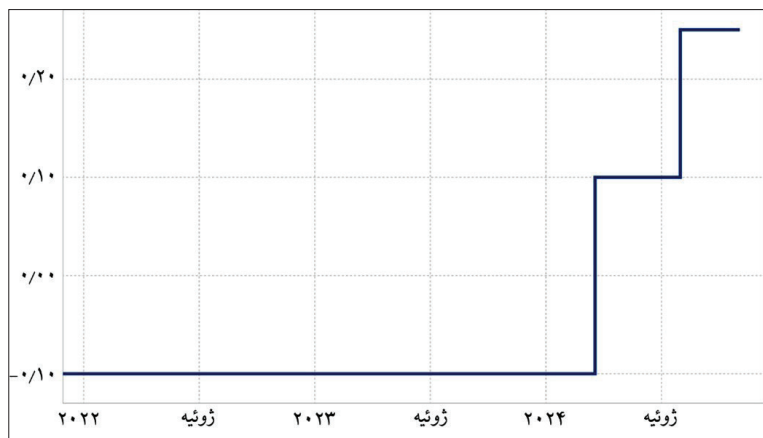
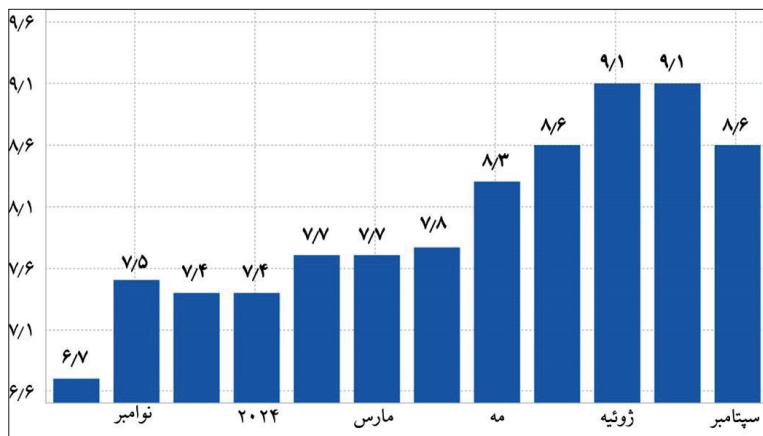
آخرین تحولات اقتصاد جهانی و سیاست‌های بانک‌های مرکزی

نرخ تورم سالانه در کانادا در سپتامبر ۲۰۲۴ از ۲ درصد در ماه قبل به ۱٫۶ درصد کاهش یافت که کمترین میزان از فوریه ۲۰۲۱ بود و بسیار کمتر از پیش‌بینی فعالان بازار (۱٫۹ درصد) به شمار می‌رفت. این دومین ماه متوالی بود که تورم CPI همان مقدار هدف بانک مرکزی کانادا (۲ درصد)، یا رقمی کمتر از آن بود و باعث شد مقامات بانک مرکزی کانادا بتوانند چرخه کاهش نرخ بهره را تمدید کنند. بنابراین، بانک مرکزی کانادا در ۲۳ اکتبر (۲۰ آبان ماه) تصمیم گرفت نرخ بهره سیاستی خود را ۰٫۵ واحد درصد پایین آورد و به ۳٫۷۵ درصد کاهش دهد. (نمودار ۱)

بانک مرکزی روسیه در ۲۵ اکتبر (۲۴ آبان) با افزایش ۲ واحد درصدی نرخ بهره از ۱۹ درصد به ۲۱ درصد، به کمپین تهاجمی خود برای کنترل تورم ادامه داد. این افزایش پس از آن رخ داد که داده‌های تورم در ماه سپتامبر نشان می‌دهد رشد قیمت‌های سالیانه به ۸٫۶ درصد رسیده است. بنا بر اظهارات مقامات این بانک، این رقم "به‌طور قابل توجهی بالاتر از" پیش‌بینی هاست. نرخ تورم هدف بانک مرکزی روسیه معادل ۴ درصد است. (نمودار ۲)

بانک ژاپن (BoJ) در جلسه ۳۱ اکتبر (۱۰ آبان) به اتفاق آرا نرخ بهره کوتاه‌مدت کلیدی خود را در حد ۰٫۲۵ درصد حفظ کرد و آن را در بالاترین سطح از

بنا بر اعلام صندوق بین‌المللی پول در آخرین گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان (WEO) در اکتبر ۲۰۲۴، به نظر می‌رسد نبرد جهانی علیه تورم تا حد زیادی به پیروزی رسیده است، حتی



نمودار ۲

نرخ تورم روسیه (درصد)
منبع:

tradingeconomics.com

برگرفته از خدمات آماری
دولت فدرال



نمودار ۳

نرخ بهره ژاپن (درصد)
منبع:

tradingeconomics.com

برگرفته از بانک مرکزی ژاپن

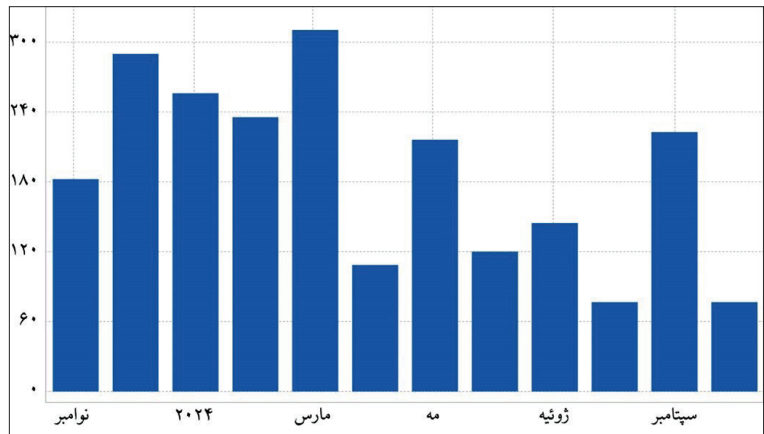
شد، نشان می‌دهد در بازار کار، ۱۲ هزار حقوق و دستمزدبگیر جدید در ماه اکتبر اضافه شده که بسیار کمتر از ۱۰۰ هزار شاغل دستمزدبگیر مورد انتظار اقتصاددانان بوده است. در بخش دیگری از گزارش روز جمعه آمده است افزایش دستمزدها، که معیار مهمی برای سنجش فشارهای تورمی است، از رشد سالانه ۴ درصدی در ماه سپتامبر به ۴۰٫۱ درصد در ماه اکتبر افزایش یافته و افزایش ماهانه دستمزدها در ماه اکتبر ۰۰۴ درصد بوده است. در سپتامبر، دستمزدها افزایش ماهانه‌ای معادل ۰۰۳ درصد داشته‌اند. این گزارش، آخرین انتشار مهم اقتصادی قبل از تصمیم‌گیری‌سیاسی بعدی فدرال رزرو در ۷ نوامبر (۱۷ آبان) است. انتظارات بازارها در خصوص تصمیمات و نتایج این جلسه پس از این گزارش بازار کار، اندکی تغییر کرد. یک هفته پیش، بازارها با احتمال ۹۵ درصد

سال ۲۰۰۸ و مطابق با برآوردهای بازار نگر داشت. تصمیم روز پنج‌شنبه، در بحبوحه تغییر چشم‌انداز سیاسی پس از انتخابات ژاپن و پیش از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده اتخاذ شد. این تصمیم به این دلیل گرفته شده است که نرخ تورم سالیانه ژاپن در ماه سپتامبر ۲۰۵ درصد بوده و هنوز بالاتر از نرخ‌های تورم تجربه‌شده بین سال‌های ۲۰۱۵ تا اوایل ۲۰۲۳ است که بسیار پایین‌تر از ۲ درصد و حتی در برخی سال‌ها منفی بودند. (نمودار ۳) اداره آمار کار ایالات متحده (۱۱ نوامبر) گزارشی از وضعیت بازار کار این کشور منتشر کرد. بنا بر این گزارش، در بازار کار ایالات متحده در ماه اکتبر به دلیل اختلالات آب و هوا و وقوع طوفان‌های متعدد و نیز اعتصابات کارگران شرکت بوئینگ، مشاغل جدید بسیار کمتری نسبت به انتظارات ایجاد شده است. داده‌های اداره آمار کار که روز جمعه منتشر

۵۴



• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •



نمودار ۴
دستمزد و حقوق بگیران
جدید در بازار کار ایالات
متحدہ (ہزار نفر)
منبع:
tradingeconomics.com
برگرفته از ادارہ آمار کار
ایالات متحدہ

جدول (۱). نگاهی به آخرین آمارهای اقتصادی کشورهای منتخب									
نرخ رشد اقتصادی			نرخ تورم			نرخ بهره سیاستی			
فصل سوم ۲۰۲۴	فصل دوم ۲۰۲۴	فصل اول ۲۰۲۴	اکتبر ۲۰۲۴	سپتامبر ۲۰۲۴	اوت ۲۰۲۴	اکتبر ۲۰۲۴	سپتامبر ۲۰۲۴	اوت ۲۰۲۴	
۰.۹	۰.۶	۰.۵	۲.۰	۱.۷	۲.۲	۳.۴	۳.۶۵	۴.۲۵	حوزه یورو
۲.۷	۳.۰	۲.۹	-	۲.۴	۲.۵	۵.۰	۵.۰	۵.۵	ایالات متحدہ
-	۰.۷	۰.۳	-	۱.۷	۲.۲	۵	۵	۵	انگلیس
-	۲.۵	۵.۳	۴۸.۵۸	۴۹.۳۸	۵۱.۹۷	۵۰	۵۰	۵۰	ترکیہ
۴.۶	۴.۷	۵.۳	۰.۳	۰.۴	۰.۶	۳.۱	۳.۳۵	۳.۳۵	چین
-	-	۳.۴	-	۲.۵	۳.۳۸	۴.۹	۴.۹	۵.۴	امارات متحدہ
-	۴.۱	۵.۴	-	۸.۶	۹.۱	۲۱	۱۹	۱۸	عربی روسیہ
-	۶.۷	۷.۸	-	۵.۴۹	۳.۶۵	۶.۵	۶.۵	۶.۵	ہند
-	-	-	-	۰.۴	۱.۱	۵.۵	۵.۵	۶	عمان
-	-	-	۷.۲	۶.۹	۹.۶	۱۷.۵	۱۷.۵	۱۹.۵	پاکستان

جدول ۱
نگاہی به آخرین آمارهای
اقتصادی کشورهای منتخب
توضیحات: نرخ رشد
اقتصادی به صورت تغییر
تولید ناخالص داخلی
حقیقی ہر فصل نسبت بہ
فصل مشابه سال قبل و نرخ
تورم بہ صورت تعریف سالانہ
ارائہ شدہ است. منبع:
tradingeconomics.com



• شماره ۶۶- آبان ۱۴۰۳ •

عمده دلیل این جهش تورم به مختل شدن زنجیرہ عرضه سوخت و موادغذایی از مبدا روسیہ و اوکراین و بہ تبع آن افزایش قیمت های موادخام در این بخش ها در کل جہان نسبت داده می شود کہ یکی از نمونہ های کلاسیک افزایش تورم از ناحیہ تکانہ سمت عرضه بہ شمار می رود. نمودارهای شکل ۶ بہ خوبی نشان می دهد کہ برائثر شروع درگیری بین روسیہ و اوکراین، قیمت های جهانی نفت و گاز در ابتدای سال ۲۰۲۲ جهش یافته و برای حداقل یک سال تا آغاز سال ۲۰۲۳ در همان سطح بالا باقی مانده است. (نمودار ۶)

علاوہ بر بازارهای نفت و گاز، از آنجا کہ روسیہ و اوکراین ہر دو نقش و سهم بزرگی در طرف عرضه بازار موادغذایی جہان بہ ویژہ غلات و حبوبات دارند، این بازار نیز مختل شد و جهش قابل توجہی در قیمت های جهانی موادغذایی خام و بہ تبع آن تورم بخش خوراکي ها و آشامیدنی ها در سبد مصرفی خانوارهای بیشتر کشورهای جہان اتفاق افتاد. (نمودار ۷)

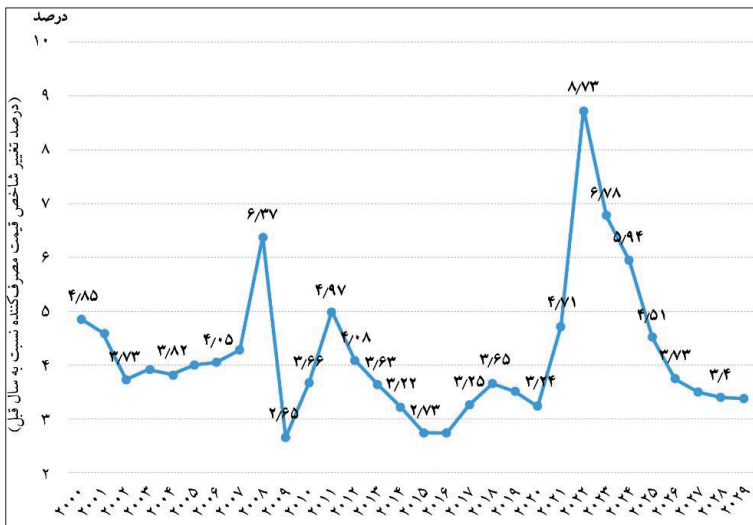
در مقابلہ بہ تکانہ تورمی وارد بر اقتصاد، بیشتر

پیش بینی می کردند فدرال رزرو در نشست آتی خود نرخ بہرہ را ۲۵ واحد پایہ (bps) کاهش دہد، در حالی کہ از صبح جمعہ این احتمال از سوی بازارها افزایش یافته و تقریباً ۹۹ درصد در نظر گرفته می شود (شایان ذکر است کہ این پیش بینی بہ وقوع پیوست و کاهش نرخ بہرہ از سوی فدرال رزرو با مخالفت هایی از سوی ترامپ بہ عنوان رئیس جمہور منتخب ایالات متحدہ مواجہ شد). (نمودار ۴)

در جدول (۱) آخرین آمار مربوط بہ نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی، و نرخ بہرہ سیاستی در کشورهای منتخب برای مطالعہ بیشتر آورده شدہ است.

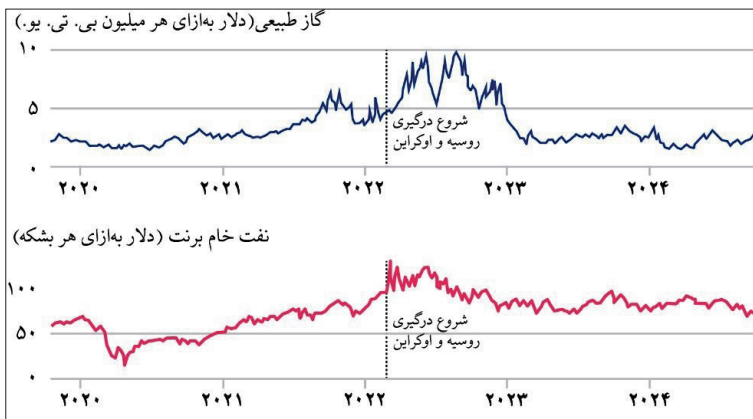
مروری بر تحولات تورم در اقتصاد جهانی در سال های اخیر و واکنش بانک های مرکزی

تورم در اقتصاد جهانی کہ در دوران ہمہ گیری در سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ و دہہ قبل از آن نوسان چندانی نداشت، بہ دنبال شروع درگیری بین روسیہ و اوکراین در فورہ ۲۰۲۲، جهش چشمگیری پیدا کرد. (نمودار ۵)



نمودار ۵

نرخ تورم جهانی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲، پیش‌بینی تا سال ۲۰۲۸-۲۰۲۹
منبع: Statista, 2024



نمودار ۶

قیمت‌های جهانی گاز طبیعی و نفت خام برنت - منبع: financialtimes.com

حاشیه جنوبی خلیج فارس که سیستم نرخ ارز آنها از نوع میخکوب به دلار یا سیدی از ارزهای جهان‌رواست، بانک‌های مرکزی در جهت صیانت از ارزش پول ملی خود و جلوگیری از نوسانات شدید در تراز پرداخت‌ها، از سال ۲۰۲۲، حتی باوجود نرخ تورم پایین، عمدتاً هماهنگی و همگامی کاملی با سیاست‌های پولی فدرال رزرو داشته‌اند. (نمودار ۹)

معدود کشورهایی مانند ترکیه نیز بودند که بر اثر مداخلات سیاسی و با این استدلال که کاهش نرخ بهره باعث کاهش هزینه تولید شده است و می‌تواند نرخ تورم را کاهش دهد، اقدام به اعمال سیاست پولی انبساطی از طریق گاستن از نرخ بهره کردند. این کار در نهایت موجب جهش انفجاری تورم شده

بانک‌های مرکزی جهان شروع به افزایش نرخ‌های بهره و اعمال سیاست‌های انقباضی پولی کردند و نرخ‌های بهره را که در جهت مقابله با رکود ناشی از بحران همه‌گیری در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ کاهش داده و در سطوح پایین نگه داشته بودند، به سرعت و به دفعات به صورت تهاجمی افزایش دادند. در این بین، برخی از بانک‌ها نظیر بانک مرکزی اروپا در حوزه یورو و بانک مرکزی انگلیس، با وجود هماهنگی با فدرال رزرو در اعمال سیاست‌های پولی انقباضی، ارزیابی‌های خود را از وضعیت اقتصاد داخلی نیز ملاک عمل قرار داده و در افزایش و کاهش نرخ بهره، نرخ تورم و رشد اقتصاد داخلی را نیز مدنظر داشته‌اند. (نمودار ۸)

در برخی دیگر از کشورها، به خصوص کشورهای

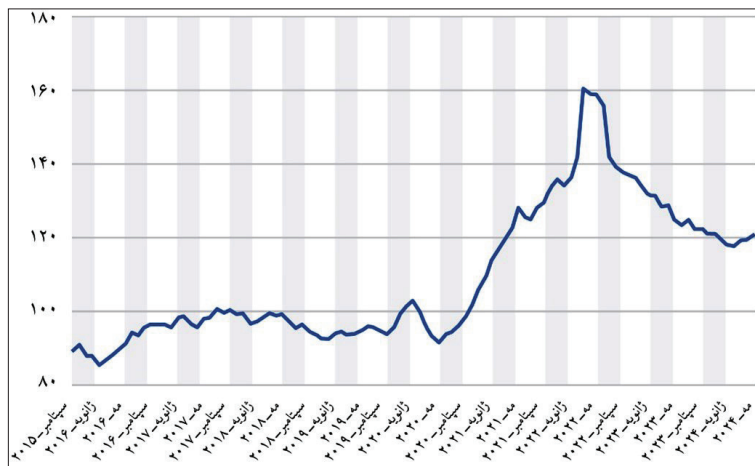
۵۶



شماره ۶۶ - آبان ۱۴۰۳

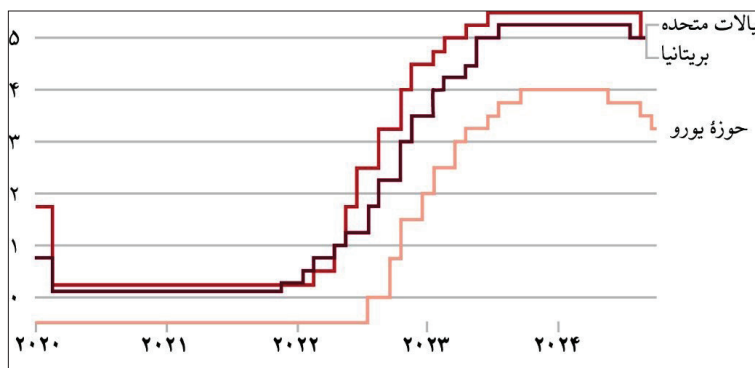
نمودار ۷

شاخص جهانی قیمت مواد غذایی (ماهانه) بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ منبع: Statista.com



نمودار ۸

نرخ بهره سیاستی (درصد) منبع: financialtimes.com

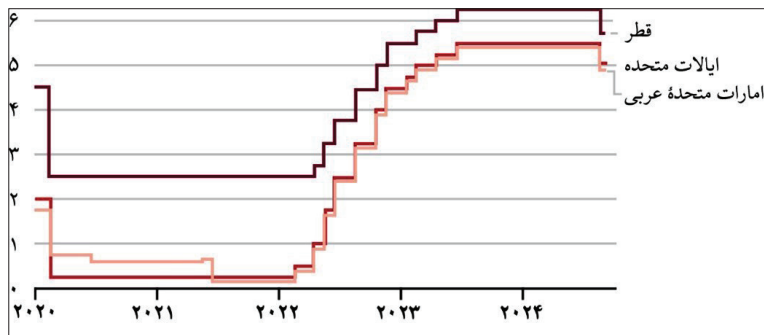


سیاست‌های انقباضی پولی، بر رشد تولید نیز تأثیراتی داشته و آن را کندتر کرده است، به طوری که در بین اقتصادهای پیشرفته، رشد ایالات متحده که از بقیه قوی‌تر است نیز برای سال جاری ۲۰۸ درصد برآورد می‌شود که در سال ۲۰۲۵ به پتانسیل خود یعنی ۲۰۲ درصد بازخواهد گشت. بیشتر کشورهای جهان در سال ۲۰۲۱ و بعد از رهایی از اثرات همه‌گیری کرونا، رشد اقتصادی بالایی را تجربه کردند، به طوری که متوسط رشد سالانه کشورهای حوزه یورو و آمریکا در این سال به ترتیب ۵.۹ درصد و ۶.۱ درصد بود که این رشد در سال ۲۰۲۲ و بعد از ظهور اثرات شروع درگیری روسیه و اوکراین در شکل تکانه طرف عرضه و نیز بر اثر سیاست‌های انقباضی پولی بانک‌های مرکزی برای مقابله با تورم نشأت گرفته از این اتفاق، ادامه پیدا نکرد و عمده کشورها در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ و در ادامه در سال ۲۰۲۴ افت رشد تولید را کم‌وبیش داشتند.

و در واکنش به افزایش شدید تورم، بانک مرکزی مجبور شد سیاست متعارف پولی و افزایش نرخ بهره را برای کاستن از سرعت رشد قیمت‌ها اعمال کند. (نمودار ۱۰)

در نهایت در اواخر ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، برقراری آرامش نسبی در بازارهای انرژی و مواد غذایی و از بین رفتن اثر تکانه‌های برون‌زاد در این بازارها، به همراه کنترل موثر طرف تقاضا از سوی سیاست‌های انقباضی پولی، باعث شد تورم جهانی تحت کنترل درآید و در اغلب کشورهای تورم به مقدار هدف گذاری شده آن از سوی بانک مرکزی بازگردد. (نمودار ۱۱)

نکته: این شکل نشان‌دهنده توزیع انحراف تورم سالیانه از تورم هدف برای ۶۱ کشور جهان است. خط پررنگ وسط، میانه رانسان می‌دهد و محدوده سایه مشخص‌کننده دامنه بین چارکی است. مقدار صفر نشان می‌دهد که تورم محقق شده برابر تورم هدف است. البته، کنترل تورم از طریق

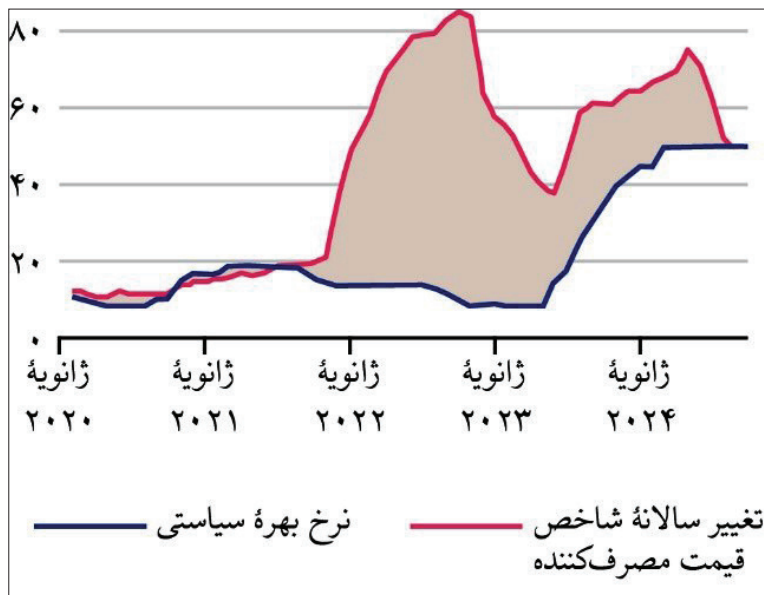


نمودار ۹

نرخ بهره سیاستی (درصد)

منبع:

financialtimes.com



نمودار ۱۰

نرخ بهره و نرخ تورم

ترکیه - منبع:

financialtimes.com

به ترتیب برابر ۸۰، ۷۰، و ۶۰ درصد برآورد و یا پیش‌بینی می‌شود.

شکل (۱۲) برآورد رشد اقتصادی مناطق مختلف اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۴ را از سوی صندوق بین‌المللی پول در دو گزارش پیاپی چشم‌انداز اقتصاد جهان در ژوئیه و اکتبر ۲۰۲۴ نشان می‌دهد. چنانکه در شکل (۱۲) پیداست، صندوق بین‌المللی پول بنا بر تحولات اقتصادی اتفاق افتاده، گزارش خود را در ماه اکتبر بروز رسانی کرده و برآوردها از رشد را تغییر داده است، به طوری که به عنوان مثال در ماه اکتبر، برآورد از رشد اقتصادی ایالات متحده را برای سال ۲۰۲۴ بالاتر برده و معتقد است این کشور در حفظ رشد اقتصادی همزمان با کنترل تورم، عملکرد بهتری

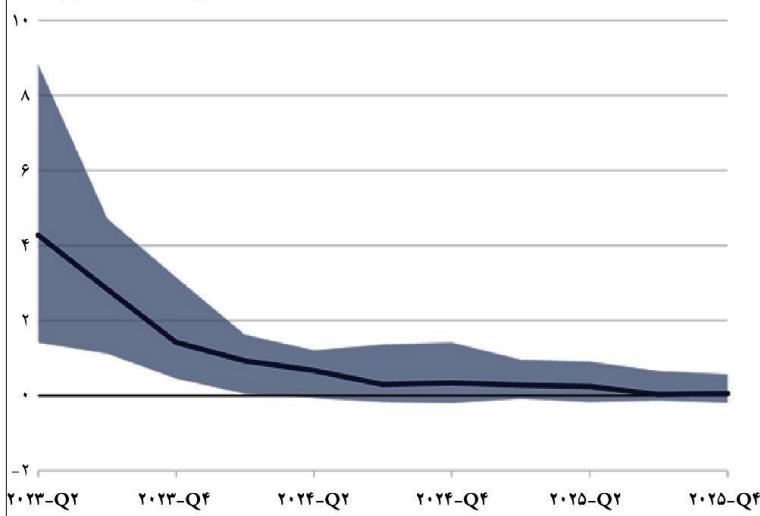
رشد تولید ناخالص داخلی حوزه پیورو در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به ترتیب به ۳،۴ درصد و ۰،۴ درصد افت پیدا کرد و این ارقام برای اقتصاد ایالات متحده ۲،۵ درصد و ۲،۹ درصد بود. البته، رشد اقتصادی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه بسیار پایدارتر بوده، به طوری که این رشد برای سال جاری و سال آینده ۴،۲ درصد برآورد و پیش‌بینی می‌شود و در سال ۲۰۲۳ نیز رقمی برابر ۴،۴ درصد بوده است. عمده دلیل حفظ رشد اقتصادی قابل قبول در این گروه از کشورها، به رغم سیاست‌های انقباضی سیاست‌گذاران پولی، عملکرد قوی اقتصادی در آسیای نوظهور بوده است، به طوری که به عنوان مثال، رشد اقتصادی هند از سوی صندوق بین‌المللی پول برای سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵

۵۸



• شماره ۶۶ - آبان ۱۴۰۳ •

واحد درصد انحراف از هدف بانک مرکزی



نمودار ۱۱

کاهش تورم جهانی و نزدیکی آن به اهداف تورمی - منبع: صندوق بین المللی پول، گزارش چشم انداز اقتصاد جهان، اکتبر ۲۰۲۴

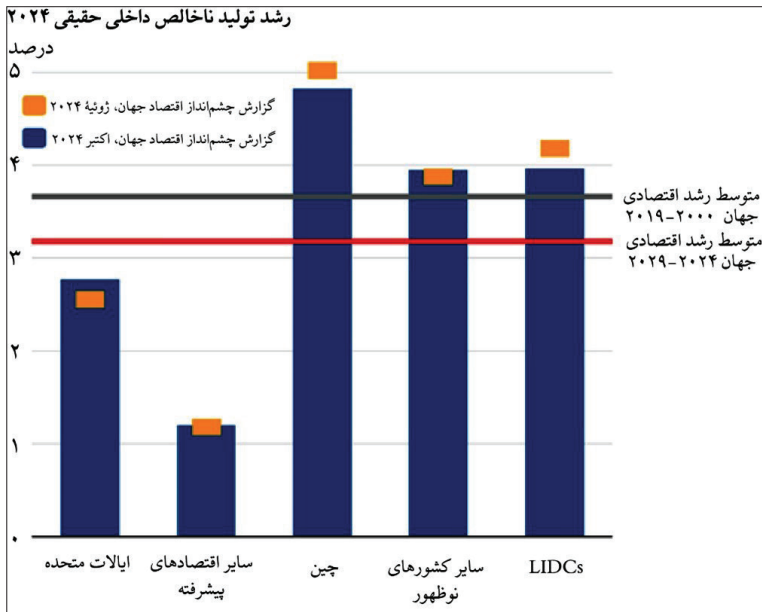
خود از رکود بیشتر فعالیت های اقتصادی گاست. بنابراین، بخش اعظمی از کاهش تورم را می توان به کاهش و از بین رفتن خود تکان ها همراه با بهبود در عرضه نیروی کار، که در کشورهای غربی اغلب با افزایش مهاجرت نیز مرتبط است، نسبت داد. اما سیاست انقباضی پولی با ثابت نگاه داشتن انتظارات تورمی، باعث اجتناب از مارپیچ های مخرب قیمت-دستمزد شده و در جلوگیری از تکرار تجربه تورم فاجعه بار دهه ۱۹۷۰، نقش تعیین کننده ای ایفا کرد. البته در حال حاضر، بنا بر اعتقاد تحلیلگران صندوق بین المللی پول، با وجود اخبار خوب در مورد تورم، ریسک های مخرب در حال افزایش بوده و هم اکنون بر چشم انداز غالب هستند. تشدید درگیری های منطقه ای، به ویژه در خاور میانه، می تواند خطرهای جدی برای بازارهای کالا ایجاد کند. تغییر و متمایل شدن به سمت سیاست های تجاری و صنعتی نامطلوب نیز می تواند به طور قابل توجهی رشد تولید را نسبت به پیش بینی پایه صندوق بین المللی پول کاهش دهد. سیاست های پولی نیز ممکن است برای مدت طولانی بیش از حد انعطاف ناپذیر و انقباضی باقی بماند و شرایط مالی جهانی می تواند به طور ناگهانی سخت تر شود و رشد اقتصادی جهان را کندتر کند. همه این موارد و اثرات آنها بر رشد اقتصادی پایه پیش بینی شده برای اقتصاد جهان در گزارش صندوق بین المللی پول در ماه اکتبر آورده شده است. (نمودار ۱۳)

نسبت به پیش بینی های قبلی داشته و به اصطلاح فرود نرم تری را تجربه کرده است. (نمودار ۱۲)

کاهش تورم بدون ورود به رکود اقتصادی، بزرگ ترین دستاورد جهان در مقابله با تورم چند سال اخیر بوده است. دلیل این امر را می توان در علل موجد تورم و نیز واکنش سیاست گذاران در مقابله با آن و تحولات فضای کلی اقتصاد جهانی در این چند سال جست و جو کرد. علل ایجاد کننده تورم در این چند سال تنها محدود به یک مورد نیست. ایجاد اختلال در زنجیره عرضه در ابتدای همه گیری کرونا، تشدید تقاضا به محض فروکش کردن آثار همه گیری و اثر برون زای آغاز درگیری روسیه و اوکراین در بازارهای جهانی انرژی و مواد خام غذایی در ترکیب با هم، تورم بالای سال های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ را رقم زدند. واکنش بانک های مرکزی جهان به تکان تورمی در قالب بالا بردن نرخ بهره، توانست تقاضا را کنترل کند و فشارهای طرف تقاضا را کاهش دهد، ولی این کار تمام دلیل کنترل تورم نبود.

پاندمی کرونا از بین رفته بود و همین موضوع اختلالات عرضه ناشی از همه گیری را کاهش داد؛ از طرف دیگر، فروکش شدت درگیری روسیه و اوکراین افزایش قیمت های جهانی انرژی و مواد غذایی خام را مهار کرد که خود از دلایل اصلی کاهش تورم صرف نظر از اقدامات انقباضی بانک های مرکزی شد. در همین حین، محو اثر پاندمی کرونا در بازارهای کار نیز باعث عادی سازی و افزایش عرضه نیروی کار در این بازار شد که به نوبه





نمودار ۱۲

برآورد رشد اقتصادی جهان در گزارش‌های چشم‌انداز اقتصاد جهان در ژوئیه و اکتبر ۲۰۲۴

منبع: گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان، ژوئیه و اکتبر ۲۰۲۴-نکته: LIDCs کشورهای در حال توسعه دارای درآمد پایین

چرخش و تغییر در سیاست‌های اقتصادی

بازگشت تورم در کشورهای مختلف جهان نزدیک به اهداف بانک‌های مرکزی آنها، راه را برای چرخش سه‌گانه سیاست‌های اقتصادی هموار می‌کند و همین چرخش باعث می‌شود در زمانی که خطرهای چالش‌ها همچنان بالاست، اتاق تنفسی برای فعالیتهای کلان اقتصادی که بسیار مورد نیاز است، فراهم شود. اولین تغییر محور در حوزه سیاست پولی است که زمان اندکی از شروع انجام آن می‌گذرد. از ماه ژوئن، بانک‌های مرکزی بزرگ در اقتصادهای پیشرفته شروع به کاهش نرخ‌های بهره سیاستی کرده‌اند و به سمت موضعی خنثی حرکت می‌کنند. انجام این کار باعث حمایت از بازارهای کار به ویژه در کشورهای پیشرفته‌ای می‌شود که با افزایش نرخ بیکاری در آنها، نشانه‌هایی از سرد شدن اقتصاد در حال ظهور است و کاهش نرخ بهره می‌تواند از وقوع رکود جلوگیری کند. البته، باید متذکر شد که تاکنون افزایش بیکاری تدریجی بوده است و نشانه‌ای از کاهش قریب‌الوقوع فعالیتهای اقتصادی وجود ندارد.

کاهش نرخ بهره در اقتصادهای بزرگ، به خصوص ایالات متحده، فشار بر اقتصادهای بازارهای نوظهور را کاهش می‌دهد و ارزش‌های آن‌ها در برابر دلار آمریکا تقویت می‌شود و شرایط مالی بهبود

می‌یابد. این امر در نهایت به کاهش تورم وارداتی کمک می‌کند و به این کشورها امکان می‌دهد مسیر کاهش تورم خود را راحت‌تر دنبال کنند. با این حال، احتیاط شرط عقل است. تورم در خدمات بسیار بالا بوده و تقریباً دو برابر سطح پیش از همه‌گیری است. برخی از اقتصادهای بازارهای نوظهور با افزایش مجدد فشارهای تورمی مواجهند و دوباره شروع به افزایش نرخ‌های بهره سیاستی کرده‌اند. علاوه بر این، ما اکنون وارد دنیایی شده‌ایم که تحت سلطه اختلالات عرضه ناشی از آب‌وهوا، سلامت، و تنش‌های ژئوپلیتیکی است. برای سیاست پولی، همیشه سخت‌تر است که تورم را در مواجهه با چنین تکانه‌هایی که همزمان قیمت‌ها را افزایش و تولید را کاهش می‌دهند، مهار کند. به عبارت دیگر، سیاست پولی، سیاست سمت تقاضاست و استفاده از آن برای مقابله با تکانه‌های سمت عرضه، کارایی کامل را ندارد.

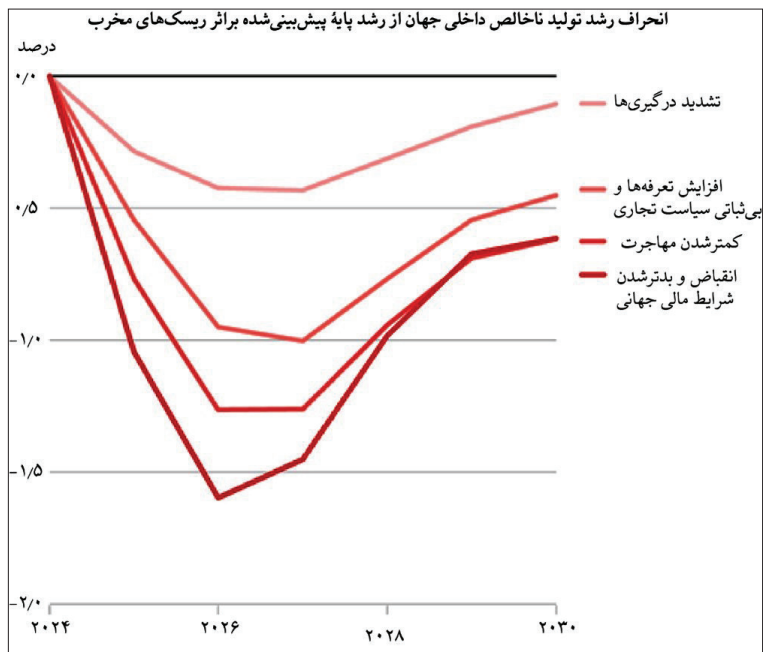
در نهایت، با وجود اینکه انتظارات تورمی این بار به خوبی ثابت ماند و کنترل شد، ممکن است دفعه بعد انجام این کار سخت‌تر باشد، زیرا کارگران و شرکت‌ها در صیانت از حقوق و سود خود هوشیارتر خواهند بود.

محور دوم حول سیاست مالی است. فضای مالی سنگ بنای ثبات کلان اقتصادی و مالی

۶۰



• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •



نمودار ۱۳

اثر وقایع نامطلوب بر کاهش
رشد اقتصادی جهان- منبع:
صندوق بین‌المللی پول،
چشم‌انداز اقتصاد جهان،
اکتبر ۲۰۲۴

موفقیت مستلزم اجرای تعدیل‌های چندساله پایدار و معتبر بدون تأخیر است، جایی که تلفیق بدهی‌ها لازم است. هرچه تعدیل مالی معتبرتر و منضبط‌تر باشد، سیاست پولی می‌تواند نقش حمایتی بیشتری با کاهش نرخ‌های سیاستی و درعین حال کنترل تورم داشته باشد، اما تاکنون در بیشتر کشورهای جهان تمایل یا توانایی لازم برای ارائه تعدیلات مالی منظم و معتبر وجود نداشته است.

محور سوم تغییرات و سخت‌ترین آنها از نظر صندوق بین‌المللی پول، حرکت به سمت اصلاحات افزایش‌دهنده رشد است. برای بهبود چشم‌انداز رشد و افزایش بهره‌وری در سطح جهانی باید کارهای بیشتری انجام شود، زیرا این تنها راهی است که می‌توان با چالش‌های زیادی که جهان با آن روبه‌روست، از قبیل بازسازی ضربه‌گیرهای مالی، مقابله با پیری و کاهش جمعیت در بسیاری از نقاط جهان، مقابله با تغییرات شدید آب‌وهوایی و نظایر آن مقابله کرد.

متأسفانه، چشم‌انداز رشد برای پنج سال آینده با ۳٫۱ درصد (پایین‌ترین میزان در دهه‌های اخیر) ضعیف است. با وجود اینکه بیشتر این کاهش منعکس‌کننده چشم‌انداز ضعیف‌تر رشد اقتصادی چین است، چشم‌انداز میان‌مدت در سایر مناطق

است. پس از سال‌ها سیاست مالی سست در بسیاری از کشورها، اکنون زمان تثبیت پویایی بدهی‌ها و بازسازی ضربه‌گیرهای مالی مورد نیاز فرارسیده است. با وجود اینکه کاهش نرخ‌های بهره سیاستی با کاهش هزینه‌های تأمین مالی موجب ایجاد تسهیلاتی برای تأمین مالی دولت‌ها می‌شود، این اتفاق به تنهایی کافی نخواهد بود، به خصوص تا زمانی که نرخ‌های بهره حقیقی بلندمدت همچنان بسیار بالاتر از سطوح قبل از همه‌گیری باقی بمانند. در بسیاری از کشورها، ترازهای اولیه نیز باید بهبود یابد.

در برخی کشورها، از جمله ایالات متحده و چین، برنامه‌های مالی فعلی پویایی‌های بدهی را تثبیت نمی‌کند. در بسیاری دیگر از کشورها، با وجود اینکه برنامه‌های مالی اولیه پس از همه‌گیری و بحران‌های هزینه‌زندی نویدبخش بود، نشانه‌های فزاینده‌ای از لغزش وجود دارد.

مرز باریک است: به تعویق انداختن سروسامان دهی به بدهی‌های دولت و استقراض آن از طریق تلفیق بدهی‌ها، خطر تعدیل‌های بی‌نظم‌شده توسط بازار را افزایش می‌دهد، در حالی که چرخش بیش از حد ناگهانی به سمت سخت‌گیری‌های مالی نیز می‌تواند خود را شکست دهد و به فعالیت‌های اقتصادی آسیب برساند.



در اواخر ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، برقراری آرامش نسبی در بازارهای انرژی و مواد غذایی و از بین رفتن اثر تکانه‌های برون‌زاد این بازارها، به همراه کنترل موثر طرف تقاضا از سوی سیاست‌های انقباضی پولی باعث شد تورم جهانی تحت کنترل درآید

۶۲



اقتصاد

• شماره ۶۶ - آبان ۱۴۰۳ •

جهان از جمله آمریکای لاتین و اتحادیه اروپا نیز بدتر شده است.

در مواجهه با افزایش رقابت خارجی و ضعف‌های ساختاری در تولید و بهره‌وری، بسیاری از کشورها در حال اجرای اقدامات سیاستی صنعتی و تجاری برای حمایت از کارگران و صنایع داخلی خود هستند. البته، با اینکه اقدامات سیاستی صنعتی و تجاری گاهی اوقات می‌تواند سرمایه‌گذاری و فعالیت را در کوتاه‌مدت برای یک کشور تقویت کند، اغلب به اقدامات و واکنش‌های تلافی‌جویانه منجر می‌شود و در بهبود پایدار استانداردهای زندگی شکست می‌خورد. بنابراین، رشد اقتصادی باید از اصلاحات داخلی بلندپروازانه‌ای حاصل شود که فناوری و نوآوری را تقویت می‌کند، رقابت و تخصیص منابع را بهبود می‌بخشد، و ادغام اقتصادی بیشتر و سرمایه‌گذاری خصوصی مولد را تحریک می‌کند.

خلاصه و جمع‌بندی

به طور خلاصه، الف- اقتصاد جهان طی سال‌های ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ درگیر افزایش فشارهای تورمی بوده است که این پدیده با شروع درگیری بین روسیه و اوکراین در اوایل سال ۲۰۲۲ نمود بیشتری پیدا کرد. ب- بانک‌های مرکزی جهان در مقابله با تورم، اغلب به اعمال سیاست‌های پولی انقباضی از طریق افزایش نرخ‌های بهره سیاستی اقدام کردند.

ج- بنا بر آخرین گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان که از طرف صندوق بین‌المللی پول در اکتبر ۲۰۲۴ منتشر شده است، هم‌اکنون تورم در بیشتر کشورهای جهان تحت کنترل درآمده است و به نظر می‌رسد این آغازی بر پایان سیاست‌های انقباضی بانک‌های مرکزی باشد.

د- نتیجه موفقیت‌آمیز مبارزه با افزایش قیمت‌ها و کنترل تورم تنها از طریق واکنش بانک‌های مرکزی حاصل نشده است، بلکه باید این دستاورد را در عوامل موجد تورم و تحول آنها در چند سال گذشته جست‌وجو کرد.

و- علل ایجادکننده تورم در این چند سال تنها محدود به یک مورد نیست. ایجاد اختلال در زنجیره عرضه در ابتدای همه‌گیری کرونا، تشدید تقاضا به محض فروکش آثار همه‌گیری و اثر برون‌زای آغاز درگیری روسیه و اوکراین در بازارهای جهانی انرژی و مواد خام غذایی در ترکیب با هم، تورم بالای سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ را رقم زدند.

ز- واکنش بانک‌های مرکزی به تورم از طریق افزایش نرخ‌های بهره سیاستی تنها توانست

سمت تقاضا و نیز انتظارات تورمی را مدیریت کند، در حالی که در سمت عرضه اختلالات زنجیره عرضه ناشی از همه‌گیری با فروکش آن برطرف شد، همچنین با کاهش شدت درگیری روسیه و اوکراین اثرات آن بر بازارهای جهانی انرژی و مواد غذایی از بین رفت و قیمت این مواد خام کاهش یافت و به سطوح اولیه بازگشت.

از سوی دیگر در برخی از کشورهای توسعه‌یافته با افزایش ورود مهاجرین و تسهیل فرایند اعطای ویزای کار و اقامت، فشارها در بازار کار کم و از مارپیچ قیمت-دستمزد اجتناب شد.

ترکیب همه این موارد با هم توانست به کنترل موفقیت‌آمیز تورم بدون وقوع رکود اقتصادی قابل توجه بینجامد و به اصطلاح فرود نرمی را برای سیاست‌گذاران و اقتصادهای بیشتر کشورها در مقابله با تورم رقم بزند. ح- به نظر می‌رسد در حال حاضر برای حفظ وضعیت موجود و نیز پرهیز هرچه بیشتر از وقوع رکود، نیاز به چرخش‌هایی در برخی از حوزه‌های اقتصاد وجود دارد که در گزارش صندوق بین‌المللی پول به سه محور اشاره‌ای خاص شده است. ط- اولین تغییر محور در حوزه سیاست پولی است که زمان اندکی از شروع انجام آن می‌گذرد و اغلب بانک‌های مرکزی اقدام به این کار کرده‌اند. کاهش نرخ بهره بالاخص در اقتصادهای پیشرفته می‌تواند از وقوع رکود در اقتصادهای در حال توسعه نیز جلوگیری کند. محور دوم حول وضعیت مالی دولت‌هاست و باید اقدامات اساسی در راستای مدیریت بدهی‌های دولت‌ها و کنترل و به نظم درآوردن پویایی‌های آن انجام پذیرد و دست آخر باید به سمت سیاست‌های افزایش‌دهنده رشد پیش رفت و از طریق اقدامات افزایش‌دهنده رشد و بهره‌وری بتوان طرف عرضه اقتصاد را تقویت کرد و از این طریق نیز از فشارهای تورمی کاست. ی- در نهایت، باید متذکر شد در حال حاضر جهان تحت سلطه اختلالات عرضه - ناشی از آب‌وهوا، سلامت، و تنش‌های ژئوپلیتیکی - است. برای سیاست‌پولی همیشه سخت‌تر است که تورم را در مواجهه با چنین تکانه‌هایی که هم‌زمان قیمت‌ها را افزایش و تولید را کاهش می‌دهند، مهار کند. به عبارت دیگر، سیاست پولی، سیاست سمت تقاضاست و استفاده از آن برای مقابله با تکانه‌های سمت عرضه فاقد کارایی کامل است.

• این مطلب برگرفته از گزارش ایلناز ابراهیمی است که در پژوهشکده پولی و بانکی تهیه شده و سجاد ابراهیمی ناظر علمی آن بوده است.



دیدگاه ۱۶ صاحب نظر اقتصادی درباره اثر ترامپ بر اقتصاد ایران



ibena.ir
Iranian bank & economy agency



علی سرزعی
اقتصاددان

بخشی از جامعه ایران تا حد زیادی نسبت به مسئله ترامپ حساس است؛ اما با آمدن ترامپ اتفاق عجیبی در اقتصاد ما رخ نخواهد داد



رحیم زارع

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

رئیس جمهور آمریکا نمی تواند مانع راه اقتصاد ما باشد، در شرایط فعلی حذف ۲ میلیون بشکه نفت ایران از بازار جهانی ممکن نیست



غلامرضا تاج گردون

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

نباید نگران ترامپ باشیم، زیرا اقتصاد ایران به خوبی آموخته که در شرایط مختلف چگونه رفتار کند و تجربه دهه ۹۰ تکرار نمی شود



حمید حسینی

عضو اتاق بازرگانی ایران

اقتصاد ما به مرحله ای رسیده که مثل سابق تحت تاثیر اتفاقات سیاسی قرار نمی گیرد و تنها نوسانات اندک و ناپایداری را تجربه می کند



احمد مجتهد
اقتصاددان

ترامپ تمایلی به مشارکت در فعالیت های خارجی ندارد و حضور او می تواند موجب کاهش تنش های خاورمیانه و بهبود وضعیت شود



شعبان فروتن

عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی ایران و عراق

ترامپ همواره ثابت کرده اهل معامله است و اتفاقاً این بار هم خلاف دوره قبلی، اعلام کرد با ایران به توافق خواهد رسید



عباس ملکی

دبیرکل و استاد دانشگاه صنعتی شریف

اگر در سیاست خارجی رویکرد تجاری داشته باشیم، با حضور ترامپ بر مسند ریاست جمهوری هم می توانیم با آمریکا به نتیجه برسیم



مرتضی عزتی

اقتصاددان

ترامپ به دنبال گسترش جنگ نیست، بلکه بیشتر مایل به توافق و صلح است و این موضوع مانع هیجانات نرخ ارز می شود



امیر شهریاری

عضو اتاق بازرگانی ایران

اقتصاد ایران آنقدر ظرفیت و تجربه دارد که حتی با رئیس جمهور شدن ترامپ هم گرفتار تحریم ها نشود



منصور ملکی

کارشناس مسائل اقتصادی

با روی کار آمدن ترامپ شاید انتظارات توری و تحریر و بازارهای مالی دچار اندک نوسانی شوند؛ اما این اثر مقطعی و کوتاه مدت است



علیرضا نثاری

نماینده مجلس

کاهش شدن مجدد ایز پس از پایان انتخابات آمریکا نشان می دهد که جو روانی پیروزی ترامپ در بازار ارز ایران پیشخور شده است



یوسف حسینی

رئیس پیشین کمیته ارزی اتاق بازرگانی ایران

القای پیامد منفی بر اقتصاد ایران با ریاست جمهوری ترامپ، جوسازی رسانه های معاند خارجی و سوداگران ارزی است



ولی اله منصوری

عضو اتاق بازرگانی ایران

ترامپ به جای جنگ به دنبال معامله کردن است و این هیجانات بازار بعد از چند روز تخلیه خواهد شد



محمد رضا زنجیر فلاح

اقتصاددان

اگر ترامپ به دنبال کاهش تنش های خاورمیانه و توافق باشد، احتمال ایجاد فضای مثبت در اقتصاد ایران افزایش می یابد



محمد مهدی رئیس زاده

عضو اتاق بازرگانی ایران

اولویت ترامپ مسائل داخلی آمریکاست و جناح جمهوری خواه مانع از گسترش جنگ در خاورمیانه خواهد شد



محمد حسین روشنگر

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و تاجیکستان

با حضور ترامپ سختگیری بیشتری اعمال نمی شود و اساساً فرقی ندارد جمهوری خواه یا دموکرات رئیس جمهور آمریکا شود



سرمایه‌گذاری در بانک‌های فیلیپینی افزایش یافت

استمرار فشارهای تورمی تیغ دولبه بانکداران فیلیپینی

- فقر گسترده در فیلیپین، به ویژه در مناطق روستایی، پتانسیل رشد بخش‌های بانکی و خدمات مالی را با مشکل مواجه می‌کند
- بستر جامع خدمات مالی و بانکی فیلیپین در سال‌های اخیر توسعه یافته است
- محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای فیلیپین (BIRI)، عدد ۳۱۰۴۸ از ۱۰۰ را نشان می‌دهد
- انتظار رشد مثبت صنعت بانکداری فیلیپین در افق کوتاه‌مدت وجود دارد

۶۴



اقتصاد

● شماره ۶۶ - آبان ۱۴۰۳ ●

بررسی گزارش موسسه اعتبارسنجی فیچ نشان می‌دهد که بستر جامع خدمات مالی و بانکی فیلیپین در سال‌های اخیر توسعه یافته است، به طوری که ارائه محصولات و خدمات متنوع و همچنین خدمات نوآورانه دیجیتال، نرخ موثر تقاضا در بخش‌های مختلف این بستر را افزایش داده است. به همین دلیل، انتظار می‌رود متوسط نرخ رشد بخش‌های مختلف صنعت خدمات مالی و بانکی فیلیپین در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، مثبت باشد. به عنوان نمونه، بانک‌های فیلیپینی به خوبی در مقابل پیامدهای بدتر شدن شرایط کلان اقتصادی در جهان، به وسیله بافرهای سرمایه قوی و نقدینگی بالا، محافظت می‌شوند. با این حال، افزایش نرخ بهره باعث کاهش تقاضای اعتبارات و تسهیلات بانکی در چشم‌انداز کوتاه‌مدت خواهد شد. همچنین در صنعت بیمه فیلیپین، ما انتظار سازگار شدن زود هنگام فناوری‌های جدید در این بازار، بهبود کارایی عملیاتی بیمه‌گران و افزایش حاشیه سود این صنعت را داریم. در صنعت مدیریت دارایی فیلیپین، آزادسازی مقررات از پیچیدگی‌های محدودکننده موجود، با افزایش تقاضا در حوزه سرمایه‌گذاری‌های خرده‌فروشی، بازیگران بیشتری را تشویق به ورود به این بازار می‌کند و در نهایت، به نظری می‌رسد که بورس اوراق بهادار فیلیپین از حیث تعداد شرکت‌های نمایه شده در آن، کوچک باقی بماند، اما احتمالاً این بستر شاهد افزایش ارزش دارایی‌ها و معاملات خود تا پایان چشم‌انداز کوتاه‌مدت خواهد بود.

در حالی که سطوح نسبتاً بالای تسهیلات غیرجاری (NPL) به عنوان یک دغدغه و نگرانی دائمی برای صنعت بانکداری فیلیپین باقی خواهد ماند، اما با این حال، این بازار در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، رشد مثبت در نرخ تسهیلات اعتباری را تجربه خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود که توسعه نظام‌های پرداخت نوآورانه و نئوبانک‌های محلی، این صنعت را همچنان رقابتی نگه داشته و امکان گسترش فعالیت‌های ادغام و تملک را در این بازار، قوت می‌بخشد. با این حال، استمرار فشارهای تورمی، یک تیغ دولبه برای بانکداران خواهد بود. زیرا از یک طرف، افزایش بالقوه

نرخ بهره به سودآوری بانک‌ها کمک می‌کند اما از سوی دیگر، به دامنه خدمات حوزه پرداخت تسهیلات، آسیب می‌رساند. در صنعت بیمه فیلیپین، افزایش قابل توجه کاربران و متقاضیان خدمات و محصولات در هر دو حوزه بیمه عمر و بیمه‌های عمومی و تخصصی در افق میان‌مدت تا بلندمدت ۲۰۳۲، پیش‌بینی می‌شود. اما با این حال، پیش‌بینی‌های نرخ رشد حق بیمه‌های این صنعت در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو، افقی خواهد بود. از سوی دیگر، افزایش میزان بلایای طبیعی در فیلیپین ممکن است با ایجاد جهش در مطالبات بیمه‌گران، بی‌ثباتی زمانی را در این بازار ایجاد کند. در حالی که این امر می‌تواند باعث نوسانات بیشتر در صنعت بیمه فیلیپین در سال‌های آتی و در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت شود، توسعه مدل‌های بیمه‌ای مرتبط با آب و هوا و InsurTech باید به کمک این صنعت بشتاب تا از کاهش حاشیه سود شرکت‌های بیمه در این بازار، جلوگیری شود.

پیش‌بینی شده است که وضعیت صنعت مدیریت دارایی فیلیپین به وسیله آزادسازی برنامه‌ریزی شده بازار و طراحی و تدوین مجموعه‌ای جدید از قوانین و مقررات مرتبط با خدمات و محصولات و همچنین حذف لوايح حقوقی پیچیده و محدودکننده، پایدارتر شود. انتظار می‌رود که بازار مدیریت دارایی فیلیپین همچنان به عنوان یک بازار نوآورانه، در عین حال کوچک و با پتانسیل بالقوه برای رشد پُرشتاب در افق‌های آتی، باقی بماند. در حقیقت، به سبب توسعه فناوری‌های دیجیتالی و بسترهای مبتنی بر فین تک، این صنعت می‌تواند از افزایش تعداد سرمایه‌گذاران خرد بهره‌مند شود و استمرار تقاضای ثابت مشتریان این بازار، موجب رشد قابل توجه روند تقاضای محصولات و خدمات مرتبط با شرکت‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری در سال‌های آینده خواهد شد. با این حال، تضعیف بازارهای سرمایه و مدیریت دارایی در جهان و همچنین افزایش فشارهای تورمی، باری مضاعف بردوش این صنعت خواهد بود و می‌تواند بازدهی مثبت عملکرد فعالان این حوزه در افق کوتاه‌مدت را به میزان قابل توجهی، کاهش دهد.

بورس اوراق بهادار فیلیپین، یکی از کوچک‌ترین پلتفرم‌های سهامی در منطقه از نظر ارزش بازار است. در حقیقت، بازار سرمایه فیلیپین وابستگی زیادی به تحولات و نوسانات بازارهای بین‌المللی و در عین حال، سرمایه‌گذاران

انتظار می‌رود
متوسط نرخ
رشد بخش‌های
مختلف صنعت
خدمات
مالی و بانکی
فیلیپین در
افق کوتاه‌مدت
پیش‌رو، مثبت
باشد



آزادسازی انجام شده در صنعت مدیریت دارایی فیلیپین، امکان سرمایه گذاری بیشتر از سوی خارجیان در این کشور را فراهم می کند

خارجی محدودی دارد. جمعیت روبه رشد طبقه متوسط جامعه فیلیپین و رشد اقتصادی نسبتاً مناسب، می تواند موجب افزایش ارزش بازار و افزایش گردش معاملات روزانه این بازار شود. با این حال، چالش های اقتصادی سال های اخیر به طور قابل توجهی بر بازار سرمایه فیلیپین تأثیر گذاشته و باعث شده که شاخص معیار معاملات PSEi یکی از بدترین عملکردهای پس از پاندمی کرونا را در میان همتایان خود در منطقه جنوب شرق آسیا، به ثبت برساند.

خلاصه چشم انداز نسبت به آخرین روندها و تحولات

پیش بینی شده است که نرخ رشد کلی حق بیمه های ناخالص ثبت شده رسمی در صنعت بیمه فیلیپین در پایان افق کوتاه مدت پیش رو، به ۴.۲ درصد برسد. همچنین انتظار می رود که ارزش بازار بیمه های عمر، ۳ درصد و ارزش بازار بیمه های عمومی و تخصصی، ۸ درصد افزایش یابد. پیش بینی شده است که ارزش بازار بورس اوراق بهادار فیلیپین تا پایان چشم انداز کوتاه مدت، به ۱۶.۵ تریلیون پیروی فیلیپین برسد.

وضعیت شاخص ریسک صنعت مالی و بانکداری فیلیپین

محاسبه امتیاز شاخص ریسک صنعت بانکداری برای فیلیپین (BIRI)، عدد ۳۱۰۴۸ از ۱۰۰ را نشان می دهد که حکایت از سطوح بالای ریسک بخش بانکی برای اتمسفر مالی و اقتصادی فیلیپین دارد و بازتابی از ضعف های اساسی این بخش به دلیل یک پس زمینه نظارتی ضعیف و موقعیت کسری مالی بالای دولت است. با این امتیاز، فیلیپین در رتبه بندی ۱۲۲ کشوری این شاخص، در جایگاه هشتماد و هشتم جهان قرار گرفته است. امتیاز BIRI پایین فیلیپین نسبت به سایر بازارهای منطقه ای در شرق آسیا، نشان دهنده بنیان های ساختاری متزلزل نظام بانکی و آسیب پذیری نسبتاً بالای این بخش در مواجهه با بحران ها و تنش های مالی است.

تحلیل بازار خدمات بانکی و مالی فیلیپین بر مبنای ماتریس SWOT

نقاط ضعف

- بازیگران و فعالان بازارهای مالی با درجه بالایی از قرار گرفتن در معرض جرایم مالی مانند پولشویی، جرایم سایبری و فرار مالیاتی مواجه هستند که عمدتاً به دلیل سطوح بالای فساد، حضور گروه های تروریستی و شیوع جرایم

سازمان یافته در فیلیپین است.

- فقر گسترده در فیلیپین، به ویژه در مناطق روستایی، پتانسیل رشد بخش های بانکی و خدمات مالی را با مشکل مواجه می کند.
- محیط نظارتی صنعت بیمه گاهی غیرشفاف است و برای سرمایه گذاران عدم اطمینان ایجاد می کند.
- بورس اوراق بهادار فیلیپین، یکی از کوچک ترین بازارهای سرمایه در منطقه شرق و جنوب شرق آسیا است.

نقاط قوت

- سطح خوب سرمایه گذاری های انجام شده در حوزه های فناورانه و دیجیتال، انعطاف پذیری و کارایی را در بخش های مختلف صنعت خدمات مالی و بانکی فیلیپین افزایش می دهد.
- مکانیزم های نظارتی کارآمد، ثبات پایدار را برای همه بخش های بستر جامع خدمات مالی و بانکی فیلیپین به ارمغان می آورد.
- آزادسازی در صنعت مدیریت دارایی فیلیپین، امکان انجام سرمایه گذاری های موثرتر را فراهم می کند.
- افزایش علاقه مشتریان خرد به محصولات و خدمات مالی نوآورانه و دیجیتال، باعث افزایش تقاضا در تمامی طبقات دارایی ها و موقعیت های سرمایه گذاری در فیلیپین می شود.
- سازگار شدن سریع بازار مالی و بانکی فیلیپین در مواجهه با فناوری های پرداخت جدید، درآمد فعالان و بازیگران این بخش ها را افزایش داده و عملکردهای مالی و بانکی را کارآمدتر می کند.

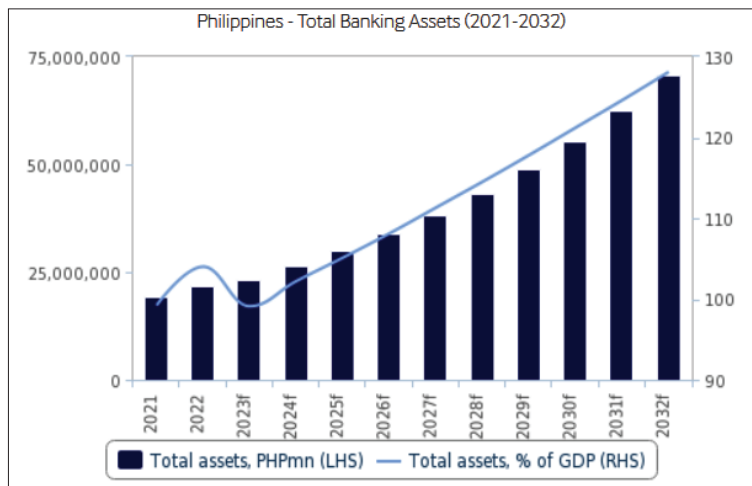
تهدیدها

- کوچک بودن بازار سرمایه فیلیپین، آن را متکی به نوسانات جهانی کرده است.
- حجم فزاینده ای از بلایای طبیعی باعث جهش خسارت های بیمه ای در فیلیپین شده است.
- با بلوغ تدریجی بستر جامع مالی کشورهای جنوب شرق آسیا، صنعت بانکداری سنتی فیلیپین با چالش افزایش ورود و رقابت بانک های خارجی در این کشور روبرو خواهد شد.

فرصت ها

- آزادسازی انجام گرفته در صنعت مدیریت دارایی فیلیپین، امکان سرمایه گذاری بیشتر از سوی خارجیان در این کشور را فراهم می کند.
- توسعه مالی پایدار می تواند سرمایه گذاران بیشتری را به بستر جامع خدمات مالی و بانکی فیلیپین جذب کند.
- ظهور نئوبانک ها می تواند موجب بهبود ارائه

نمودار ۱
رشد سالانه کل دارایی‌های
بانکی فیلیپین (۲۰۲۱-۲۰۳۲)



چشم‌انداز رقابتی آتی در صنعت بانکداری فیلیپین

بانک‌های عامل برتر فیلیپین در افق ۲۰۳۲

- شرکت بانکداری خرد بی دی او یونی بانک (BDO Unibank)

شرکت بانکداری خرد بی دی او یونی بانک، با مجموع دارایی ۴۰۰۷ تریلیون پزو فیلیپین، بزرگترین بانک تجاری این کشور از نظر حجم و ارزش دارایی محسوب می‌شود. بی دی او یونی بانک یک بانک تجاری پیشرفته، مدرن و پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار فیلیپین است. این بانک مجموعه‌ای کاملی از خدمات بانکی، از جمله کلیه خدمات مرتبط با مشتریان شرکتی، نهادی و خرد، سپرده‌گذاری ارزی، خدمات کارگزاری بورس، سرمایه‌گذاری و تامین اعتبارات کلان را ارائه می‌دهد. همچنین بی دی او یونی بانک دارای یک بازوی بانکداری خصوصی، یک بازوی بانکداری سرمایه‌گذاری و یک بازوی بانکداری روستایی است. این بانک شبکه‌ای مشتمل بر ۱۴۰۰ شعبه داخلی و بیش از ۴۴۰۰ دستگاه خودپرداز در سراسر فیلیپین داشت که پس از تصاحب مالکیت شرکت بانکداری تجاری سیتی، این میزان از امکانات نیز افزایش خواهد یافت.

- شرکت خدمات مالی مترو بانک

Metropolitan Bank & Trust Company (Metrobank)
شرکت خدمات مالی مترو بانک، با ارزش دارایی ۲۰۸۴ تریلیون پزو فیلیپین، در جایگاه

خدمات مالی و بانکی به شهروندان بدون امکان دسترسی به بانک شود و بهره‌برداری از بازارهای بالقوه جدید را فراهم نماید.

- نرخ‌های شمول مالی پایین هم در صنعت بانکداری و هم در صنعت بیمه، پتانسیل عظیمی را برای رشد آتی بلندمدت در فیلیپین ایجاد می‌کند.

بازار خدمات صنعت بانکداری در فیلیپین

با وجود بدتر شدن شرایط کلان اقتصادی در جهان، ما انتظار رشد مثبت در صنعت بانکداری فیلیپین در افق کوتاه‌مدت پیش‌رو را داریم. بانک‌های فیلیپینی به خوبی به وسیله بافرهای نقدینگی قوی، سرمایه‌گذاری شده‌اند که این امر، انعطاف‌پذیری نظام بانکداری این کشور را تقویت خواهد کرد. با این حال، با ادامه روند احتمالی افزایش نرخ‌های بهره، حجم تسهیلات غیرجاری (NPL) در افق میان‌مدت تشدید خواهد شد که این مسئله برای بیشتر بانک‌ها و تنظیم‌کننده‌های مالی، نگران‌کننده خواهد بود. (نمودار ۱)

با وجود التهايات تومى و اقتصادى موجود، پيش‌بینى مى‌شود كه ارزش كل دارايى‌هاى بانكى در فيليپين در افق کوتاه‌مدت پيش‌رو، يك رشد قابل توجه ۱۴ درصدى را تجربه كند. انتظار مى‌رود كه در افق‌هاى آتى نزديك به امروز، نئوبانك‌هاى فيليپينى، بخش عمده‌اى از بازار پرداخت‌هاى حواله‌اى ۳۵ ميليارى دلارى اين كشور را از ساير وام دهندگان و پلتفرم‌هاى غيربانكى، بربايند.

توسعه مالی
پایدار می تواند
سرمایه گذاران
بیشتری را به
بستر جامع
خدمات مالی و
بانکی فیلیپین
جذب کند

دومین بانک بزرگ تجاری این کشور قرار گرفته است. مترو بانک در سال ۱۹۶۲ در فیلیپین تأسیس شد و مجوز جهانی بانکداری خود را در سال ۱۹۸۱ به دست آورد. این بانک دارای یک شبکه داخلی با بیش از ۹۶۰ شعبه و ۲۳۰۰ دستگاه خودپرداز در سراسر فیلیپین و بیش از ۳۰ شعبه و نمایندگی خارج از کشور است. مترو بانک یک بانک جهانی است که طیف کاملی از خدمات را به افراد حقیقی و شرکت های بزرگ داخلی و چند ملیتی ارائه می دهد و این خدمات شامل مواردی نظیر خدمات حوزه بیمه های عمر و بیمه های عمومی و تخصصی، بانکداری خصوصی، مدیریت سرمایه گذاری، کارت های اعتباری و تأمین مالی توسعه املاک و مستغلات می شود. این بانک دارای سهام قابل توجهی در شرکت های تابعه محلی و بین المللی، مانند First Metro Investment Corporation، Metrobank Card Corporation، Orix Metro Leasing and Finance Corporation و بانک پس انداز فیلیپین است.

• شرکت خدمات بانکداری و مالی بانک جزایر فیلیپین (Bank of the Philippine Islands)

شرکت خدمات بانکداری و مالی بانک جزایر فیلیپین، با ارزش کل دارایی ۲۰۵۳ تریلیون پزوی فیلیپین، به عنوان سومین بانک بزرگ تجاری این کشور شناخته می شود. بانک جزایر فیلیپین، قدیمی ترین نهاد بانکی در این کشور و پیشگام در حوزه بانکداری روستایی است. این بانک دارای شبکه ای مشتمل بر بیش از ۸۰۰ شعبه (از جمله یک شبکه بزرگ روستایی) در سراسر فیلیپین، اروپا و هنگ کنگ، چین و نزدیک به ۳۰۰۰ دستگاه خودپرداز و دستگاه های سپرده نقدی است. بانک جزایر فیلیپین یک سیستم جدید مدیریت پول نقد مبتنی بر تلفن همراه راه اندازی کرده است و در واقع این فناوری جدید، اولین پلتفرم بانکداری همراه در فیلیپین محسوب می شود.

• شرکت بانکداری چین (China Banking Corporation)

شرکت بانکداری چین، با مجموع دارایی ۱۰۳۲ تریلیون پزوی فیلیپین، چهارمین بانک بزرگ تجاری در این کشور از منظر ارزش و حجم دارایی است. بانک چین در سال ۱۹۲۰ به عنوان یکی از اولین بانک های تجاری محلی خصوصی در فیلیپین تأسیس شد. در ۱۶ آگوست ۱۹۲۰، شعبه تجاری بین المللی شرکت بانکداری چین افتتاح شد، اما در سال ۱۹۴۲

هنگامی که ژاپن به فیلیپین حمله کرد، توسط مقامات نظامی ژاپن منحل شد. این بانک بار دیگر در ۲۳ ژوئیه ۱۹۴۵ بازگشایی شد و به یکی از اولین بانک های محلی فهرست شده در بورس اوراق بهادار فیلیپین در سال ۱۹۲۷ مبدل شد. شرکت بانکداری چین در مجموع ۶۲۱ شعبه و ۹۷۲ دستگاه خودپرداز دارد. در سال ۲۰۱۸، اپلیکیشن موبایلی این بانک برای بهبود سهولت ارائه برخی از خدمات بانکی به مشتریان راه اندازی شد.

• شرکت بانکداری تجاری ریزال

Rizal Commercial Banking Corporation (RCBC) شرکت بانکداری تجاری ریزال، با ارزش دارایی ۱۰۱۵ تریلیون پزوی فیلیپین، در جایگاه پنجمین بانک بزرگ تجاری این کشور قرار گرفته است. این شرکت بانکداری متعلق به گروه شرکت های Yuchengco، یکی از قدیمی ترین و بزرگ ترین شرکت ها در آسیای جنوب شرقی که بیش از ۶۰ کسب و کار را پوشش می دهد، است. گروه بانکداری ریزال دارای شبکه ای مشتمل بر بیش از ۴۶۲ شعبه و ۲۹۱۱ دستگاه خودپرداز می باشد.

بازار خدمات صنعت بیمه در فیلیپین

در صنعت بیمه فیلیپین، افزایش قابل توجه کاربران و متقاضیان خدمات و محصولات در هر دو حوزه بیمه عمر و بیمه های عمومی و تخصصی در افق میان مدت تا بلندمدت ۲۰۳۲، پیش بینی می شود. اما با این حال، پیش بینی های نرخ رشد حق بیمه های این صنعت در افق کوتاه مدت پیش رو، افقی خواهد بود. از سوی دیگر، افزایش میزان بلایای طبیعی در فیلیپین ممکن است با ایجاد جهش در مطالبات بیمه گران، بی ثباتی مزمینی را در این بازار ایجاد کند. در حالی که این امر می تواند باعث نوسانات بیشتر در صنعت بیمه فیلیپین در سال های آتی و در افق های میان مدت و بلندمدت شود، توسعه مدل های بیمه ای مرتبط با آب و هوا و InsurTech باید به کمک این صنعت بشتابد تا از کاهش حاشیه سود شرکت های بیمه در این بازار، جلوگیری شود.

پیش بینی شده است که نرخ رشد کلی حق بیمه های ناخالص ثبت شده رسمی در صنعت بیمه فیلیپین در پایان افق کوتاه مدت پیش رو، به ۴۰ درصد برسد. همچنین انتظار می رود که ارزش بازار بیمه های عمر، ۳ درصد و ارزش بازار بیمه های عمومی و تخصصی، ۸ درصد افزایش یابد. به گفته صاحب نظران این حوزه، صنعت بیمه فیلیپین ممکن است



هر ساله حدود ۳۰۵ میلیارد دلار خسارت ناشی از بلایای طبیعی را متحمل شود که اتفاق بسیار بغرنجی برای فعالان این بازار خواهد بود.

چشم‌انداز رقابتی آتی در صنعت بیمه فیلیپین

صنعت بیمه فیلیپین همچنان به رشد قوی، به ویژه در بخش بیمه‌های عمومی و تخصصی در افاق‌های آتی ادامه خواهد داد. فیلیپین به عنوان بازاری برای بیمه عمر، اشتراکات زیادی با اندونزی و تایلند دارد و به دلیل قیمت بالای حق بیمه‌ها و درآمد سرانه پایین، فقط تعداد کمی از مردم فیلیپین می‌توانند از بیمه عمر استفاده کنند.

پیش‌بینی می‌شود که تا پایان افق کوتاه‌مدت، ضریب نفوذ صنعت بیمه تنها ۵۰۹ درصد از تولید ناخالص داخلی باشد. افزایش زبان‌های بیمه‌ای ناشی از رویدادهای مرتبط با آب و هوا باعث می‌شود که بازیگران کوچک‌تر بتوانند به طور موثر سبدهای خود را پوشش دهند. علاوه بر این، الزامات جدید سرمایه‌گذاری می‌تواند بسیاری از بازیگران کوچک‌تر این صنعت را مجبور به تن دادن به فرآیند ادغام و تملک کند. همه‌گیری کرونا احتمالاً آگاهی نسبت به مزایای خدمات بیمه‌ای را در بین مردم فیلیپین افزایش داده است، تا حدی که پیش‌بینی می‌شود شاهد رشد متوسط ۴۰۵ درصدی در تقاضای موثر خدمات بیمه‌ای تا پایان سال ۲۰۲۷ باشیم.

بازار خدمات صنعت مدیریت دارایی در فیلیپین

ما انتظار داریم که در افق کوتاه‌مدت، صنعت مدیریت دارایی فیلیپین به دلیل بدتر شدن پس‌زمینه اقتصادی و التهابات تورمی، حتی با وجود رشد طبقه متوسط و افزایش تعداد افراد دارای سرمایه‌های کلان، به گندی رشد کند. علاوه بر این، با توجه به اندازه

کوچک فعلی بازار، فعالیت سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت محدود باقی خواهد ماند. با این حال، این صنعت می‌تواند از تعداد فزاینده سرمایه‌گذاران و توسعه نوآوری‌ها در محصولات و خدمات بهره‌مند شود. در کل می‌توان گفت که آشفتگی اخیر بازار سرمایه جهانی و فشارهای تورمی همچنان بر صنعت مدیریت دارایی فیلیپین فشار می‌آورد و می‌تواند احتمال بازدهی مثبت در چشم‌انداز کوتاه‌مدت پیش‌رو را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. صنعت مدیریت دارایی فیلیپین، یک بازار مالی کوچک با نقدینگی محدود است و بنابراین به شدت به بازارهای جهانی وابسته است. بخش اعظمی از سرمایه در گردش این صنعت مربوط به شرکت‌های داخلی فیلیپینی است که فعالیت آنها شدیداً متکی به بازیگران اصلی جهان در بازارهای بورس، سهام، کالا و خدمات است. با این حال، با توجه به رشد طبقه متوسط، محبوبیت محصولات سرمایه‌گذاری و دیجیتالی شدن بازار، که موانع ورود سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد، این صنعت فرصت‌هایی را برای بازیگران جدید فراهم خواهد کرد. در حقیقت، بازار مدیریت دارایی فیلیپین به آهستگی در حال بلوغ است و ارائه انواع طبقات دارایی‌ها و محصولات مالی و توسعه بازار به وسیله موج آزادسازی مقررات، وضعیت آتی این صنعت را بهبود خواهد بخشید.

بستر خدمات بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار در فیلیپین

بورس اوراق بهادار فیلیپین (PSE) یکی از قدیمی‌ترین پلتفرم‌های سهامی در آسیا و یکی از اعضای فدراسیون جهانی بورس‌ها و فدراسیون بورس‌های آسیایی و اقیانوسیه است. طبق آخرین آمار، تعداد ۲۸۶ شرکت در بورس اوراق بهادار فیلیپین نمایه شده است.

ظهور
نئوبانک‌ها
می‌تواند
موجب بهبود
ارائه خدمات
مالی و بانکی
به شهروندان
بدون امکان
دسترسی به
بانک شود



تسهیلات غیرجاری بالا نگرانی دائمی صنعت بانکداری فیلیپین

در حالی که سطوح نسبتاً بالای تسهیلات غیرجاری به عنوان یک دغدغه و نگرانی دائمی برای صنعت بانکداری فیلیپین باقی خواهد ماند، اما با این حال، این بازار در افق کوتاه مدت پیش‌رو، رشد مثبت در نرخ تسهیلات اعتباری را تجربه خواهد کرد.



اقدامات بانکداران مرکزی برای مهار تورم (۱)

مسیر مبارزه با تورم در اقتصاد سنگاپور چگونه شکل گرفت؟

- اصلاح ساختار نظام بانکی، اولین اقدام موثر بانک مرکزی سنگاپور در راستای مدیریت تورم بود
- یکی از اقدامات بانک مرکزی سنگاپور، نظارت و کنترل بر ترازنامه بانک‌های این کشور بود
- بانک مرکزی سنگاپور توانست شاهراه خلق نقدینگی بی‌رویه و ناکارآمد در اقتصاد این کشور را مسدود کند
- دومین اقدام مهم فدرال بانک سنگاپور در مسیر مبارزه با تورم، طراحی و اجرای سیاست‌های پولی انقباضی از طریق انتشار اوراق قرضه مدت‌دار بود

بحران تمام عیار ارزی را تجربه کردند، تجربه گرانبهتری نسبت به سایر ممالک اروپایی و آمریکایی در جهت مقابله با التهابات تورمی اندوختند و سیاست‌گذاران پولی آنها توانستند در طول بحران‌های مالی ۲۰۰۳، ۲۰۰۸ و بحران پاندمی کرونا ۲۰۱۹، اقدامات کارآمدتری در مواجهه با پیامدهای منفی ناشی از افسارگسیختگی تورمی انجام دهند.

وقتی که به سراغ تحقیق و پژوهش در باب نحوه، چگونگی و سازوکار مدیریت بانکداران مرکزی جهان در مسئله مهار تورم در بیش از دو دهه اخیر می‌رویم، ناممکن است که بخشی از مطالعات معطوف به اقتصادهای جنوب شرق آسیا نشود. حکمرانان سیاسی و اقتصادی این منطقه از جهان، به ویژه اقتصادهای پیشرفته و در حال ظهور، از اواخر دهه ۹۰ میلادی که یک

۷۰



اقتصاد

● شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ ●

یکی از
اقتصادهای
موفق که
موفقیت خود
را مدیون
برنامه ریزی
بهینه و موثر
بانکداران
مرکزی بوده
سنگاپور است

جهت واگذاری و فروش امتیاز بانک یا موسسه مذکور به نهادهای بانکی و مالی دیگر اقدام کنند و در صورت اتمام بازه زمانی مقرر و انفعال عملکردی نسبت به موارد ذکر شده، مالکیت سهمی این نهاد از تمامی سهامداران گرفته شده و به نفع خزانه بانک مرکزی سنگاپور مصادره می شود.

همچنین فدرال بانک سنگاپور در راستای بهبود نسبت کفایت سرمایه بانکها و ارتقای آن به حد استاندارد، اقداماتی مانند شناسایی بانکها و موسسات مالی و اعتباری غیربانکی با کفایت سرمایه زیر متوسط ۵ سال گذشته صنعت بانکداری، ارائه برنامه افزایش سرمایه به بانکهای شناسایی شده و برگزاری مجمع عمومی فوق العاده برای افزایش سرمایه را در دستور کار خود قرار داد و توانست به وضعیت و کیفیت داراییهای نظام بانکی این کشور، سر و سامان ببخشد. اقدام بعدی بانک مرکزی در خصوص نظارت و کنترل بر ترانزنامه بانکهای این کشور بود. در این خصوص بانک مرکزی سنگاپور ضمن پیگیری برنامه کنترل ترانزنامه بانکها و اعمال حدود مجاز رشد ترانزنامه بانکها متناسب با امتیاز احصاء شده حسب شاخصهای سلامت بانکی، اقداماتی مانند اعمال قاعده بر روی سامانه متمرکز اعطای تسهیلات و تعهدات، اصلاح سقف تسهیلات و تعهدات کلان برای بانکهای عدول کننده از حد ماهانه کنترل مقداری ترانزنامه، اصلاح سقف تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط برای بانکهای عدول کننده از حد ماهانه کنترل مقداری ترانزنامه را نیز انجام داد. بدین ترتیب، بانک مرکزی سنگاپور توانست اولین گام در مسیر مبارزه با التهابات تورمی را استوار برداشته و با اصلاح ساختار نظام بانکی این کشور و رسیدگی به چالشهای سرمایه ای و ترانزنامه ای بانکها، شاهراه خلق نقدینگی بی رویه و ناکارآمد در اقتصاد این کشور را مسدود کند.

سیاست گذاری پولی انقباضی و انتشار اوراق قرضه مدت دار توسط بانک مرکزی سنگاپور

دومین اقدام مهم فدرال بانک سنگاپور در مسیر مبارزه با تورم، طراحی و اجرای سیاستهای پولی انقباضی از طریق انتشار اوراق قرضه مدت دار بود. بانک مرکزی به این مهم پی برده بود که به سبب وقوع بحران مالی ۲۰۰۸، جمعیت کثیری از مردم سنگاپور اقدام به خروج سرمایه های خود از بانکهای این کشور کرده و این وجوه را به صورت دارایی نقدی، نگهداری کرده اند. حال با فروکش کردن سیگنالهای منفی این بحران، بخش اعظمی از سپرده های دیداری به صورت وجوه نقدی در اختیار مردم، در مسیر جابجا شدن و داد و ستد قرار گرفته بود و همین امر باعث شده بود که در مدت زمان کمی، سرعت گردش پول

یکی از این اقتصادهای موفق که موفقیت خود را مدیون برنامه ریزی بهینه و موثر بانکداران مرکزی است، سنگاپور است. در حقیقت هسته اصلی محققان و جریان سازان سیاست گذاری کلان پولی این کشور در هنگامه بروز بحرانهای همه گیر جهانی، با طراحی و پیاده سازی سیاستهای کارآمد، عکس العملهای به موقع و متناسبی را در شرایط بغرنج مالی و اقتصادی از خود نشان دادند و توانستند که این کشور را از یک ورشکستگی قریب الوقوع، نجات دهند. مبتنی بر این مهم، در اولین مقاله از پرونده جدید پژوهشی با عنوان "بانکداران مرکزی، میراث داران مهارت تورم"، به سراغ بررسی عملکرد بانک مرکزی سنگاپور در مواجهه با بحرانهای تورمی رفته و عوامل موفقیت سیاست گذاران پولی این کشور را در این زمینه تبیین می نماییم.

چرا بانک مرکزی سنگاپور در مهار تورم موفق عمل کرد؟

اولین برنامه ریزی عملیاتی کارآمد بانک مرکزی سنگاپور در جهت مهار و کنترل نرخ تورم، در اکتبر سال ۲۰۰۹ میلادی و پس از فروکش کردن پیامدهای منفی ناشی از بحران مالی ۲۰۰۸ جهان، در قالب اصلاح بنیادین در ساختار نظام بانکی این کشور به وقوع پیوست. در حقیقت، بحران مالی سال ۲۰۰۸، تلنگر مهم و بزرگی به بانکداران مرکزی و سیاست گذاران پولی سنگاپور نسبت به تزلزل پایه های صنعت بانکداری این کشور و سطوح به شدت شکننده شاخص تاب آوری مالی بازار بانکی سنگاپور زد و به آنها نشان داد که با وجود تمامی تلاشهای صورت گرفته در جهت بهبود وضعیت مولفههای نظام بانکی، این بستر از خلاءهای ساختاری و مالی عظیمی برخوردار است که در صورت مواجهه با تنش ارزی و اقتصادی دیگری، حتی ضعیف تر از بحران مالی وال استریت، فرو خواهد پاشید. در همین راستا بود که در زمستان سال ۲۰۰۹ میلادی، بانک مرکزی سنگاپور، برنامه ملی اصلاحات بنیادین ۴۴ بندی نظام بانکی را به عنوان یک دستورالعمل لازم الاجرا به تمامی بانکها و موسسات مالی و اعتباری این کشور ابلاغ کرد.

به عنوان نمونه، بانک مرکزی سنگاپور در یکی از بندهای مهم این طرح اصلاحات ملی، ضمن شناسایی و قرار دادن بانکها و موسسات اعتباری و مالی غیربانکی ناتراز، ناسالم، ورشکسته و غیرقابل بازسازی در فرآیند واگذاری، ادغام و تملک، به سهامداران عمده این نهادها مالی و بانکی اعلام کرد که موظفند در طول فرصت زمانی ۳۰ روزه کاری داده شده از سوی بانک مرکزی، برای تعیین تکلیف حسابها، سپرده ها، شفاف سازی داراییهای مخدوش و بحث و نتیجه گیری با سهامداران خرد در





به شکل فوق العاده‌ای در اقتصاد سنگاپور افزایش یابد و در نتیجه آن، روند صعودی افزایش قیمت‌ها و تحرکات شدید تورمی آغاز شده بود. در این شرایط بود که بانک مرکزی سنگاپور با ابتکار عمل هوشمندانه خود و به لطف انعطاف‌پذیری بنیادین نظام بانکی این کشور توانست با تغییر سریع در سیاست‌های پولی و اعمال سخت‌گیری بیشتر در اجرای برنامه‌های انقباض پولی، با انتشار اوراق قرضه مدت‌دار، حجم زیادی از سرمایه‌های سرگردان در دست مردم را به جریان بانکی این کشور بازگردانده و عنان مدیریت دارایی‌های کلان شهروندان را تحت مدیریت خود درآورد.

اصلاح سیاست‌گذاری تامین مالی کالا و خدمات ویژه و مزیت دار توسط فدرال بانک سنگاپور

اقتصاد داخلی سنگاپور در اواسط سال ۲۰۱۰، با پیامدها و اثرات مهلک ناشی از تشعشعات اقتصادی به جامانده از بحران مالی ۲۰۰۸ جهانی، مواجه شد که این مسئله، بیش از همه، منتج از کاهش شدید قیمت محصولات و کالاهایی بود که صنعت سنگاپور در تولید آنها مزیت نسبی و مطلق در اتحادیه آسه آن و منطقه جنوب شرق آسیا و حتی جهان داشت و همین امر موجب شده بود که اقتصاد این کشور دچار تشنج شدید و تا حدی غیرقابل کنترل شود، تا بدانجا که نوامبر ۲۰۱۰ و روزهای پایانی منتهی به سال جدید میلادی، کاهش شدید میزان ارزآوری به داخل، به دلیل کاهش غیرقابل کنترل خالص حجم صادرات، نظام مالی سنگاپور را به سوی یک تورم افسارگسیخته پیش می‌برد و شاخص انتظارات تورمی این کشور، شرایط کاملاً ملتهب و اضطرابی برای اقتصاد، سیاست و امنیت عمومی را نشان می‌داد. در این زمان بود که سیاست‌گذاران پولی در بانک مرکزی سنگاپور، با اعلان وضعیت فوق العاده به تمامی نهادها و متولیان مالی و اقتصادی کشور، برنامه ریزی اضطرابی کوتاه مدت و میان مدت مرتبط با هدف گذاری تورمی را عملیاتی کردند. در اولین اقدام در این برهه از زمان در جهت اجرای مکانیزم مهار تورمی، سرعت اصلاح سیاست‌های تامین مالی بخش‌های دارای مزیت نسبی و مطلق در اقتصاد سنگاپور افزایش داده شد تا با خروج این صنایع مهم و حیاتی از رکود، گردش پول و به تبع آن، بازه تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در این کشور و انتظارات تورمی شهروندان سنگاپوری، یک روند منطقی پیدا کرده و در مسیر کاهش قرار گیرد. بدین ترتیب، این رویکرد جسورانه سیاست‌گذاران پولی مرکزی سنگاپوری، نتایج مثبت قابل توجهی در اقتصاد این کشور، به ویژه در حوزه مدیریت انتظارات تورمی و کاهش تدریجی نرخ تورم در یک بازه زمانی ۸ ماهه به طور همزمان، به همراه داشت.

تعیین نرخ هدف رشد نقدینگی در محدوده معین توسط بانک مرکزی سنگاپور

از دیگر اقدامات موثر و کارآمد فدرال بانک سنگاپور در زمینه مدیریت التهابات تورمی، تعیین یک محدوده مجاز و معین برای نرخ هدف رشد نقدینگی این کشور بود. در حقیقت بانک مرکزی سنگاپور در مارس ۲۰۱۱، با جلب نظر شورای اقتصاد ملی این کشور، برنامه جامع سیاست‌گذاری پولی خود را مبتنی بر دستیابی به هدف رشد نقدینگی ۱۲ درصدی عملیاتی و معین کرد. در این طرح، برنامه پولی بانک مرکزی با هدف کنترل رشد خلق پول بانک‌ها از طریق اعمال سقف بر رشد ترانزانه آنها و کاهش رشد سالیانه نقدینگی سنگاپور تا پایان سال ۲۰۱۲ تدوین شد. پیاده‌سازی مولفه‌های اجرایی سیاست‌گذاری جدید این نهاد طی حدود ۲۰ ماه با استفاده از ابزارهای سیاستی و نظارتی بانک مرکزی از جمله عملیات بازار باز، کنترل اضافه برداشت، تنظیم رابطه مالی بخش دولتی سنگاپور و بانک مرکزی و عملیات ارزی در قالب خرید و فروش‌های تحت نظارت ارزی، توانست کمک شایانی به حاکمیت اقتصادی سنگاپور در مسیر مدیریت نرخ تورم و کنترل حجم ورودی پول به اقتصاد داخلی این کشور کند.

منابع:

1. Eklou, Kodjovi M.(2024), "Exchange Rate Pass-Through to Inflation in Singapore – Singapore", IMF Working Paper, International Monetary Fund: Volume 2024: Issue 039, DOI: <https://doi.org/10.5089/9798400283796.018>
2. GHOW-TAN, Hwee Kwan(2023), "Inflation dynamics and expectations in Singapore", Working Paper, Singapore Management University, Institutional Knowledge at Singapore Management University, Research Collection School Of Economics, https://ink.library.smu.edu.sg/cgi/viewcontent.cgi?article=3704&context=soe_research
3. https://www.mas.gov.sg/-/media/MAS/EPG/MR/2021/Oct/MROct21_SF_A.pdf
4. <https://www.mas.gov.sg/-/media/MAS/Monetary-Policy-and-Economics/Education-and-Research/Education/Explorer/Economics-Explorer-2-Inflation.pdf>
5. <https://www.bis.org/publ/bppdf/bis-pap89w.pdf>
6. https://www.efginternational.com/doc/jcr:cb69318e-2b6b-47ba-ab39-f43b-4da0e3d6/lang=en/Infocus_Singapore_exchange_rate.pdf
7. <https://www.adb.org/sites/default/files/publication/156725/adb-dp86.pdf>



اقدامات بانکداران مرکزی برای مهار تورم (۲)

اجرای کار ویژه مدیریت تورمی در بانک مرکزی انگلیس

- مدیران بانک مرکزی انگلیس توانستند با ادله منطقی پیاده سازی مولفه های مرتبط با طرح هدف گذاری تورمی جدید را تحقق بخشند
- با اقدامات ضد تورمی مدیران بانک مرکزی انگلیس، نرخ تورم کالاهای اساسی در بخش مصرف و تولید در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، کاهش پیدا کرد
- بانک مرکزی انگلیس اقدام به اجرای سیاست های پولی انقباضی انعطاف پذیرتر، با امکان اصلاح و بازنگری ماهانه و فصلی در شاخص های عملیاتی کرد
- اقدام ارزنده و قابل تحسین بانک مرکزی انگلیس که مهار و کاهش آن، به کمک بهبود جریان مدیریت تورمی در این کشور شتافت، مسئله نرخ بیکاری بود

۷۳



اقتصاد

• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

اقدامات و راهکارهای هوشمندانه بانک مرکزی انگلیس پیامدهای سودمند و مثبت مستقیم و غیرمستقیم بر فرآیند مدیریت نرخ تورم در این کشور داشته است

۷۴



• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

یکی از مهم‌ترین تجربیات اقتصادهای پیشرفته و توسعه یافته جهان در عرصه مهار التهابات تورمی در بیش از دو دهه اخیر، مربوط به سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی انگلیس است. در حقیقت، بانکداران مرکزی انگلیس جزو معدود سیاست‌گذاران پولی در سطح اقتصاد بین‌الملل بوده‌اند که توانسته‌اند علاوه بر انجام وظایف ذاتی خود در حوزه‌های حکمرانی مالی، پولی، ارزی و اقتصادی، با اتخاذ اختیارات کامل از طرف وزارت خزانه‌داری و استقلال عملیاتی حقیقی در تصمیم‌سازی‌ها و اجرائیات، نقش پُررنگ و کارآمدی را در بهبود وضعیت بخش‌های مختلف ارکان اقتصاد داخلی و خارجی این کشور، به ویژه در بهبود مولفه‌های کلان مالی و اقتصادی نظیر تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، نرخ رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین عبور موفق و کم‌هزینه حاکمیت سیاسی انگلیس از چالش برگزیت (همه‌پرسی و رای به خروج انگلستان از اتحادیه اروپا) ایفا نماید که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران مالی و اقتصادی، این اقدامات و راهکارهای هوشمندانه بانک مرکزی انگلیس، پیامدهای سودمند و مثبت مستقیم و غیرمستقیم بر فرآیند مدیریت نرخ تورم در این کشور داشته است. مبتنی بر این مهم، در دومین مقاله از پرونده جدید پژوهشی "بانکداران مرکزی، میراث‌داران مهار تورم"، به سراغ بررسی عملکرد بانک مرکزی بریتانیا در هزاره جدید یعنی در بازه زمانی آغاز سال‌های ابتدایی ۲۰۰۰ تا به امروز رفته و اقدامات، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌های اجرایی و عملکردی این نهاد در جهت مهار التهابات تورمی را تبیین می‌نماییم.

معرفی اقدامات موفقیت‌آمیز بانک مرکزی بریتانیا در فرآیند مدیریت تورم

با استناد به گزارش‌های علمی و تحلیل‌های به چاپ رسیده از صاحب‌نظران اقتصاد پولی و بانکی بین‌الملل، ابتکار عمل‌های هوشمندانه و برجسته مدیران و سیاست‌گذاران بانک مرکزی انگلیس در مقابله با بحران‌های پولی و ارزی هزاره جدید، خود را در بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصاد کلان انگلیس، به ویژه

در شاخص‌های تورمی (شاخص کل تورم، تورم مصرف‌کننده، تورم تولیدکننده، تورم کالاهای استراتژیک مانند مواد غذایی و حامل‌های انرژی) متبلور ساخت. در حقیقت، یکی از مهم‌ترین اقدامات مدیران و بانکداران مرکزی انگلیس در دوره ریاست و مدیریت خود بر مهم‌ترین نهاد پولی و بانکی این کشور، به ویژه از زمان بروز بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ تا به امروز و دوران فروکش کردن پاندمی کرونا، برنامه‌ریزی مدون و فراگیر برای مدیریت و کنترل مجموعه‌ای از مولفه‌های کلان مالی در جهت عمل به وظیفه ذاتی خود، یعنی مهار و مدیریت تورم بوده است.

پیاده‌سازی مولفه‌های مهار تورمی با وجود مخالفت خزانه‌داری با شناورسازی قیمت پوند

بانک مرکزی بریتانیا پس از فروکش کردن مشکلات ناشی از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، در ابتدای سال ۲۰۱۰ و با بهبود زمینه‌های مالی و اقتصادی و عبور از شرایط اضطراب عملیات ملی، در اولین اقدام به سراغ اصلاح بنیادین رویکردهای فعلی ناگام آمد و از پیش‌باخته مهار تورمی و طراحی و تدوین یک طرح هدف‌گذاری تورمی جدید و متناسب با شرایط کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بریتانیا رفت. پس از آماده‌سازی نسخه نهایی و قابل اجرای این برنامه مدیریت تورمی جدید، مدیران بانک مرکزی انگلیس برای دفاع از این طرح و ارائه برنامه‌های خود، به دیدار اعضای وزارت خزانه‌داری رفتند. ابتکار عمل اصلی بانک مرکزی و مهم‌ترین اقدام اجرایی آورده شده در این طرح این بود که برای دستیابی به اهداف ثبات قیمتی، فدرال بانک باید هدف‌گذاری تورمی را انعطاف‌پذیر و میانگین قیمتی پوند را در مقابل ارزهای جهانی به ویژه دلار، شناور کند.

اما اجرای چنین برنامه‌ای، به ویژه شناورسازی قیمت پوند در مقابل ارزهای جهانی، که یک افت شدید ارزش را در اثر تشنجات ارزی ناشی از بحران مالی ۲۰۰۸ تجربه کرده بود، بدون چالش نبود. به طوری که با وجود اعلام موافقت نمایندگان مجلس عوام به عنوان بازوی اصلی قانونگذاری پارلمان بریتانیا و همراهی وزارت دارایی و نخست‌وزیر این کشور، شورای حکام خزانه‌داری بریتانیا به مخالفت جدی با طرح بانک مرکزی پرداخته و حتی تصویب آن را به مدت ۹۰ روز در کش و

ابتکار عمل
اصلی بانک
مرکزی
انگلیس این
بود که فدرال
بانک باید
هدف گذاری
تورمی را
انعطاف پذیر و
میانگین قیمتی
پوند را در مقابل
ارزهای جهانی
به ویژه دلار
شناور کند

شاخص تاثیرگذار کلان اقتصادی بریتانیا یعنی روند تولید ناخالص داخلی (GDP) بود. بانک مرکزی انگلیس در هماهنگی کامل با وزارت خزانه داری و گابینه اقتصادی دولت، برنامه ریزی ویژه ای برای جلوگیری از کاهش نرخ موثر و حقیقی تولید ناخالص داخلی (نه نرخ اسمی)، که ناگزیر به سبب اجرای سیاست های مهار تورمی رخ خواهد داد، طرح ریزی کرد. بدین ترتیب مدیران بانک مرکزی انگلیس اقدام به اجرای سیاست های پولی انقباضی انعطاف پذیرتر با امکان اصلاح و بازنگری ماهانه و فصلی در شاخص های عملیاتی کرد. این فرآیند پیچیده، در لحظه ای که دستیابی به یک روند ثابت در سطح عمومی قیمت ها، تولید ناخالص داخلی انگلیس را به شدت تهدید می کرد، با ابتکار عمل هوشمندانه مدیران بانک مرکزی این کشور، موجب مبادله پایدار نوسانات تورم و تولید شد. در حقیقت، در این دوره زمانی، با وجود تلاش سیاست گذاران پولی با ارائه مشوق های مالی و اعتباری در جهت پیشبرد اهداف اقتصاد سبزه صنایع تولیدی با امکان بازپرداخت های بلندمدت و قابل تمدید، شکاف کاهش تولید در برخی صنایع اصلی و مادر در انگلیس را پوشش دادند. لذا به همین دلیل بود که به سبب اقدامات و سیاست های کارآمد بانکداران مرکزی انگلیس، روند بهبود تولید ناخالص داخلی این کشور به اجرای سیاست های انقباضی و محدودیت زو و همچنین به پیاده سازی برنامه های ضد تورمی در جهت ثبات و پایداری نرخ تورم در محدوده مجاز تعیین شده، کمک شایان کرد.

کاهش نرخ بیکاری انگلیس، موفقیت مستقیم سیاست گذاران پولی در جهت مهار تورم
اقدام ارزنده و قابل تحسین بعدی بانک

قوس های میان حاکمیتی قرار دادند. اما در نهایت، این مدیران بانک مرکزی انگلیس بودند که توانستند با ادله منطقی و همچنین به سبب داشتن یک استقلال عملکردی حقیقی، به اصلاح سازوکارهای فعلی پرداخته و پیاده سازی مولفه های مرتبط با طرح هدف گذاری تورمی جدید را تحقق ببخشند. لذا سیاست گذاری های تغییر یافته بانک مرکزی انگلیس در حوزه مبارزه با تورم موجب شد که افزایش بی رویه در میانگین هزینه های خانوارهای انگلیسی که در دوران بحران مالی ۲۰۰۸، به سبب افزایش ناگهانی در قیمت مواد غذایی و حامل های انرژی ایجاد شده بود، کنترل شود. همچنین مجموعه اقدامات ضد تورمی مدیران بانک مرکزی انگلیس مبتنی بر اصلاحات انجام گرفته سبب شد که نرخ تورم کالاها و اساسی مبتنی بر تورم قیمت مصرف کننده و نرخ تورم تولید در این کشور در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ با روند کاهشی روبرو شده و به ترتیب تا مرز ۱۰۳ و ۱۰۷ درصد، تنزل یابد. از سوی دیگر، تا سه سال بعد از اجرای کامل این برنامه هدف گذاری جدید یعنی تا سال ۲۰۱۹ میلادی (زمان وقوع برگزیت)، با وجود بحران های مالی و ارزی کم و بیش متعدد در اقتصاد اروپا و جهان، به علت سیاست های منعطف پولی و ارزی بانک مرکزی انگلیس، روند مدیریت بهینه نرخ تورم در محدوده هدف گذاری مجاز، به خوبی پیش رفت.

تلاش برای بهبود وضعیت تولید ناخالص داخلی و کمک به سیاست های کنترل تورمی

یکی دیگر از اقدامات مهم بانک مرکزی انگلیس که خارج از وظایف ذاتی این نهاد ولی در جهت تسهیل در فرآیند مدیریت نرخ تورم انجام گرفت، در ارتباط با بهبود وضعیت



برنامه ریزی مدون بانکداران مرکزی انگلیس برای مهار تورم

یکی از مهم ترین اقدامات مدیران و بانکداران مرکزی انگلیس در دوره ریاست و مدیریت خود بر مهم ترین نهاد پولی و بانکی این کشور، به ویژه از زمان بروز بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ تا به امروز و دوران فروکش کردن پاندمی کرونا، برنامه ریزی مدون و فراگیر برای مدیریت و کنترل مجموعه ای از مولفه های کلان مالی در جهت عمل به وظیفه ذاتی خود، یعنی مهار و مدیریت تورم بوده است.



مرکزی انگلیس که مهار و کاهش آن، به کمک بهبود جریان مدیریت تورمی در این کشور شتافت، مسئله نرخ بیکاری بود. در ابتدای سال ۲۰۱۰ میلادی، نرخ بیکاری بریتانیا به حدود ۷.۵ درصد رسیده بود، نرخي که در ۳۰ سال گذشته، بی سابقه بوده و میراثی به جامانده از بحران مالی ۲۰۰۸ و تشدید سیاست‌های پولی در جهت جلوگیری از سقوط اقتصاد بریتانیا، محسوب می‌شد.

مدیران بانک مرکزی بریتانیا می‌دانستند که در صورت عدم اقدام عاجل در جهت مدیریت نرخ بیکاری، سیاست‌های ضدتورمی آنها خنثی خواهد شد. به همین دلیل در دیدار با کابینه نخست‌وزیر وقت اعلام کردند که مهم‌ترین هدف آنها، حتی بالاتر از دستیابی به اهداف مهار تورمی، کاهش نرخ بیکاری خواهد بود.

بدین ترتیب بانک مرکزی در راستای پیاده‌سازی برنامه کاهش نرخ بیکاری، آگاهی‌بخشی عمومی از اهداف آتی این نهاد در اجرای سیاست‌های پولی از جمله نحوه و میزان تغییرات نرخ بهره در ماه‌ها و سال‌های پیش‌رو را مهم‌ترین عامل در روند کاهش نرخ بیکاری و در نهایت، مدیریت بهینه نرخ تورم می‌دانست. به همین سبب، شورای حکام بانک مرکزی انگلیس در نشست‌های متعدد با صاحبان کسب‌وکارهای خرد و کلان، صنایع تولیدی، فعالان بازارهای مالی، فعالان حوزه خدمات و کشاورزی و مصرف‌کنندگان نهایی این مجموعه‌ها، دیدگاه‌ها، اهداف و چشم‌انداز این نهاد در حوزه طراحی و اجرای سیاست‌های پولی و مالی، مزایا و معایب آنها و منافع، خطرات و ریسک‌های احتمالی در این بخش را به صورت روشن و شفاف بیان کردند و در ادامه این روند، تسهیلات تشویقی قابل تحقیق را در اختیار صاحبان صنایع و کسب‌وکارهایی که تعامل سازنده‌ای با بازار کار انگلیس در جهت کاهش نرخ بیکاری داشتند، اعطا کردند. نتیجه عملکرد تیم اجرایی بانک مرکزی انگلیس در این حوزه با آغاز روند کاهش نرخ بیکاری از اواسط سال ۲۰۱۰ میلادی خود را نمایان ساخت که این امر کمک شایانی به سیاست‌گذاران پولی این کشور در فرآیند مهار تورم فزاینده کرد.

بهبود روند رشد اقتصادی و نرخ تورم انگلیس با بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

اقدام دیگر بانکداران مرکزی انگلیس که توانست نقش مهم در بهبود زنجیره‌های ارزش در مسیر مدیریت کارآمد التهابات تورمی این کشور ایفا کند، توقف روند چالش‌برانگیز و رو به زوال رشد اقتصادی انگلیس بود. بانک مرکزی به وزارت خزانه‌داری و کابینه اقتصادی دولت این کشور اطمینان داده بود که با ابتکار عمل و تغییر رویکردهای پیشین در این حوزه، روند کاهش رشد اقتصادی انگلیس را متوقف خواهد کرد. رویکرد جدید این نهاد، تمرکز بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود. در حقیقت، سیاست‌گذاران پولی معتقد بودند که بستر اقتصادی انگلیس در بین اقتصادهای اروپایی، همچنان قابل اعتمادترین و جذاب‌ترین محیط برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و دارای تقاضای فرامرزی با ضریب اطمینان بالا است. همین امر موجب شد که تیم اجرایی بانک مرکزی انگلیس به سرعت با سرمایه‌گذاران بزرگ حقیقی و حقوقی جهان، از طریق بسته‌های پیشنهادی جذاب و ترسیم چشم‌انداز رو به رشد از وضعیت آتی اقتصاد انگلیس، به توافق برسند. ارتقا فزاینده نرخ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور با ابتکار عمل بانک مرکزی انگلیس از طریق جذب حداکثری منابع خارجی در طی ۱۷ ماه، علاوه بر بهبود روند رشد اقتصادی این کشور، بستری هموار برای پیاده‌سازی سیاست‌های ضدتورمی را فراهم کرد.

جمع‌بندی

در جمع‌بندی انتهایی این پژوهش توجه به این نکته مهم خالی از لطف نیست که پتانسیل بالقوه عملیاتی ایجاد شده توسط بانک مرکزی انگلیس که توانست با ترسیم نقشه راه مناسب در چنین محیط نامطمئن اقتصادی، علاوه بر بالا بردن میزان تاب‌آوری سیستم مالی انگلیس در برابر شوک‌های ارزی و بانکی، به سیاست‌گذاران پولی اجازه دهد که ریسک‌های آتی تورمی را بهتر درک و مدیریت کنند، همه و همه در گرو استقلال عملکردی حقیقی این نهاد قرار داشت که موجب شد بانک مرکزی انگلیس بتواند با در اختیار داشتن اختیارات قانونی و عدم مداخلات غیرکارشناسانه در تصمیم‌سازی‌ها و اجرائیات، به این مهم دست یابد.



اقدامات بانکداران مرکزی برای مهار تورم (۳)

عملکرد موفق بانک مرکزی کره جنوبی در مهار تورم

- یکی از اقدامات بانک مرکزی کره جنوبی، رصد یکپارچه جریان نقدینگی و مدیریت کارآمد اعتبارات ملی بود
- بانک مرکزی کره جنوبی، بحران پاندمی کرونای ۲۰۱۹ را با کمترین هزینه و بدون آسیب جدی، پشت سر گذاشت
- بزرگترین دستاورد بانک مرکزی کره جنوبی از آغاز هزاره جدید تا به امروز، ارتقاء سطح استقلال عملکردی این نهاد بود
- فدرال بانک کره جنوبی به عنوان قابل اعتمادترین نهاد پولی و بانکی در بین بازارهای نوظهور و پیشرفته قاره آسیا شناخته شد

۷۷



اقتصاد

• شماره ۶۶-آبان ۱۴۰۳ •

هیچ شاهی از
وجود انحراف
در مدیریت
جریان نقدینگی
و هدایت
اعتبارات یا
تداوم حمایت
مالی بانک
مرکزی از
بخش‌ها
صنایع و
کسب و کارهای
ناموفق، گزارش
نشده است

۷۸



• شماره ۶۶- آبان ۱۴۰۳ •

اقتصاد کره جنوبی در بین کشورهای آسیایی و به ویژه در بین اقتصادهای پیشرفته و نوظهور آسیای جنوب شرقی، یکی از بهترین عملکردها را در زمینه مهار افزایش قیمت‌ها و مدیریت التهابات تورمی داشته است، به طوری که در بیشتر بحران‌های پولی، بانکی، ارزی و اقتصادی چهار دهه اخیر، به ویژه در تنش ارزی اواخر دهه ۹۰ میلادی، بحران پولی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، جنوب شرق آسیا، بحران مالی ۲۰۰۸ جهان، بحران ارزی ۲۰۱۵ کره و ژاپن و همه‌گیری پاندمی کرونای ۲۰۱۹، توانست وضعیت مولفه‌های کلان مالی و اقتصادی خود را در شرایط نسبتاً متعادلی نگه دارد. در این بین، به استناد آراء و دیدگاه متخصصان و صاحب‌نظران پولی و بانکی، نقش محوری بانک مرکزی مستقل و عملکردی کره جنوبی در عبور کم‌هزینه اقتصاد این کشور از میانه بحران‌های مالی پیشین غیرقابل انکار است، سیاست‌گذاری که با تصمیمات کارشناسانه و استفاده از ابزارهای پولی کارآمد و سیاست‌های منعطف، توانسته‌اند در بیشتر سال‌های دهه‌های گذشته، شاخص‌های کلانی همچون نرخ تورم را با تدبیر و ابتکار عمل در محدوده مجاز و استاندارد حفظ نمایند. لذا با توجه به کارنامه درخشان سیاست‌گذاران پولی این کشور در مسئله مدیریت بهینه نرخ تورم، در بخش سوم از مجموعه مقالات مرتبط با پرونده پژوهشی "بانکداران مرکزی، میراث‌داران مهار تورم" به سراغ تبیین و بررسی عملکرد بانک مرکزی کره جنوبی در این زمینه می‌رویم.

اقدامات بانک مرکزی کره جنوبی در فرآیند مدیریت موفق التهابات تورمی

یکی از دلایل اصلی موفقیت بانک مرکزی کره جنوبی در اجرای صحیح فرآیند مهار موفق التهابات تورمی، به مسئله مدیریت جریان نقدینگی و هدایت اعتبارات، کارآمدی مکانیزم‌های نظارتی، پایش و رصد مستمر و فراگیر اقدامات و عملکردها در این حوزه بازمی‌گردد. در حقیقت، بانک مرکزی کره جنوبی به نمایندگی تام از دولت این کشور، یک سازوکار نظام‌مند و پویا در باب رصد و پایش اعتبارات اعطایی در راستای تضمین تخصیص صحیح منابع و جلوگیری از انحراف در فرآیندهای عملیاتی و همچنین، یک سازوکار انگیزشی کارآمد و دقیق برای مرتبط ساختن حمایت‌های اعتباری خود با عملکرد دریافت‌کنندگان اعتبارات، طراحی کرد. با استناد به اطلاعات و آمارهای رسمی، به سبب استقرار فعالیت این مکانیزم نظارتی، تقریباً هیچ شاهی از وجود انحراف در مدیریت جریان نقدینگی و هدایت اعتبارات یا تداوم حمایت مالی

بانک مرکزی از بخش‌ها، صنایع و کسب و کارهای ناموفق، گزارش نشده است. در حقیقت در کره جنوبی برخلاف بسیاری از کشورها، ملاحظات سیاسی و غیراقتصادی در انتخاب طرح‌ها یا گزینش بخش‌ها و صنایع هدف در جهت تخصیص منابع بانکی و هدایت جریان نقدینگی، دخیل نبوده و همین امر موجب شده است که در اقتصاد داخلی کره جنوبی، طی سالیان متمادی، امکان مدیریت صحیح و بهینه نرخ تورم و جلوگیری از آشفتگی و افزایش ناگهانی در قیمت‌ها، به ویژه در قیمت کالاهای اساسی و استراتژیک، فراهم شود.

اصلاح و بازطراحی سیاست‌های پولی کلان با تمرکز بر مدیریت بلندمدت جهش قیمتی

پس از بحران مالی و ارزی ۲۰۱۵ کره و ژاپن، اقتصاد کره جنوبی با پشت سر گذاشتن سومین تنش اقتصادی از ابتدای هزاره جدید، به عنوان یکی از ملت‌ب‌ترین کشورهای آسیای جنوب شرقی از منظر شاخص‌های کلان مالی شناخته شده بود. به همین دلیل، رئیس و مدیران ارشد فدرال بانک کره جنوبی، در یکی از عاجل‌ترین اقدامات خود در ابتدای سال ۲۰۱۶ میلادی، دست به اصلاحات بنیادین زده و به بازطراحی اساسی در سیاست‌های پولی کلان خود پرداخت. در حقیقت، بانک مرکزی کره جنوبی در سیاست‌گذاری جدید خود، یک رویکرد مدون ۳۶ ماهه فراگیر و جامع در طراحی، تصمیم‌سازی و عملیاتی کردن سیاست‌های پولی به کار گرفت و هدف از اتخاذ این رویکرد جدید سیاستی را جهش تولید، افزایش نرخ صادرات، بهبود بستر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی مولد در اقتصاد کره و کمک به رفاه عمومی اقتصادی که در نهایت منجر به بهبود بستر ثبات قیمتی و کنترل نظام‌مند نرخ تورم در سراسر بخش‌های صنعت خدمات مالی و بانکی کشور شود، اعلام کرد.

مبتنی بر همین اصلاحات انجام گرفته و در ادامه روند سیاست‌های انعطاف‌پذیر ضد تورمی، بانک مرکزی کره جنوبی در اواسط این دوره ۳۶ ماهه، جهت نیل به آرمان مدنظر خود، مهم‌ترین اهداف عملیاتی جدید را برای ایجاد پایداری بهینه و استاندارد در سطح عمومی قیمت‌ها در بازه میان‌مدت و بلندمدت قرار داد و در همین راستا، یک دستورالعمل اجرایی متنوع مالی، ارزی، بانکی و اقتصادی را با هماهنگی دولت و تأییدیه پارلمان کره، به تصویب رساند که برای پیاده‌سازی، به وزارتخانه‌ها و نهادهای ذی‌ربط این کشور، ابلاغ شد. در دستورالعمل اجرایی جدید و سیاست‌گذاری‌های اصلاح‌شده ضد تورمی، نوع و نحوه به کارگیری ابزارهای سیاست پولی توسط کمیته سیاست پولی بانک مرکزی کره جنوبی، به مرور توسعه می‌یافت و در صورت

لزوم، مورد تغییر و بازبینی مجدد، قرار می گرفت. به عنوان نمونه، در بخشی از این لایحه قانونی، جهت کشف و استخراج داده های مرتبط با میزان حقیقی تورم، رشد اقتصادی، شاخص قیمت تولیدکننده، شاخص قیمت مصرف کننده، نرخ بیکاری زنان و مردان به تفکیک، سطح اشتغال استاندارد و تحلیل شاخص های رفاه عمومی، گسترده ترین سبد مصرف خانوار، صنایع و کسب و کارها و تغییرات آن در یک روند ۱۲ ماهه، مورد بررسی و تبیین جامع قرار گرفت. منطبق با برنامه تیم اجرایی بانک مرکزی، با توجه به ماهیت متقارن هدف گذاری شاخص های کلان، کمیته سیاست پولی بانک مرکزی، تمامی انحرافات مرتبط با مولفه های تشکیل دهنده سیاست گذاری ضد جهش قیمتی را رصد کرده و نسبت به هدایت آن به مسیر اصلی، اقدامات مقتضی را به کار می گرفتند. برآیند تصمیمات و سیاست های پولی اصلاح شده جدید بانک مرکزی کره جنوبی در برنامه سه ساله موجب شد که اقتصاد داخلی کره، به توانایی نگه داشتن نرخ تورم در محدوده مجاز تعیین شده، دست یافته و بحران پاندمی کرونا ۲۰۱۹ را با کمترین هزینه و بدون آسیب جدی و مهلک به روند مدیریت شاخص های کلان مالی و اقتصادی، به ویژه مدیریت نرخ تورم، پشت سر گذاشت.

ایجاد جریان کارآمد، مدیریت شده و ضد تورم ساز در اعطای تسهیلات اعتباری

یکی دیگر از رویکردهای مهم بانک مرکزی کره جنوبی در طرح مدیریت بسترهای قیمتی و التهابات تورمی، پافشاری بر ایجاد جریان کارآمد، مدیریت شده و ضد تورم ساز در اعطای تسهیلات سیاستی هدفمند برای دستیابی به اهداف میان مدت و بلندمدت بانک مرکزی در حوزه شاخص های کلان بود. زیرا بانکداران مرکزی کره معتقد بودند که یکی از اصلی ترین عوامل افزایش ناگهانی نرخ تورم، هدایت جریان اعتبارات به سمت صنایع نامولد و غیربهره مند بوده است که با انباشت حجم عظیم پول و عدم گردش مناسب جریان مالی در کشور، امکان بروز شوک های پولی را به وجود آورد. به همین دلیل، بانک مرکزی کره جنوبی با تغییر و اصلاح در سیاست های اعتباری خود و بازنگری در جریان مالی تزریق شده به مشاغل، صنایع و کسب و کارهای مختلف، رویکرد جدیدی را اتخاذ کرد. در این نوع از تسهیلات بانکی، تخصیص منابع و جریان اعتبارات اعطایی، بخش های مشخصی از اقتصاد کره جنوبی را مورد هدف قرار می داد که همین امر موجب می شد که بانک مرکزی بتواند با مدیریت فرآیند توزیع پولی، امکان مهار تنش های قیمتی را پیدا کند.

بهبود وضعیت استقلال عملکردی بانک مرکزی، به مدیریت نرخ تورم کره کمک کرد

شاید بتوان گفت که بزرگترین دستاورد بانک مرکزی کره جنوبی از آغاز هزاره جدید تا به امروز، که با تحقق آن توانست به بسیاری از اهداف متعالی مدنظر خود برسد، تلاش و موفقیت در حفظ، افزایش و ارتقا قابل ملاحظه سطح استقلال عملکردی این نهاد مالی بوده است. در آخرین رتبه بندی مرتبط با شاخص میزان مستقل بود بانک های مرکزی در سال ۲۰۲۳، فدرال بانک کره جنوبی به عنوان قابل اعتمادترین نهاد پولی و بانکی در بین بازارهای نوظهور و پیشرفته قاره آسیا شناخته شد. این امر به سبب تلاش هایی بود که در یک بازه زمانی هفت ساله یعنی از زمان پایان بحران ارزی ۲۰۱۵ کره و ژاپن تا سال ۲۰۲۳ میلادی انجام گرفت و روسا و مدیران بانک مرکزی کره جنوبی به بهبود ظرفیت، شفافیت و عملکرد این نهاد پولی پرداختند. تغییر رویکرد دولت کره جنوبی، کاهش معنادار و قابل توجه مداخلات غیرکارشناسانه و فراقانونی و همچنین مشارکت نهادهای اقتصادی تحت نظارت دولت با بانک مرکزی موجب شد که عملکرد مستقل فدرال بانک کره مورد توجه سازمان های مالی و پولی مطرح و معروف جهان قرار گیرد، به طوری که این اعتبار موجب شد در پاره ای از زمان ها، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در طول تنش های تورمی، به کمک اقتصاد کره شتافته و در تعامل موثر با بانک مرکزی این کشور، از بروز فجایع اقتصادی و ملی جلوگیری نمایند. به عنوان نمونه، در اواسط سال ۲۰۲۰ میلادی هنگامی که اقتصاد کره جنوبی در اثر پیامدهای ناشی از پاندمی کرونا، دچار کاهش شدید تولیدات در همه سطوح و بخش ها و افزایش بحران نیروی کار موثر و در نتیجه، افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات، به ویژه کالاهای اساسی (مواد غذایی، خوراکی ها و اوراق) شده بود، بانک جهانی به طور اضطراری برای بانک مرکزی کره جنوبی، سوآپ اعتباری به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار را بازگشایی کرد و با این امر تزریق تسهیلات اعتباری لازم به صنایع، مشاغل و کسب و کارها در کمترین زمان ممکن، از بروز یک فاجعه تمام عیار تورمی در تاریخ کره جنوبی جلوگیری شد. با استناد به پژوهش های عملیاتی، گزارش های تحلیلی و تبیین و بررسی آراء صاحب نظران اقتصاد مالی و پولی، استقلال عملکردی حقیقی و سازمان مندان بانک مرکزی کره جنوبی در بین اقتصادهای نوظهور و پیشرفته آسیایی موجب ارتقا سطح اعتبار هویتی و اجرایی این نهاد در بین مراکز و سازمان های اقتصادی و مالی بین المللی شده و همین مسئله، به روسا و مدیران این نهاد پولی کمک کرده است تا بتوانند سیاست گذاری ها و تصمیمات سیاستی مختلف خود را طی سالیان متمادی با ضرب موفقیت بالایی به سرانجام برسانند.

کره جنوبی
با پشت سر
گذشتن
سومین تنش
اقتصادی از
ابتدای هزاره
جدید، یکی از
ملتهب ترین
کشورهای
آسیای
جنوب شرقی
از منظر
شاخص های
کلان مالی بود





بانکواره توسعه تعاون

شعبه غیر حضوری شماس

نصب آسان



- افتتاح انواع حساب ریالی و ارزی بصورت برخط
- صدور گواهی امضاء دیجیتال
- ارائه خدمات کیف پول الکترونیکی
- پرداخت انواع قبوض و خرید شارژ
- مدیریت تسهیلات تفاهم نامه ای (ویژه سازمانها)
- انتقال وجه و مدیریت کارت های بانکی (فعال سازی، انسداده، تغییر رمز، موجودی، گردش حساب)
- زائر کارت



نسخه PWA برای گوشی های غیر اندرویدی، تبلت و رایانه به آدرس Bankvareh.ir

نسخه اندرویدی از بازار مرکز تماس : ۰۲۱-۶۴۳۸۰۰۰۰